

بخش دوم



بررسی درس‌ها



ستایش

عنوان: یاد تو

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با ستایش (تحمیدیه)
- ۲- توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با پروردگار
- ۳- تقویت علاقه و باور نسبت به حمد و ستایش الهی

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را به روش کارایی گروه می‌توان تدریس کرد. مراحل کار مبتنی بر این روش عبارت‌اند از:

- ۱- گروه‌بندی کلاس (هر سه یا چهار نفر در یک گروه)
- ۲- از اعضای هر گروه می‌خواهیم که درس را در زمان تعیین شده به صورت فردی صامت خوانی کنند.
- ۳- با طرح پرسش‌هایی دانش‌آموزان را به بررسی دقیق‌تر درس دعوت می‌کنیم. هر دانش‌آموز به صورت انفرادی پاسخ خود را به کلاس عرضه می‌کند.
- ۴- پرسش‌ها مجدداً مطرح می‌شود و دانش‌آموزان در گروه درباره آنها، بحث، بررسی و مشورت می‌کنند.
- ۵- پس از خواندن دقیق معلم یا استفاده از نوار کاست (ضبط شعر همراه با موسیقی) چند نفر از دانش‌آموزان شعر را می‌خوانند.
- ۶- مطالب درس با بهره‌گیری از نظرگاه‌های دانش‌آموزان و معلم جمع‌بندی می‌شود.

نکات مهم درس

- ۱- در سنت ادبی و فرهنگی ما معمولاً هر کتابی با تحمیدیه و ستایش پروردگار آغاز می‌شود. این گونه ستایش‌ها با طرح صفات الهی، عجز انسانی و نیاز انسان به پروردگار همراه است. در این سروده زیبا نظامی، با استعانت از پروردگار بزرگ به توانایی‌ها و قدرت خداوند اشاره کرده است و خواستار عنایت خداوند و نزدیکی هر چه بیشتر به اوست.
- بیت‌هایی که با عنوان «یاد تو» آمده، انتخابی از سرآغاز مثنوی «لیلی و مجنون» حکیم نظامی است.

۲- نظامی : حکیم نظامی گنجوی، از بزرگان شعر زبان فارسی در قرن ششم است. از مادری کردنژاد زاده شد و همه عمر خود را در گنجه به زهد و عزت سپری کرد. درباره این شاعر گرانقدر گفته شده است : نظامی از شاعرانی است که بی شک او را می باید در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست، وی از سخن گویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست با ایجاد یا تکمیل سبک خاصی توفیق یابد. تنها شاعری که توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند، نظامی است.

آثار وی عبارت اند از : دیوان قصاید، غزلها و قصاید، مثنوی مخزن الاسرار، مثنوی خسرو و شیرین، مثنوی لیلی و مجنون، مثنوی هفت پیکر و مثنوی اسکندرنامه.

تاریخ وفات این شاعر بزرگ را سال ۶۱۴ ه.ق، ذکر کرده اند و مدفن وی در شهر گنجه است.

۳- خواجه عبدالله انصاری : خواجه عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ ه.ق به دنیا آمد. وی از محدثان بزرگ و از عرفای نامی ایران زمین است. او به شیخ ابوالحسن خرقانی که از مشایخ صوفیه است ارادت می ورزید و سپس جانشین وی شد. از آثار او به زبان عربی می توان «ذم الکلام» و «منازل السائرین» را نام برد. رساله های فارسی ایشان عبارت اند از : زادالعارفین، رساله دل و جان، کنزالسائلین، ارادت نامه، قلندرنامه، الهی نامه و ... که مشهورترین آنها «مناجات نامه» است. وی طبقات الصوفیه عبدالرحمن سلمی را در مجالس و عظم با اضافاتی به زبان هروی قدیم املا کرد و یکی از مریدان آن را جمع کرد و در قرن نهم عبدالرحمن جامی آن را به فارسی برگرداند و نام آن را «نَفْحَاتُ الْأَنْس» گذاشت. خواجه عبدالله در سال ۴۸۱ ه.ق درگذشت.

فصل اول

زیبایی آفرینش

درس اول: زنگ آفرینش

محتوا (متن و تصویر): اهمیت زیبایی‌های آفرینش - بیان آرزوها - بهار - زنگ انشا - معلم - طبیعت			
فعالیت نوشتاری	فعالیت خوانداری		
املا	کارگروهی	نکته	خودآزمایی
الف) استفاده از کلمات هم‌آوا ب) واژه‌سازی	الف) تأکید بر انجام کارگروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته‌ها پ) ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تقویت مهارت‌های زبانی ت) تقویت و درونی‌سازی روحیه پژوهش و مطالعه ث) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) جمله ب) تشخیص یا جان‌بخشی	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته‌کردن پیام‌های درس جهت جلب توجه دانش‌آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با زیبایی‌ها و پدیده‌های جهان آفرینش
- ۲- پرورش حس تعالی جویی
- ۳- عشق‌ورزی نسبت به پدیده‌های جهان آفرینش به‌عنوان آیات الهی
- ۴- آشنایی بیشتر با قیصر امین پور و نمونه‌ای از سروده‌های وی
- ۵- آشنایی بیشتر با جمله در زبان فارسی
- ۶- تقویت نگرش مثبت نسبت به جهان آفرینش و پدیده‌های الهی

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را می‌توان با روش «نمایشی» در کلاس اجرا کرد. پیشنهاد می‌شود:

۱- به تعداد شخصیت‌های شعر، از میان دانش‌آموزان، افرادی مشخص شوند تا به ایفای نقش بپردازند.

۲- می‌توان با بهره‌گیری از امکاناتی ساده، شخصیت‌ها را حسی تر و ملموس تر ساخت؛ مثلاً با استفاده از صورتک‌ها، عکس‌ها و ... این کار، امکان پذیر است.

مناسب است هر یک از شخصیت‌ها بخشی از شعر را که متناسب با شخصیت آنهاست، حفظ کند تا نمایش طبیعی تر انجام شود.

با روش «روشن‌سازی طرز تلقی» نیز می‌توان درس را اجرا کرد.

خواندن کامل شعر ضروری است.

نکات مهم درس (کالبد شکافی شعر)

در این چارپاره، جز انتخاب مناسب شخصیت‌ها و گفت‌وگو از زبان آنها، آرزوها و آرمان‌ها نیز مطرح می‌شود. آنچه شعر را زیباتر می‌کند، زبان روایی و داستانی و پیوستگی اجزای شعر است. نوعی تکریم از معلم و نشان دادن آرزوی معلم که کامیابی دانش‌آموزان است، به شعر ارزش و اعتبار ویژه بخشیده است.

شعر «زنگ آفرینش» توصیف فضای کلاسی بسیار گرم و تپنده و سرزنده و صمیمی است؛ یعنی معلم نقابی به چهره ندارد. به دانش‌آموزان نزدیک است و آنها نیز خود را با معلم یکی می‌دانند و معلم را با خود همراه، همدم و همدل می‌بینند.

موضوع گپ و گفت، موضوع انشاست و آن هم موضوع تازه‌ای به نام «آرزوهای شما در آینده». در اینجا گرانگه معنایی و هسته بنیادین شعر بر واژه «انشا» نهاده شده است. از این رو در حقیقت، کلاس انشا، سراسر رویش و شکفتگی و به طور کلی جریان حاکم بر شعر، حرکت به سمت و سوی بالندگی و «شدن و فراتر رفتن» است.

فرایند داستانی این شعر در فضایی رو به تعالی پیش می‌رود. آنچه سبب شده است حرارت و شوق زیبا زیستن و رستن، پرفروغ‌تر گردد، همانا امید به آینده و داشتن آرزوهای رنگین و افکار شیرین دانش‌آموزان نسبت به فرداهاست. همان سخنی که در باورهای مردمی هم مشهور است: «انسان با آرزوها و امید به آینده زنده است».

این سروده همچنان که یادآور شدیم، بافتاری داستانی - روایی دارد و شخصیت‌های زیر در جریان داستان نمایان می‌شوند :

۱- معلم

۲- دانش‌آموزان (بچه‌ها) که شش نفر هستند و هرکدام به ترتیب زیر می‌آیند و موضوع انشا و آرزوهای خود را بیان می‌کنند :

(الف) شبنم : آرزوهایش این است که آفتاب شود و ذره‌ذره به آسمان برود و ابر باشد و دوباره آب شود.

(ب) دانه : آرزو می‌کند باغی بزرگ شود و جاودانه سبز بماند.

(پ) غنچه : آرزو دارد مثل لبخند شکوفا شود و جاودانه باطراوت باشد.

(ت) جوجه گنجشک : آرزو می‌کند رها در دل آسمان و آسوده از سنگ بچه‌ها باشد.

(ث) جوجه پرستو : می‌خواهد رهسپار با باد تا افق‌های دور کوچ کند و پیغمبر بهار شود.

(ج) جوجه کبوترها : می‌گویند ای کاش روز و شب کنار هم توی گلدسته‌های یک گنبد زائر حرم باشیم.

۳- زنجره

بنابراین، در مجموع هشت شخصیت در ساختار داستانی شعر وجود دارند (البته اگر جوجه‌های کبوتران را یک شخصیت به حساب آوریم). اگر به چند و چون کارکرد هر یک از اشخاص بنگریم، می‌بینیم که کم‌اثرترین و کم‌رنگ‌ترین چهره، زنجره است که تنها در یک مصراع از بند دهم شعر، حاضر شده و زنگ تفریح را به صدا درآورده است.

بچه‌ها هم که در این شعر از آنها به شبنم، دانه، غنچه، جوجه و ... یاد شده با ذکر آرزوهایشان در حقیقت روزه‌ها و دریچه‌هایی هستند که از رهگذر آن می‌توان تکامل و حرکت کمال‌جو را مشاهده کرد. بن مایه مشترک آرزوها، همان جهت‌گیری به سمت آسمان معرفت و خورشید حقیقت و گسترش شخصیت درون افراد است.

زیبایی‌های هنری : نخست اینکه فضای عمومی شعر، سرشار از احساس لطیف و عاطفه عمیق است که به خوبی خود را در ژرفای ذهن و زبان مخاطب، جایگیر می‌سازد. دیگر اینکه زبان و تصویرهای خیالی به کار گرفته در این سروده، کاملاً با جهان ذهن و زبان نوجوان هماهنگ است. همچنین توجه به کاربرد و تکرار واژه «باز» در ابتدای پنج مصراع که امتداد بار معنایی و آوایی ویژه‌ای همچون زنگی در ذهن و کلام به صدا درمی‌آورد، جالب است. گویی با این توجه و تلنگر می‌خواهد بگوید در گذشته هم بارها چنین وضعی تجربه شده است و این حکایت مکرر تاریخ است. حتی می‌بینیم جوجه کوچک پرستو هم آرزو می‌کند «کاش باز پیغمبر بهار شود». گویا پیش از این

همچنین رسالتی داشته است. یکی دیگر از کاربردهای بسیار سنجیده، به جا و زیبای این سروده کلمه زنجره است. در مصراع «زنگ تفریح را که زنجره زد». با تأمل در این مصراع می‌بینیم که واژه «زنجره» چقدر دقیق و آگاهانه برای نواختن زنگ انتخاب شده است. افزون بر این، تکرار واج «ز» و ایجاد موسیقی و هم‌آوایی گوش نواز، خود یادآور صدای ویژه زنجره یا همان سیرسیرک است.

آموزه‌های تربیتی - اخلاقی شعر زنگ آفرینش: با درنگ در تار و پود این سروده به چند آموزه تربیتی - اخلاقی برمی‌خوریم. ابتدا معلم را می‌بینیم که چهره‌ای شاداب و خندان دارد. سرزندگی و خلاقیت ذهنی بچه‌ها در کلاس جنگل سبز به همین گشاده‌روی معلم برمی‌گردد. تأثیر روان‌شناختی - تربیتی این نحوه برخورد نیز بر کسی پوشیده نیست. بنابراین معلم شاداب با رفتار و کلام طرب‌انگیز خود به دانش‌آموزان کلاس خویش، انرژی مثبتی می‌بخشد و حرکت، جست‌وجو و چالاکی را به آنها هدیه می‌کند و این اثرگذاری هم‌سخنی و مصاحبت با بزرگان صافی درون را مولانا در مثنوی به زیبایی، بیان کرده است:

نار خندان، باغ را خندان کند صحبت مردانت از مردان کند

(مثنوی دفتر اول، ب ۷۲۱)

از این روست که شادی و شکفتگی در پهنای سبز کلاس موج می‌زند. همین روحیه معلم باعث شده است که بچه‌ها بی‌پرده و صمیمی او را در ردیف خود ببینند و آرزوهای خویش را برایش روایت کنند. در واقع معلم دوست بچه‌هاست و تا هنگامی که در کلاس و جمع دانش‌آموزان با همدلان و همسفران است، پر از نشاط و طراوت است و همین که زنگ تفریح را زنجره می‌زند، شاعر می‌گوید: «و معلم دوباره تنها شد». مسئله دیگری که آموزنده و شایسته توجه است، نگاه کمال‌جویی، تعالی‌طلب و امیدوار به آینده‌ای روشن با چشم اندازی سبز و جاودانه در فضایی آزاد و سرشار از محبت و دوستی‌هاست.

سخن آخر اینکه بند پایانی شعر با نهایت لطف و لطافت بیان شده است و نشان‌دهنده فرود بسیار زیبای پرواز خیال‌انگیز ذهن و زبان شاعر است. در اینجا معلم را می‌بینیم که با وجود غرق بودن در تنهایی خود، از حضور گرم و چشم‌نواز و تنوع آرزوهای دانش‌آموزان سخن می‌گوید و هنوز به آنان که نیمه وجودی روح و روانش را تشکیل می‌دهند، فکر می‌کند و در دل برایشان آرزوی کامیابی و آینده‌ای روشن و آفتابی دارد. اینجاست که باز هم صفای باطن و سرشار از عشق و محبت معلم برجسته تر می‌شود؛ زیرا او حتی در تنهایی خویش نیز به دانش‌آموزان و نیک‌بخشی و نیک‌فرجامی آنان می‌اندیشد و تنها آرزوی خود را کامروایی بچه‌ها می‌داند و با این پیام در حقیقت معلم همچون دیگر بچه‌ها تکلیف خود را به شایستگی انجام داد و انشای زندگی خویش را قرائت کرد.

این سروده زیبا را می‌توان با بهره‌گیری از نوار صوتی، لوح فشرده و منابع رایانه‌ای، بهتر و تأثیرگذار عرضه کرد. در این درس با شیوه‌های گوناگون رایج چون ارزشیابی شفاهی، کتبی و چک‌لیست می‌توان میزان دریافت و فعالیت دانش‌آموزان را سنجش کرد.

نوشتن

یادآوری: در این بخش، هدف مؤلفان پاسخگویی مستقیم به پرسش‌های بخش نوشتن نیست؛ بلکه نگارندگان کتاب برآنند که به اهداف آموزشی هر یک از تمرین‌هایی که نیاز به توضیح دارند، بپردازند؛ زیرا تبیین اهداف آموزش، جهت آموزش و ارزشیابی را نیز سامان می‌دهد. بنابراین هر تمرین، ممکن است چندین هدف آموزشی را به طور همزمان دنبال کند. در تمرین‌های شماره یک و دو، آشنایی بیشتر فراگیران با واژه‌های هم‌آوا با تکیه بر متن و جمله و ترکیب حرف‌ها و ساخت واژگان جدید مدنظر است.

منابع اطلاعاتی کمکی

- ۱- ویژه‌نامه مجله شعر درباره دکتر قیصر امین پور.
- ۲- ادبیات کودکان و نوجوانان، مؤلفان: اکبری، قاسم‌پور، یارویی، انتشارات آیندگان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- ۳- روزنه، محمدکاظم کاظمی، انتشارات کانون شاعران خراسان، ۱۳۷۵.

حکایت: اندرز پدر

سعدی در این حکایت به پرهیز از غیبت کردن سفارش می‌کند؛ همچون بیت زیر:

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است

درس دوم: چشمه معرفت

محتوا (متن و تصویر): روحیه معرفت جویی - نگاه کنجکاوانه - نوجوانی - نشاط - عاطفه و احساس - زیبایی خلقت - طبیعت			
فعالیت نوشتاری		فعالیت خوانداری	
املا	کارگروهی	نکته	خودارزیایی
نوشتن کلمه‌های مهم املائی متن درس و کلمه‌های هم‌خانواده - تشخیص کلمه‌های غلط در متن	الف) تأکید بر انجام کارگروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته‌ها پ) ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تقویت مهارت‌های زبانی ت) تقویت و درونی‌سازی روحیه پژوهش و مطالعه ث) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) انواع جمله ب) واژه‌های هم‌خانواده	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته‌کردن پیام‌های درس جهت جلب توجه دانش‌آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نمونه‌ای از ستایش
- ۲- آشنایی با نمونه‌ای از نثر ادبی معاصر
- ۳- تقویت توجه به آفرینش و زیبایی‌های طبیعت
- ۴- پرورش نگاه‌های کنجکاوانه و دقیق
- ۵- پرورش روحیه معرفت جویی و توجه به خالق زیبایی‌ها
- ۶- ایجاد انگیزه نسبت به درک و فهم زیبایی‌ها
- ۷- آشنایی با انواع جمله با توجه به لحن و آهنگ آنها
- ۸- آشنایی با واژه‌های هم‌خانواده

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- الگوی تدریس پیش‌سازمان‌دهنده
- ۲- روش روشن‌سازی طرز تلقی
- ۳- کارایی گروه

نکات مهم درس

دکتر علی شریعتی از آنجا که نویسنده‌ای دین‌باور است، بر آن است از راه تدبّر در مظاهر آفرینش الهی و پدیده‌های بیرونی، با زبانی پراحساس و عاطفی ما را به شناخت آفریدگار فراخواند. از راه پدیده‌های دیداری و محسوس به جلوه‌های جمال معنوی برسد و با فراگرفتن، فهمیدن، کنجکاوانه و دیگرگونه دیدن به کشف نایل گردد.

در طبیعت به دیدهٔ اعجاز نگرستن و جمال و جلال و شکوه پروردگار را به چشم دل دیدن و دعوت به بازخوانی و مطالعهٔ این درس بزرگ خلقت، پیام اصلی این متن است. آنچه بر زیبایی نثر دکتر شریعتی افزوده است، بهره‌گیری از زبانی سرشار از احساس، عاطفه و تخیل است. نویسنده در این نوشته، ذوق و عاطفه و لطایف و ظرافت نگاه خویش را با بینش ژرف عرفانی درآمیخته است. از این رو باغ و صحرا و دشت را تماشاخانه و تفرجگاه پاک و معصوم و سرشار از صفا می‌داند که انسان را به خالق خویش پیوند می‌دهد. بنابراین، مطالعه و کسب معرفت چونان چشمه‌ای گوارا و زلال است که طراوت و خنکای آن جان را شادابی و خرمی می‌بخشد.

دانش‌های زبانی و ادبی

به جمله‌های زیر توجه کنید :

– پروانه، از روی گیاهان پرید.

– پروانه، پرهای ظریف و زیبایی دارد.

– پروانه، بر روی گل‌های گوناگون می‌نشیند.

همان‌طور که می‌بینیم هر جمله، یک فعل دارد : «پرید، دارد، می‌نشیند». فعل‌ها، هسته و مرکز جمله به‌شمار می‌آیند؛ یعنی وزن محتوایی و گسترهٔ معنایی جمله به فعل وابسته است و بر پایهٔ همین ویژگی فعل و نوع پیام، جمله به گونه‌هایی بخش می‌شود.

در این درس به انواع جمله از دید نوع خبر پرداخته شده است. جمله‌ها از این دیدگاه به چهار

دسته، تقسیم می‌شوند :

۱- خبری ۲- امری ۳- پرسشی ۴- عاطفی (تعجبی)

از میان این گونه‌ها به توضیح جمله‌های امری و عاطفی می‌پردازیم :

جملهٔ امری جمله‌ای است که به انجام کاری فرمان می‌دهد و یا خواهشی را مطرح می‌سازد و

اغلب در ساخت دوم شخص (مفرد، جمع) به کار می‌رود.

مثال: برو/ بروید بخور/ بخورید

جمله عاطفی که برای بیان عاطفه، احساس، تعجب، شگفتی و ... به کار می‌رود، جمله تعجیبی نیز نامیده شده است. مثال: چه هوای خوبی! عجب منظره‌ای!

روان خوانی

برای اطلاع بیشتر درباره روان خوانی به بخش اول کتاب (کلیاتی مربوط به روان خوانی) مراجعه کنید.

روان خوانی: کژال

کژال، داستان کوتاهی است از خانم طاهره ابید. درون مایه این داستان بر مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم بدخواهان و جان فشانی کردن برای حفظ خانه و همنوع و سرزمین و دفاع از هستی انسان، تأکید دارد. زاویه دید این داستان، روایت به شیوه سوم شخص مفرد است.

شخصیت‌ها

۱- کژال: مادری که کودک شیرخواره در آغوش دارد و برای دیدن عمه کابوک روانه می‌گردد. یادآوری: کژال در زبان کُردی به فتح «ک» تلفظ می‌شود و به معنای دختر زیبا و رعنا و چشم عسلی است؛ گویا با واژه غزل و غزال از دید ریشه‌شناسی، پیوندی دارد.

۲- روناک: کودک شیرخوار و دختر قنداقه‌ای کژال.

۳- گرگ: که بر سر راه کژال نمایان می‌شود و کودک قنداقه‌ای کژال را می‌رباید.

۴- هه ژار: شوهر کژال که در داستان حضور ندارد و فقط این کژال است که در برابر گرگ فریاد می‌زند و او را به کمک می‌طلبد.

۵- آزاد: جوان کشاورز روستایی که به کمک کژال می‌آید و پنجه در چنگال گرگ می‌افکند و با او درگیر می‌شود و پس از مدتی درگیری با آن، سرانجام گرگ را از پا درمی‌آورد، هرچند که خود نیز زخم فراوان دارد و نفس‌هایش به شماره می‌افتد اما روناک را نجات می‌دهد.

نثر داستان، یک دست و روان است. نویسنده در چند مورد از گویش کردی بهره گرفته و افزون بر انتخاب نام، برخی از ترکیب و جمله‌ها را به همان گویش آورده و ضمن قرار دادن داستان در فضایی پاک

و سرشار از جوانمردی و عظوفت و صفا، رنگ بومی - محلی خاصی به آن بخشیده است و اتفاقاً همین عامل، گیرایی و جذابیت داستان را افزوده است.

طاهره ایبند

متولد دی ماه ۱۳۴۲ در شیراز است. وی کارهای هنری را از سال ۱۳۶۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شیراز آغاز کرده است. سال ۶۴ به تهران آمد و با آقای بیوک ملکی شاعر و نقاش کتاب‌های کودکان و نوجوانان ازدواج کرد. فوق دیپلم زبان انگلیسی است. کتاب‌های داستانی زیادی از او به چاپ رسیده که تعدادی از آنها جایزه هم برده است؛ از جمله: ۱- باغچه توی گلدان ۲- به هوای گل سرخ ۳- خانواده آقای چرخشی.

نکاتی درباره «درک و دریافت»

یکی از توانایی‌های ذهن آدمی، تفکر و اندیشیدن است. فکر کردن به انسان کمک می‌کند تا ضمن پرداختن به مسائل و امور روزمره زندگی، از عهده حل مشکلات نیز برآید. یکی از وظایف مراکز آموزشی به ویژه مدارس و معلمان این است که توانایی فکر کردن را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کنند. در زمینه آموزش تفکر حداقل دو مکتب فکری وجود دارد: گروهی عقیده دارند تفکر فطری و ذاتی است و نیازی به اکتساب و آموختن ندارد و در مقابل عده‌ای بر این باورند که تفکر را می‌توان در تمام دوران زندگی به طرق مختلف آموزش داد. بر این اساس یکی از اهداف کتاب‌های فارسی به ویژه در بخش روان‌خوانی به دلیل هماهنگی بین ذهن و زبان تقویت توانایی تفکر از طریق مهارت خواندن و درک مطلب است. بنابراین دبیران محترم ادبیات لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشند که به هنگام تدریس کتاب، در بخش روان‌خوانی هم به روخوانی و هم به درک مطلب اهمیت بدهند و درک مطلب تحقق نمی‌یابد مگر آنکه از شیوه‌های متنوع از جمله طرح سؤال، پاسخ به سؤال‌های واگرا، تحلیل متن و ... استفاده شود.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، یکی از مهارت‌های اصلی زبان که نیاز به آموزش مستقیم دارد و تأثیر آن در دیگر مهارت‌ها بسیار زیاد است، مهارت «خواندن» نامیده می‌شود. منظور از مهارت خواندن - برخلاف تصور برخی - روخوانی و بلندخوانی یک متن نیست؛ بلکه درک مطلب و دریافت مفهوم یک نوشته به شمار می‌آید. روان‌خوانی‌ها، یکی از بخش‌های موجود در کتاب‌های تازه تألیف فارسی دوره اول متوسطه است که تقویت این مهارت را دنبال می‌کند و بر آن است تا با ارائه متن‌های جذاب، دانش‌آموزان را به خواندن و درک مطلب وادارد و در آنها التذاذ ایجاد کند. در پایان هر روان‌خوانی

تعدادی سؤال دیده می‌شود که بیشتر واگرا هستند و دانش‌آموزان را به تأمل و تفکر عمیق تر وامی‌دارد و بازخورد داستان را طلب می‌کند. این پرسش‌ها با سطوح و عناوین مختلفی طراحی شده‌اند. توجه به این نکته نیز مهم است که پرسش‌های «درک و دریافت» با رویکرد «واگرا» طرح شده‌اند و در حقیقت ابزاری هستند برای سنجش درک و دریافت محتوا. دبیران محترم می‌توانند با توجه به ویژگی‌های این گونه سؤالات، نمونه‌های دیگری ارائه دهند یا از خود دانش‌آموزان کمک بگیرند. دیگر اینکه، در سازماندهی و طراحی این بخش در محور طولی برنامه درسی فارسی متوسطه تلاش کرده‌ایم حرکتی از سطح به ژرفا داشته باشیم. یادآوری می‌کنیم که پاسخ به این پرسش‌ها به صورت گفت و گو و مشورت و همیاری دانش‌آموزان و شفاهی انجام می‌گیرد. در آزمون پایانی، ارزشیابی از این بخش‌های کتاب بر پایه آزمون‌های مستمر و تکوینی به عنوان نمره فارسی خواندن (شفاهی) محاسبه خواهد شد.

فصل دوم

شگفتن

درس سوم: نسل آینده‌ساز

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با رسالت و مسئولیت نسل نوجوان و جوان انقلاب
- ۲- آشنایی با رهنمودهای مقام رهبری درباره نسل جوان
- ۳- آشنایی با نقش جوانان در گذشته، حال و آینده ایران
- ۴- آشنایی با ویژگی‌های دنیای نوجوانی
- ۵- نگرش مثبت نسبت به گذشته، حال و آینده ایران
- ۶- آشنایی بیشتر با فعل و اهمیت آن
- ۷- ایجاد نگرش مثبت نسبت به زبان و ادب فارسی و توانمندی‌های نوجوان

روش‌های پیشنهادی تدریس

درس را می‌توان به روش‌های پرسش و پاسخ، کارایی گروه و روش خطابی تدریس کرد.

نکات مهم درس

۱- جوان و نوجوان چشمه جوشان نیرو و استعداد است. این توانایی و استعداد از چند منظر قابل بررسی است:

الف) از منظر جسمانی نوجوانان و جوانان لبریز از توان اند و به همین دلیل جویای «خطر» و تلاش و تکاپو هستند. بهره‌گیری از این توانایی‌ها چه در رشد علمی و چه معنوی و چه در عرصه‌های ورزش و فعالیت‌های جمعی بایسته است.

نوجوان و جوان مظهر عاطفه جوشان و احساسات زلال و پاک هستند و به دلیل آنکه هنوز به فطرت و ملکوت نزدیک اند، پذیرای حقیقت‌اند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا، خَالِقِنِي الشَّبَابُ وَحَالِقِنِي الشُّبَانَ لِأَنَّهُمْ أَرْقُ أَفِيدَةً» خداوند مرا مژده دهنده و هشدار دهنده برانگیخت. پیران با من سر ناسازگاری گذاشتند و جوانان با من هم پیمان شدند، زیرا جوان‌ها دل‌های نرم و مهربان دارند.

بهره‌گیری پیامبر از دل‌های نرم و عاطفه سیال جوانان یکی از رمز و رازهای موفقیت پیامبران است. نکته مهم دیگر تخیل پویا، ذهن نقاد و آرمان خواهی نوجوان و جوان است که همین ویژگی نیز تکیه‌گاه تکاپوها و پویه‌های مثبت می‌تواند باشد.

در سخنان مقام معظم رهبری یکی از انگاره‌ها و القائات منفی، نفی شده است و آن انحراف نسل جوان است. نسل جوان امروز ایران سرشار شور و شعور است و خطا و اشتباه گاه گاه، محصول همان روح تنوع طلب، بلند پروازانه و ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی است که با هدایت و ارشاد، شکیب و صمیمیت و انعطاف قابل حل و اغماض است.

جوانان امروز ایران در عرصه‌های گوناگون علمی افتخارات فراوان آفریده‌اند که موفقیت‌های آنان در المپیادهای علمی، پژوهش‌ها و نوآوری‌ها و جنبش نرم افزاری مشهود است. در عرصه جهاد نیز افتخارات امروز ما پس از دفاع مقدس و هشت سال ایثار و پاکبازی و ایستادگی، مدیون روح ایمان، سلحشوری و علاقه‌مندی به دین و سرزمین مقدس ایران است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی چند تذکر و هشدار در سخنان خویش فرموده‌اند:

- ۱- مراقب تلاش دشمنان در جلوگیری از پیشرفت تحصیلی خود باشید.
- ۲- درس خواندن، جهاد دانش‌آموزان در مقابل این توطئه‌هاست.
- ۳- پاکدامنی، پارسایی و حفظ ایمان و رستگاری در کنار درس خواندن لازم است.
- ۴- قدر جوانی و نیرو و نشاط این دوره را باید دانست.
- ۵- باید از فرصت خوب و ارزشمند و گرم نظام و انقلاب اسلامی حداکثر بهره را گرفت.

زبان و ادبیات

نکته دوم این درس، تفاوت زبان و ادبیات است، زبان وسیله تفهیم و تفاهم است. این پدیده، وسیله‌ای است تا مردم با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نیازهای یکدیگر را رفع نمایند. زبان نقش‌های فرعی دیگری نیز دارد که از آنها می‌توان به حدیث نفس و تفکر اشاره کرد. ادبیات، شالوده‌ای زبانی دارد و به مثابه ساختمانی است که بنیان آن، زبان است. در عین حال ادبیات راز و رمز ماندگاری زبان است. اگر ادبیات یک زبان از بین برود، زبان نیز رو به زوال می‌نهد. اهل فن تفاوت‌های زیادی بین زبان و ادبیات قائل شده‌اند. هرچند مرز تازه‌ای نیز نمی‌توان برای این دو متصور شد. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب «زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته» تألیف دکتر علی محمد حق‌شناس مراجعه کرد.

همان‌گونه که نخستین کار در بررسی و مطالعه هر علمی، طبقه‌بندی آن است. در آموزش و تدریس که امروزه خود دانش ویژه به شمار می‌آید، بازشناسی درست پهنه‌های دانش مورد آموزش، امری سنجیده و در خور توجه است. به همین روی، گام نخست در آموزش ادبیات فارسی و زبان فارسی، شناخت بهنجار این دو پهنه و ایجاد ذهنیت درست نسبت به آن دو است.

به کار بستن ابزارهای بایسته هر قلمرو به فراخور آن و بهره‌گیری از برنامه‌ها و روش‌های شایسته برای رسیدن به هدف‌هایی که در گستره زبان و پهن دشت ادب در پیش رو است، از گام‌هایی است که هر آموزنده باید در تدریس از سر درنگ و اندیشه بدان بنگرد.

به دیگر سخن، شناسایی و ارزیابی هر پدیده‌ای در حقیقت چونان خشت نخستینی است که اگر بهنجار نهاده شود، تا پایان نظم و آرایش خواهد داشت و اگر جز این باشد، بر بنیادی لرزان، دیواری ناستوار سر بر خواهد آورد.

بازشناسی دو پدیده از یکدیگر: از آنجا که هر وادی برای خود ابزار، روش و هدف ویژه‌ای دارد، برای آنکه در کار آموزش دچار درآمیختگی این روش‌ها و اهداف نشویم، باید به جدایی و شناخت دقیق زمینه‌های مورد نظر بپردازیم. اکنون می‌کوشیم به شرح و باز نمود دو قلمرو ادبیات و زبان پرداخته، چگونگی جدایی و پیوند آن دو را فرا پیش نهیم.

زبان یک پدیده زنده و پویا و سامانمند اجتماعی است که انسان برای ایجاد پیوند و رساندن پیام خود در جامعه بشری از آن بهره می‌گیرد؛ بنابراین باید به کارکرد جامعه‌شناسی زبان توجه کنیم.

اینکه گفته شد، زبان پویا و زنده است به آن معناست که چونان هر موجود دیگر از بافت‌ها و اندام‌واره‌ای بهره‌مند است و در پویه خود هر بخش آن پیدایی و زایایی و بالندگی و سرانجام فرسایش و نابودی را در پی دارد. به بیانی دیگر، پیکره زبان و تک واژه‌های آن مانند هر پدیده طبیعی دیگر زندگی و مرگی دارند. این زندگی و فرسودگی هر زبان، به مرده ریگ فرهنگی و روح جمعی و تبار قومی گویشوران و جامعه زبانی آن وابسته است، زیرا «زبان هر قوم روح آنان و روح آنان زبانشان است».

همچنین گفتیم که زبان پدیده‌ای سامانمند است. این نظم و سامان را می‌توان در تمام بافت‌های زبان و اندام وارگی آن نشان داد. به همین دلیل زبان پژوهان همواره از زبان به عنوان دستگاه و نظام یاد کرده‌اند و بر این باورند که در هر سه بافت اصلی زبان (آوایی، نحوی، معنایی) نظم وجود دارد که به یاری آن می‌توانیم به سادگی به توصیف آن بپردازیم.

از ویژگی‌های دیگر زبان، «اجتماعی» بودن آن است؛ یعنی «نقش عمده زبان، ایجاد ارتباط و مراوده اجتماعی است، بنابراین زبان به عنوان یک پدیده کاملاً اجتماعی کارکردی جامعه شناختی دارد و از این دیدگاه شناخت ذهن و فکر یک جامعه زبانی از راه زبان بسیار در خور ارزش است و حتی با بررسی زبان از طریق دو نمودگار اصلی آن (گفتار و نوشتار) می‌توان به کارکرد فرهنگی و تأثیر آن در حفظ هنجارهای ارزشی و اجتماعی و روحیه جمعی یک قوم، پی برد. ادبیات و زبان دو دنیای ویژه‌اند و بررسی و ارزیابی آنها نیز مستقل از یکدیگر است. هر چند ادبیات بدون زبان نمی‌تواند پدیدار شود، آنگاه که پدید آمد، چیزی فرازبان است و دست زبان به دامن آن نمی‌رسد.

هدف ادبیات و زبان: زبان ابزاری است برای انسان تا به کمک آن پیوندی با همنوع خود برقرار نماید و خواست خود را بازگو کند و به مقصود خویش برسد. پس هدف از به کار بستن زبان، برقراری پیوند اجتماعی و پیام‌رسانی است. از این روی، در قلمرو زبان تأکید بر سر این است که: «چه بگوییم».

ناگفته پیداست در پهنه‌ای که اصل بر «پیام‌رسانی» است، اهل زبان تلاش می‌کند تا به سادگی و با کوتاه‌ترین واژگان (توجه به اصل اقتصاد زبانی) و به دور از هر زیور و پیرایه‌ای سخن خود را بر زبان آورد، اما در پهنه ادبیات، سخنور در پی آن است که زیبایی سخن خود را به آرایه‌ها و زیورها بیاراید و به فریابی بیشتر سخن بگوید. به همین سبب در ادبیات عناصری همچون «احساس»، «عاطفه»، «خیال» و «موسیقی» کارایی ویژه‌ای دارند؛ زیرا در قلمرو ادب، هدف آفرینش زیبایی و هنر است.

به سخنی دیگر، آنچه برای سخنور ادب دان و آشناروی با این قلمرو، با ارزش است، نیکوتر آراستن سخن است و تمام تلاش و پافشاری بر این است که «چگونه بگوید» و این «چگونه گفتن» را به روشنی در شعرهای

دلفریب و خرد آشوب ادب دیرپای فارسی می‌توان باز نمود. بدین‌سان درمی‌یابیم که ادبیات و زبان از یکدیگر متفاوت‌اند، چرا که ابزار و روش و هدف‌های هر یک فرق می‌کند. برای روشن شدن تفاوت و پیوند زبان و ادبیات می‌توان گفت: زبان همچون راه رفتن است. حرکتی بهنجار و سامانمند است که بر خاک می‌خزد و بر سطح و افقی روان است ولی ادبیات چونان پایکوبی و رقص است. خیزشی فراهنجار و هنجارگریز است. پدیده‌ای است جوشیده از شور و تپش و پران.

زبان تنها ابزار است در خدمت انسان، مانند رنگ برای نگارگر، سنگ برای پیکر تراش و بتگر و نت و آهنگ برای نوازنده و موسیقی اما ادبیات هنری است که پیامش در سرشت آن نهان است. ناگفته پیداست که نقش زبان در حفظ و پاسداشت مرده ریگ فرهنگی نباید کوچک شمرده شود. «تدریس زبان به خودی خود هدف نیست، بلکه این آموزش باید قاعده‌تأدیری را بر روی دنیای دین و فرهنگ – که زبان تکیه‌گاه برگزیده اما نه منحصر به فرد آن است، بگشاید. در حقیقت زبان دو نقش دارد: از طرفی ابزاری برای ایجاد ارتباط بین افراد یک جامعه زبانی است و از طرف دیگر تکیه‌گاه فرهنگ و دین به معنی وسیع آن است که بین عناصر دیگر، ادبیات را دربر می‌گیرد. ادبیات یکی از قلمروهای بسیار مهم گنجینه فرهنگی هر جامعه زبانی است. ادبیات همه فرهنگ نیست بلکه یکی از عناصر مهم آن است. زبان و فرهنگ یکدیگر را نفی نمی‌کند.

پیوند زبان با ادبیات: زبان برای ادبیات ابزار است، یعنی ماده اولیه ادبیات، زبان است؛ اما تفاوت در این است که آنچه رنگ و نام ادبیات یافت، دیگر زبان نیست. ادبیات یک حوزه مستقل از حوزه زبان است؛ یعنی همان چیزی که «دکتر شفیع کدکنی» می‌گوید: «حادثه‌ای که در زبان روی می‌دهد». این حادثه گرچه در زبان روی می‌دهد، ولی زبان نیست یعنی زبان از این حادثه به بعد به چیز دیگری تبدیل می‌شود که به حوزه هنرها متعلق است. زبان‌شناسان ادبیات را به این صورت تعریف می‌کنند که نظامی است ساخته شده از نشانه‌های آوایی دل‌بخوایی برای انتقال پیامی که در آن از نشانه‌های معنایی (و نه آوایی) و انگیخته (و نه دل‌بخوایی) ساخته شده است و (نه برای ارتباط و نه انتقال) بلکه برای خلق زمینه‌ها و فضاهایی که خواننده چون در آن فضاها قرار بگیرد، خود به آفرینش پیامی در مایه پیام شاعر یا نویسنده می‌پردازد.

آموزش ادبیات و زبان فارسی

اکنون سخن بر سر این است که آیا با جدایی دو قلمرو زبان و ادبیات از یکدیگر، راهکارهای تدریس و سنجه‌های ارزیابی این دو درس یکسان‌اند؟

هر درس و پهنه‌ای ابزار بایسته و روش درخور خود را می‌خواهد و اگر جز این باشد، تلاشی

بیهوده است که به گمراهی ره خواهد یافت؛ چرا که درس و بحث زبان را با نگرش منطقی علمی و خردباورانه باید بررسی کرد و آموزش داد؛ اما در درس ادبیات نگرش هنری و ذوقی است که بر احساس و عاطفه استوار است. در درس زبان تعلیم صورت می‌گیرد ولی در ادبیات انگیزش عواطف و پالایش درون منظور نظر است. در درس زبان فارسی مهارت‌ها آموزش داده می‌شود اما در ادبیات تنها با هنرهای زبانی آشنا می‌شویم.

مطالعه و ارزیابی زبان محتاج روش‌ها، شیوه‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی است که با آنچه در ارزیابی ادبیات به عنوان یک هنر به کار می‌رود، تفاوت دارد. واضح است داشتن یا نداشتن خط در ارزش زبان به عنوان یک زبان تأثیری ندارد. همان‌طور که داشتن یا نداشتن ادبیات در ارزش یک زبان به عنوان یک زبان تأثیری ندارد. وقتی که ما دربارهٔ ارزش‌های ادبی یا فرهنگی یک زبان سخن می‌گوییم، در واقع اصلاً دربارهٔ خود زبان سخن نمی‌گوییم بلکه دربارهٔ مقام اجتماعی یا اعتبار چیزهایی غیرزبانی مانند فرهنگ و ادبیات گفت و گو می‌کنیم.

بنابراین از ادبیات نباید انتظار داشت که به ما کاربردهای علمی زبان را بیاموزد. ادبیات جنبهٔ تزئینی زبان است. ادبیات مخلوق ذوق و عواطف است و با کاربردهای عملی زبان تفاوت بسیار آشکاری دارد. کوشش برای آموختن زبان از طریق ادبیات به شکستی دو جانبه خواهد انجامید؛ نه زبان آموخته می‌شود و نه ارزش‌های هنری آثار ادبی و آموزه‌های اخلاقی - تربیتی آن به نحو شایسته دریافت می‌شود. آموزش کاربردهای عملی زبان برای پرورش مهارت‌های زندگی در یک جامعهٔ پرتکاپو بسیار ضروری است.

خط و نوشتار: ما زبان و گفتار را در خانه و خط و نوشتار را در مدرسه می‌آموزیم.

زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد؛ در حالی که خط و نوشتار ذاتی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ او دارد. انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است. سابقهٔ زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش باز می‌گردد ولی سابقهٔ خط و نوشتار به حدود ده هزار سال پیش می‌رسد.

خط و نوشتار خاستگاه اجتماعی و فرهنگی دارد و ساختهٔ خود انسان است. ما هنگام یادگیری زبان، این استعداد خدادادی را در قالب زبان مشخص می‌ریزیم؛ یعنی آن را بسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، به شکل زبان فارسی یا عربی یا انگلیسی و ... درمی‌آوریم. خط و نوشتار را انسان بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است.

خط و نوشتار به طور غیر مستقیم و به واسطه گفتار با زبان پیوند می خورد. به این معنا که نخست زبان را به صورت گفتار درمی آوریم، آنگاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می نویسیم.

اطلاعات کمکی

زندگی نامه: رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه ای، در روز ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ برابر با ۲۸ صفر ۱۳۵۸ قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود.

رهبر بزرگوار در بیان نخستین خاطره های زندگی خود از وضع و حال زندگی خانواده شان چنین می گویند:

«پدرم روحانی معروفی بود؛ اما خیلی پارسا و گوشه گیر... زندگی ما به سختی می گذشت، من یادم هست شب هایی اتفاق می افتاد که در منزلمان شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می کرد و... آن شام هم نان و کشمش بود».

«منزل پدری من که در آن متولد شده ام، تا چهار - پنج سالگی من، یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه ای، هنگامی که برای پدرم مهمان می آمد، همه ما باید به زیرزمین می رفتیم تا مهمان برود. بعد عده ای که به پدر ارادتی داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده، به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم».

رهبر انقلاب، این گونه پرورش یافتند و از چهارسالگی به مکتب سپرده شدند تا الفبا و قرآن را بیاموزند. سپس در مدرسه تازه تأسیس اسلامی «دارالتعلیم دیانتی» ثبت نام کردند و این دوران تحصیل ابتدایی را در آن مدرسه گذراندند.

در حوزه علمی: ایشان در دوره دبیرستان، خواندن «جامع المقدمات» و صرف و نحو را آغاز کردند. سپس از مدرسه جدید وارد حوزه علمی شدند و نزد پدر و دیگر استادان وقت، ادبیات و مقدمات را خواندند. درباره انگیزه ورود به حوزه علمی و انتخاب راه روحانیت می گویند: «عامل و موجب اصلی در انتخاب این راه نورانی روحانیت پدرم بود و مادرم نیز علاقه مند و مشوق بودند».

در سال ۱۳۳۶ به قصد زیارت عتبات عالیات، عازم نجف اشرف شدند و با مشاهده و شرکت در درس های خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف اوضاع درس و تدریس و تحقیق آن حوزه علمی را پسندیدند و پدر را از قصد خود آگاه ساختند. ولی پدر موافقت نکردند. پس از مدتی ایشان به مشهد بازگشتند.

آیت الله خامنه ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمی قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول

و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبایی استفاده کردند. در سال ۱۳۴۳ از مکاتباتی که رهبر انقلاب با پدرشان داشتند، متوجه شدند که یک چشم پدر به علت آب مروارید نابینا شده است. بسیار غمگین شدند و به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا از قم به مشهد بازگردند و از پدرشان مواظبت نمایند. ایشان در این مورد می‌گویند:

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقاد این است که ناشی از همان بڑی (نیکی) است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام». ایشان در مشهد از ادامه درس دست برداشتند و جز ایام تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصولی خود را تا سال ۱۳۴۷ در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد به ویژه آیت‌الله میلانی ادامه دادند. همچنین از سال ۱۳۴۳ که در مشهد ماندگار شدند، در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می‌پرداختند.

مبارزات سیاسی: آیت‌الله خامنه‌ای به گفته خویش «از دانش‌آموزان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) هستند»؛ اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام شهید «سید مجتبی نواب صفوی» در ذهن ایشان زده است؛ هنگامی که نواب صفوی با عده‌ای از فدائیان اسلام در سال ۳۱ به مشهد رفته در مدرسه سلیمان خان، سخنرانی پرهیجان و بيدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و دروغگویی آنان به ملت ایران، ایراد کردند. آیت‌الله خامنه‌ای آن روز از طلاب جوان مدرسه سلیمان خان بودند و به شدت تحت تأثیر سخنان آتشین نواب واقع شدند. ایشان می‌گویند: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد».

همراه با نهضت امام خمینی (قدس سره): آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم حضور داشتند و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی (ره) علیه سیاست‌های ضد اسلامی و آمریکا پسند محمدرضا شاه پهلوی، آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کردند و در این مسیر از هیچ خطری ترسیدند. نخستین بار در ۹ محرم (۱۲ خرداد ۱۳۴۲) دستگیر و یک شب بازداشت شدند و فردای آن به شرط اینکه منبر نروند و تحت نظر باشند، آزاد شدند. با پیش آمدن حادثه خونین ۱۵ خرداد باز هم ایشان را از بیرجند

به مشهد آورده، تحویل بازداشتگاه نظامی دادند و ده روز در آنجا با سخت‌ترین شرایط و شکنجه و آزارها زندانی شدند.

دومین بازداشت : در بهمن ۱۳۴۲ پس از دو، سه روز توقف در کرمان و سخنرانی و منبر و دیدار با علما و طلاب آن شهر، عازم زاهدان شدند. در روز پانزدهم رمضان که مصادف با میلاد امام حسن (ع) بود، صراحت و شجاعت و شور انقلابی ایشان در افشاگری سیاست‌های شیطنی و آمریکایی رژیم پهلوی، به اوج رسید و ساواک شبانه ایشان را دستگیر و با هواپیما روانه تهران کرد. رهبر بزرگوار، حدود دو ماه - به صورت انفرادی - در زندان قزل قلعه حبس شدند و انواع اهانت‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کردند.

سومین و چهارمین بازداشت : کلاس‌های تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی ایشان در مشهد و تهران با استقبال کم نظیر جوانان پرشور و انقلابی مواجه شد. همین فعالیت‌ها سبب عصبانیت ساواک شد و ایشان را مورد تعقیب قرار دادند. بدین خاطر در سال ۱۳۴۵ در تهران مخفیانه زندگی می‌کردند و یک سال بعد در سال ۱۳۴۶ دستگیر و محبوس شدند. فعالیت‌های علمی و برگزاری جلسات و تدریس و روشنگری عالمانه و مصلحانه بود که موجب شد آن بزرگوار بار دیگر توسط ساواک جهنمی پهلوی در سال ۱۳۴۹ نیز دستگیر و زندانی شود.

پنجمین بازداشت : حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله» درباره پنجمین بازداشت خویش توسط ساواک می‌نویسد :

«از سال ۴۸ زمینه حرکت مسلحانه در ایران محسوس بود. حساسیت و شدت عمل دستگاه‌های جاری رژیم پیشین نیز نسبت به من، افزایش یافت. سال ۵۰ مجدداً و برای پنجمین بار به زندان افتادم. پس از آزادی دایره درس‌های عمومی تفسیر و کلاس‌های مخفی ایدئولوژی و ... گسترش بیشتری پیدا کرد.»

ششمین بازداشت : در بین سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۵۰ درس‌های تفسیر و ایدئولوژی آیت‌الله خامنه‌ای در سه مسجد «کرامت»، «امام حسن (ع)» و «میرزا جعفر» مشهد مقدس تشکیل می‌شد و هزاران نفر از مردم مشتاق به ویژه جوانان آگاه و روشنفکر و طلاب انقلابی و معتقد را به این سه مرکز می‌کشاند و با تفکرات اصیل اسلامی آشنا می‌ساخت. این فعالیت‌ها موجب شد که در دی ماه ۱۳۵۳ ساواک بی‌رحمانه به خانه آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد هجوم برده، ایشان را دستگیر و بسیاری از یادداشت‌ها و نوشته‌هایشان را ضبط کنند. این ششمین و سخت‌ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز ۱۳۵۴ در زندان کمیته مشترک شهربانی زندانی بودند.

در تبعید: رژیم جنایتکار پهلوی در اواخر سال ۱۳۵۶، آیت‌الله خامنه‌ای را دستگیر و برای مدت سه سال به ایرانشهر تبعید کرد. در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری مبارزات عموم مردم مسلمان و انقلابی ایران، ایشان از تبعیدگاه آزاد شده، به مشهد مقدس بازگشتند و در صفوف مقدم مبارزات مردمی علیه رژیم سفاک پهلوی قرار گرفتند.

پس از پیروزی: در جهت نزدیک‌تر شدن به اهداف انقلاب گام‌های بلند و مؤثری برداشتند که همه در نوع خود و در زمان خود بی نظیر و بسیار مهم بودند:

● پایه‌گذاری «حزب جمهوری اسلامی» با همکاری و همفکری علمای مبارز و هم‌رزم خود
شهید بهشتی (ره)، شهید باهنر (ره)، هاشمی‌رفسنجانی و ... در اسفندماه ۱۳۵۷.

● معاونت وزارت دفاع در سال ۱۳۵۸

● سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۵۸

● امام جمعه تهران ۱۳۵۸

● نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸

● نماینده امام خمینی (قدس سرّه) در شورای عالی دفاع، ۱۳۵۹.

● حضور فعال و مخلصانه در لباس رزم در جبهه‌های دفاع مقدس، در سال ۱۳۵۹

● ریاست جمهوری؛ به دنبال شهادت محمد علی رجایی دومین رئیس جمهور ایران، آیت‌الله خامنه‌ای

در مهرماه ۱۳۶۰ با کسب بیش از شانزده میلیون رأی مردمی و حکم تنفیذ امام خمینی (قدس سرّه) به مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. همچنین از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ برای دومین بار به این مقام و مسئولیت انتخاب شدند.

● ریاست شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۰

● ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۶

● ریاست شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۸

● رهبری و ولایت امت، که از سال ۱۳۶۸ روز چهاردهم خرداد پس از رحلت رهبر کبیر انقلاب

امام خمینی (قدس سرّه) توسط مجلس خبرگان رهبری به این مقام والا و مسئولیت عظیم انتخاب شدند، و با شایستگی تمام توانستند امت مسلمان ایران، بلکه مسلمانان جهان را رهبری نمایند.

منبع: پایگاه رایانه‌ای <http://www.leader.ir>، با تلخیص

شعرخوانی: توفیق ادب

مولانا جلال الدین محمد: در سال ۶۰۴ هـ. ق در بلخ متولد شد. شهرتش به روم به سبب طول اقامت و وفات او در شهر قونیه است، ولی خود او همواره خویش را از مردم خراسان می‌شمرده است؛ اگرچه وطن در چشم او «مصر و عراق و شام نیست».

پدر وی بهاء الدین ولد که لقب «سلطان العلماء» داشت، مدرس و واعظی خوش بیان و عرفان‌گرا بود و چون از خوارزمشاه رنجشی یافت، با جلال الدین که کودکی خردسال بود، از بلخ بیرون آمد و عزیمت حج کرد. در همین سفر وقتی که به نیشابور رسیدند، عطار به دیدن بهاء ولد آمد و مثنوی اسرار نامه خود را به او هدیه کرد و چون جلال الدین را که کودکی حدوداً دوازده ساله بود، دید، گفت: «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند».

برهان الدین محقق ترمذی، شمس الدین محمد بن علی ملک داد (شمس تبریزی) صلاح الدین زرکوب و حسام الدین چلبی از بزرگانی بودند که پس از مرگ پدر تأثیری بسزا در زندگی مولانا برجا گذاشتند.

مولانا روز یکشنبه پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هـ. ق زندگی را بدرود گفت. بر سر تربت او بارگاهی ساختند، مشهور به «قُبَّةُ الخضر» که در شهر قونیه ترکیه واقع است. آثار او عبارت‌اند از: مثنوی معنوی، غزلیات شمس تبریزی، رباعیات، فیه ما فیه، مکاتیب و مجالس سبعة. (تلخیص از لغت‌نامه دهخدا)

«مثنوی معنوی» معروف‌ترین مثنوی زبان فارسی است. این کتاب دارای شش دفتر است که دفتر نخستین آن، میانه سال ۶۶۰ تا ۶۵۷ آغاز شده و دفتر ششم آن در اواخر دوران زندگی مولانا پایان گرفته است. چند بیتی که در شعرخوانی این فصل آمده، برگرفته از دفتر اول مثنوی است که در آن مولانا با استعانت از احکام تفصیلی ادب که در سوره حجرات قرآن کریم بیان شده است، بر رعایت ادب در محضر دیگران تأکید دارد و از بی‌ادبی که همواره آسیب‌رسان است، پرهیز می‌دهد.

درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با فصل شکفتن و دوره بلوغ نوجوانان
- ۲- توجه بیشتر به برخی ویژگی‌های رفتاری نوجوانان در دوره بلوغ
- ۳- آشنایی با زیبایی‌های طبیعت، دوستی‌های مثبت، هنرها و ...
- ۴- آشنایی بیشتر با نهاد و گونه‌های آن
- ۵- علاقه نسبت به ارتباط با خدا و دوستی با او
- ۶- مهارت مواجه شدن با مسائل دوره شکفتن و بلوغ

روش پیشنهادی تدریس

با روش «تدریس اعضای تیم» می‌توان به آموزش شعر «با بهاری که می‌رسد از راه» و «زیبایی شکفتن» پرداخت. همچنین از روش «روشن‌سازی طرز تلقی» نیز آموزش این درس امکان‌پذیر است.

نکات مهم درس

این درس از دو قسمت تشکیل شده است: شعری با عنوان «با بهاری که می‌رسد از راه» سروده محمد جواد محبت و «زیبایی شکفتن»، در پایان فصل نیز روان‌خوانی «کژال» نوشته خانم طاهره ایبند آمده است. قالب شعر «با بهاری که می‌رسد از راه» چهارپاره و از هشت بیت تشکیل شده است. در بخش «زیبایی شکفتن» ویژگی‌های رفتاری و عادت‌ها و نیازها و سلیقه‌های نوجوان مورد توجه قرار گرفته است.

محمد جواد محبت: وی متولد سال ۱۳۲۲ در شهر کرمانشاه است. ایشان به معلمی اشتغال و با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همکاری داشته است.

برخی از آثار ایشان عبارت‌اند از: رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفرکن و ...

منابع آموزشی

برای آموزش این درس، می‌توان از اطلاعات موجود در شبکه اینترنت و رایانه استفاده کرد. همچنین مراجعه به آثار ذکر شده می‌تواند منجر به آشنایی بیشتر با درس‌های موجود و در نهایت آموزش مناسب‌تر گردد.

ارزشیابی درس

ارزشیابی از این درس می‌تواند به صورت شفاهی، کتبی و با استفاده از چک لیست صورت گیرد.

فصل آزاد

ادبیات بومی (۱)

درس پنجم: درس آزاد

اهداف آموزشی

- اهداف فصل ادبیات بومی و درس آزاد را می‌توان بدین‌گونه برشمرد:
- ۱- آشنایی با زبان فارسی به عنوان رمز هویت و عامل ارتباط و پیوند ایرانیان
 - ۲- آشنایی با پیشینه و گستره زبان فارسی (جغرافیای فرهنگی زبان فارسی)
 - ۳- نگرش مثبت نسبت به زبان و فرهنگ فارسی
 - ۴- توجه به ادبیات بومی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آن
 - ۵- توجه مناسب به زبان‌های محلی، گویش‌ها و لهجه‌ها
 - ۶- تشخیص کاستی‌های احتمالی کتاب و اقدام به تولید محتوای مناسب
 - ۷- پرورش توانایی تولید ماده‌ی درسی در دانش‌آموزان با نظارت و هدایت دبیران
 - ۸- پاسخ به نیازهای دبیران، دانش‌آموزان و اولیا
 - ۹- بهره‌گیری از مشارکت همکاران در تألیف کتاب
 - ۱۰- بهره‌گیری از تعامل دانش‌آموز و خانواده در سازمان‌دهی و تألیف کتاب
 - ۱۱- آشنایی با برخی از نمودهای فرهنگی و جلوه‌های آداب و رسوم و سنت‌های بومی یا منطقه‌ای
 - ۱۲- شناخت بیشتر شخصیت‌های علمی و فرهنگی محل زندگی و ادبیات بومی
 - ۱۳- پرورش توانایی نویسندگی و بهره‌گیری از تفکر و نقد و تحلیل
 - ۱۴- ایجاد علاقه نسبت به فرهنگ محلی و فولکلور و آثار ادبی بومی

ضرورت توجه به ادبیات بومی در برنامه درسی فارسی

در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است :

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است».

با توجه به این اصل و دیگر اصول قانون اساسی، اهمیت دادن به حقوق همه مردم، اقوام و گروه‌ها و احترام به آزادی‌ها و سلايق قانونی و مشروع آنان، مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده و سامان‌بخش وحدت و همبستگی ملت است. درک درست و تلاش در جهت اجرای صحیح آن، می‌تواند امنیت پایدار را برای نظام اسلامی میهن ما به ارمغان آورد.

مهم‌ترین راهبردها در تغییر نگرش، تأکید بر راهکارهای فرهنگی است. یکی از کار ویژه‌های مهم ساختار فرهنگی هر جامعه، تبیین درست مفهوم هویت ملی است. هویت ملی، عامل ناپیدا و سامان‌بخشی است که همچون خون در رگ جمعی جامعه، جاری است. ساختار فرهنگی یک جامعه نیز در تعامل دو سویه، هم به وسیله هویت ملی ایجاد می‌شود و هم خود پرورنده هویت ملی است. یکی از مهم‌ترین ارکان این ساختار فرهنگی در جامعه ما، آموزش و پرورش است. از بنیانی‌ترین وظایف این نهاد، ایجاد نگرش مثبت نسبت به هویت ملی در کنار پرورش هویت فردی در جریان تربیت است. در راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری بر بنیاد اصول حاکم بر برنامه درسی ملی در تمام دوره‌های تحصیلی به این موضوع به طور ویژه توجه شده و بر پایه آن دو عنوان «درس آزاد» در دوره ابتدایی و فصلی مستقل به نام «ادبیات بومی» در دوره سه ساله اول متوسطه در سازماندهی محتوایی، به این مسئله اختصاص یافته است.

فصل ادبیات بومی : دو درس آزاد، فرصت بسیار مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان عزیز و دبیران گرامی در تألیف بخشی از کتاب است. پیشنهاد می‌شود برای تولید محتوای درس آزاد به موضوع‌های متناسب با عنوان فصل، در قلمرو فرهنگ و ادبیات بومی و آداب محلی، به نیازهای ویژه نوجوانان و دیگر ناگفته‌های کتاب توجه شود.

درس آزاد : این درس، ایستگاه اندیشیدن و درنگ کردن و آفریدن است. میدان فراخی است تا هر دانش‌آموز با نظارت و هدایت معلم، آن پاره نادیده و احتمالاً از قلم افتاده نمودهای فرهنگی و جلوه‌های آداب و رسوم و سنت‌های بومی - منطقه‌ای خود را پدیدار کند و یا به بازشناسی و معرفی

چهره‌های فکر و فرهنگ و ادب دیار خویش پردازد؛ بنابراین درس آزاد، مجالی است تا دانش‌آموز و معلم به یاری هم، به فراخور ذوق و علاقه، دلبستگی‌های فرهنگ بومی و نیازها و بایسته‌هایی که در دیگر درس‌ها به چشم نیامده‌اند، یا نیاز به دگرباره و دقیق‌تر و عمیق‌تر دیدن دارند، بازگو نمایند. به بیان دیگر درس آزاد، فرصتی است تا دانش‌آموز و معلم در تألیف کتاب مشارکت داشته باشند و هر یک خود را در شکل‌گیری کتاب سهیم ببینند و کتاب را از آن خود بدانند؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان پس از تألیف درس آزاد می‌توانند نام خود را در ردیف نام پدیدآورندگان کتاب ثبت کنند.

روش‌های تولید درس آزاد

برای نوشتن و تولید درس آزاد یکی از روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- هر دانش‌آموزی به صورت مستقل و فردی برای تولید درس آزاد اقدام کند.
 - ۲- دانش‌آموزان به صورت گروهی و با مشارکت تمام افراد گروه (تقسیم‌بندی دانش‌آموزان کلاس به چند گروه) برای تولید درس آزاد اقدام کنند.
 - ۳- تولید درس در کلاس (مجموعه نظرهای کلاس با راهنمایی و رهبری معلم کلاس)
- توجه:** موضوعاتی متناسب با عنوان و محتوای فصل در حوزه فرهنگ، زبان و آداب محلی، نیازهای ویژه دانش‌آموزان و ناگفته‌های کتاب، در این قسمت پیشنهاد می‌شود.

سَبکِ زندگی

درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟

اهداف آموزشی

- ۱- شناخت بیشتر یک نمونه نثر داستانی
- ۲- شناخت ابعاد زیباشناسانه نثر (تکرار، ...)
- ۳- آشنایی با یکی از چهره‌های ادبی ایران (نادر ابراهیمی)
- ۴- شناخت بیشتر مفعول در زبان فارسی
- ۵- تقویت روحیه مناسب اخلاقی و حس محبت و دوستی
- ۶- تقویت عادت درست گوش دادن (با بیان داستان به گونه‌ای جذاب) و تقویت مهارت خوب شنیدن
- ۷- دقت و تشخیص در آهنگ کلام
- ۸- نقد و تحلیل شنیده‌ها

روش‌های پیشنهادی تدریس

۱- **قصه‌گویی:** در آغاز درس با این روش و بیان یک قصه مرتبط با پیام درس می‌توان انگیزه لازم را در دانش‌آموزان ایجاد کرد و ارتباط مناسب جهت گوش سپردن به بقیه مطالب را به وجود آورد.

۲- **روش حل مسئله:** در ضمن استفاده از روش قصه‌گویی، با استفاده از روش حل مسئله می‌توان زمینه را جهت ابراز احساسات و عواطف دانش‌آموزان ایجاد کرد؛ به این ترتیب که در ضمن بیان قصه در مواردی که قهرمان داستان قرار است تصمیم‌گیری مهمی کند یا مشکلی را حل نماید، به جای بیان ادامه داستان، از دانش‌آموزان بخواهیم بقیه داستان را ادامه دهند.

۳- **روشن‌سازی طرز تلقی:** هنگام ارزشیابی آغازین می‌توان از این روش استفاده کرد؛ به این ترتیب که متن یا جملات ناقصی درباره پیام درس (اهمیت مهرورزی) بیان شود و دانش‌آموزان با تکمیل متن، طرز تلقی خود را ارائه دهند؛ سپس دانش‌آموزان به صورت گروهی طرز تلقی خود را ارزیابی می‌کنند.

۴- **پرسش و پاسخ:** در ضمن استفاده از روش‌های قبل از روش پرسش و پاسخ نیز استفاده می‌شود.
۵- **روش واحد کار:** در ارزشیابی پایانی درس، می‌توان از این روش استفاده کرد، به این ترتیب که دانش‌آموزان درباره محتوا و پیام درس، در زندگی شاعران، نویسندگان، شخصیت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی تحقیق کنند.

۶- **روش قضاوت عملکرد:** پس از تدریس، هنگامی که دانش‌آموزان قرار است نوشته را از لحاظ ویژگی‌های زبانی و ادبی نقد و تحلیل کنند، می‌توان از این روش استفاده کرد. هنگامی که دانش‌آموزان قرار است متن را از نظر سبک و نوشتار (داستانی)، زیباشناسی نثر و ویژگی‌های زبانی و ... بررسی کنند، می‌توانند معیارهای قضاوت درباره نوشته‌های داستانی و ... را به کمک دبیر تدوین کنند و بعد نوشته را نقد کنند.

۷- **روش ایفای نقش و نمایش خلاق در جلسه بعد از تدریس توسط دانش‌آموزان**

روش‌های خواندن متن

- خواندن تجسمی
- خواندن انتقادی
- خواندن التذازی

رسانه آموزشی

- ۱- فیلم
- ۲- کتاب‌های داستان مناسب با اهداف درس جدید (اهمیت مهرورزی نسبت به همنوعان)
- ۳- استفاده از تصویر

ایجاد ارتباط و انگیزه‌سازی

- ۱- نمایش یک فیلم، یک داستان یا خاطره، در زمینه اهمیت مهرورزی و ادب نسبت به دیگران
- ۲- نشان دادن تصاویری جذاب درباره اهمیت محبت به دیگران
- ۳- استفاده از اشعار بزرگان علم و ادب و بیان تمثیل
- ۴- استفاده از یک پرسش جالب و انگیزشی جهت شروع بحث
- ۵- اجرای یک نمایش کوتاه توسط اعضای کلاس برای جلب توجه دانش‌آموزان به موضوع

ارزشیابی تشخیصی

۱- بیان داستان یا خاطره‌ای کوتاه در زمینه اهمیت مهرورزی و ناقص گذاشتن آن و تکمیل آن توسط دانش‌آموزان به این طریق که دانش‌آموزان خود را به جای شخصیت‌های اصلی داستان قرار دهند و احساسات و عواطف خود را بیان کنند. به این ترتیب نگرش دانش‌آموزان نسبت به پیام داستان مشخص می‌شود.

۲- بیان سؤالاتی درباره آشنایی دانش‌آموزان با نویسندگان معاصر و آشنایی با نویسنده مورد نظر

در درس

- ۳- هدایت دانش‌آموزان در جهت آشنایی با سبک نوشتاری داستان و خلاصه نویسی
- ۴- بیان سؤالاتی در زمینه آرایه‌هایی که دانش‌آموزان خوانده‌اند و سؤالاتی جهت ایجاد آمادگی تدریس آرایه تکرار

فعالیت‌های معلم/ دانش‌آموز

مراحل تدریس شامل:

- ۱- آمادگی و ایجاد انگیزه (در قسمت ایجاد ارتباط و انگیزه‌سازی عنوان شد)
- آمادگی معلم: شامل آماده کردن یک داستان کوتاه یا نمایش یک فیلم در زمینه درس،

استفاده از تصاویر، مطرح کردن عنوان درس به صورت سؤال و فراهم کردن زمینه جهت تفکر خلاق دانش‌آموزان و ابراز احساسات و تلطیف آن

آمادگی با دانش‌آموز: معلم با شیوه مناسب در آغاز درس توجه دانش‌آموزان را به موضوع جلب می‌کند (بیان یک داستان کوتاه، نمایش فیلم، بیان یک سؤال تفکرانگیز و...)

آماده کردن وسایل: فیلمی کوتاه درباره اهمیت مهرورزی، تصاویر مناسب کتاب‌های داستان با زندگی‌نامه بزرگان دین، علم و ادب که اهمیت مهرورزی را در موفقیت آنان نشان دهد.

۲- معرفی درس و بیان هدف‌های آموزشی

پس از ایجاد انگیزه و ارتباط و انجام مراحل مقدماتی تدریس، معرفی، می‌تواند با بیان عنوان درس آغاز شود، سپس عنوان را به صورت سؤال مطرح کرد و از دانش‌آموزان خواست نظر خود را درباره آن بیان کنند.

بیان سؤالاتی در زمینه نویسندگان معاصر و سبک نوشتاری آنها، پس از آن می‌توانیم چند سؤال طرح کنیم که در واقع جواب آنها اهداف آموزشی درس است و به دانش‌آموزان بگوییم که پس از پایان درس باید بتوانند به این سؤالات پاسخ دهند.

در ارائه درس از روش‌های عنوان شده در قسمت روش‌های تدریس استفاده می‌شود. ارائه درس در قالب داستان گویی است و در ضمن آن از روش‌های حل مسئله، پرسش و پاسخ، بحث و تبادل نظر گروهی و... استفاده می‌شود که به این ترتیب ضمن آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با قالب داستان، مفاهیم با استفاده از این شیوه به صورت مؤثرتری منتقل می‌شود.

روخوانی درس: در این مرحله از روش‌های خواندن تجسمی، انتقادی و التذادی استفاده می‌شود. برای این کار قبل از روخوانی، سؤالاتی مطرح می‌شود تا دانش‌آموزان با دقت و حس کنجکاوی متن را بخوانند. به دانش‌آموزان بگوییم که پس از خواندن متن، درباره ویژگی‌های نوشته، سبک نویسنده و... بحث خواهیم کرد و به این ترتیب دانش‌آموزان درباره موضوع به تجزیه و تحلیل، ارزش‌گذاری و قضاوت مطالب می‌پردازند.

همچنین برای پرورش حس زیباییشناسی و تقویت ذوق ادبی دانش‌آموزان، از آنها خواهیم که در ضمن خوانده شدن متن به دنبال یافتن زیبایی‌های ادبی (آرایه‌های ادبی) باشند.

در این قسمت دانش‌آموزان آرایه‌هایی را که تاکنون خوانده‌اند و در درس وجود دارد، می‌یابند. در ادامه به آنها می‌گوییم که در این درس با یک آرایه جدید آشنا می‌شوند، سپس قسمت‌هایی را که دارای آرایه تکرار است؛ انتخاب می‌کنیم. از آنها می‌خواهیم بخوانند و بعد می‌پرسیم: چه قسمت‌هایی

تکرار شده است؟ آیا این تکرارها زاید است؟ به نظر شما هدف نویسنده از تکرار این قسمت‌ها چه بوده است؟ و بعد توضیحات آنها را کامل می‌کنیم. از فعالیت‌های ضمن تدریس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- استفاده مناسب از رسانه‌هایی چون تصویر، فیلم کوتاه یا اجرای نمایش

۲- هدایت دانش‌آموزان به سوی مشارکت در فعالیت‌های تدریس به وسیله گفتن جملات ناقص یا متن کوتاه در زمینه اهداف درس و تکمیل آنها توسط دانش‌آموزان یا مطرح شدن عنوان درس به صورت سؤال و ایجاد زمینه تفکر و بعد اظهار نظر دانش‌آموزان و بیان نمونه‌هایی از زندگی بزرگان توسط معلم

۳- استفاده از روش‌های یادگیری تعاملی

۴- استفاده از شیوه‌های متنوع و توجه به رویکردهای عام و خاص برنامه درسی جهت هدایت صحیح دانش‌آموزان

۵- ایجاد محیط غیر رسمی توأم با انسان دوستی و سرشار از صفا و صمیمیت مناسب با درس در مرحله ارزشیابی تکوینی می‌توان از روش روشن‌سازی طرز تلقی استفاده کرد. در مرحله ارزشیابی پایانی از روش قضاوت عملکرد و روش واحد کار استفاده می‌شود که انجام روش اول و مشاهده نتیجه در روش دوم، مربوط به جلسه بعد است.

ارزشیابی تکوینی و پایانی: بعد از مرحله انگیزه‌سازی و نمایش فیلم کوتاه یا بیان داستان، با طرح سؤالاتی باید دریافت که آیا دانش‌آموزان به پیام فیلم یا داستان دست یافته‌اند یا نه (بدون اشاره مستقیم به پیام) در مرحله بعد نمونه‌های مشابه در زندگی روزمره یا از کتاب‌ها توسط دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

ارزشیابی پایانی

۱- از طریق مشاهده تغییرات مطلوب در رفتار دانش‌آموزان

۲- دادن تمرین‌هایی در زمینه نگارش و هدف و پیام درس، از جمله:
تکمیل جملات ناقص، کاربرد کلمات در متن و ...

۳- متن ارزشیابی پایانی در این درس می‌تواند به صورت پرسش نامه طراحی گردد.

۴- ارزشیابی پایانی را می‌توان به صورت گزارش دانش‌آموزی و دادن موضوع تحقیق انجام داد.

فعالیت‌های خلاقانه دانش‌آموز

- انجام نمایش (با ابتکار دانش‌آموزان) درباره موضوع درس (انجام تئاتر در کلاس)
- تهیه جدول با عنوان و سؤالاتی که بتواند زمینه‌ساز بیان احساسات و عواطف دانش‌آموزان باشد و با مفهوم درس ارتباط داشته باشد.
- انتخاب عنوان مناسب دیگر توسط دانش‌آموزان
- نوشتن جملات زیبا (با کاربرد دانش ادبی) درباره تصاویری که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شده است.

تکلیف (تکلیف عمومی): می‌توان قبل از تدریس، کتاب‌هایی مناسب و مرتبط با موضوع معرفی کرد و دانش‌آموزان پس از مطالعه آنها خلاصه کتاب‌ها را قبل از تدریس ارائه دهند. پس از تدریس نیز دانش‌آموزان درباره اهمیت محبت و مهرورزی در نظر بزرگان علم و ادب تحقیقی انجام دهند.

تکلیف گروهی: تقسیم دانش‌آموزان به چند گروه و موظف شدن هر گروه به اجرای یک نمایش درباره محتوای درس با برداشت از سرگذشت بزرگان دین، علم و ادب و ...

اطلاعات کمکی

آشنایی با نادر ابراهیمی: متن زیر، شناخت نام‌های از نادر ابراهیمی به تدوین همسر اوست. نادر ابراهیمی در (چهاردهم) فروردین ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون به دانشکده حقوق وارد شد؛ اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به درجه لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش در پی داشت. ارائه فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب «ابن مشغله» و «ابوالمشاغل» ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. از جمله شغل‌های او: کمک کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویل‌داری بانک، صفحه بندی روزنامه و مجله و کارهای دیگر چاپ، میرزایی یک حجره فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایرانشناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلم‌سازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... بوده است.

در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به سر می‌برد، نوشتن را - که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود - کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» به چاپ رساند که داستان «دشنام» در آن با استقبال چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شد.

تألیفات برای کودکان : کلاغ‌ها (جایزه اول فستیوال کتاب‌های کودکان توکیو ژاپن، جایزه اول - سیب طلایی - براتیسلاوا، جایزه اول تعلیم و تربیت از یونسکو)، سنجاب‌ها، دور از خانه (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک) قصه گل‌های قالی، پهلوان پهلوانان، پوریای ولی (جایزه بزرگ جشنواره کتاب کودکان کنکور نوما، ژاپن)، باران - آفتاب و قصه کاشی، بزی که گم شد، من راه خانه‌ام را گم کرده‌ام، سفرهای دور دنیا از همامی و کامی در وطن، پدر چرا توی خانه مانده است (از مجموعه «قصه‌های انقلاب برای کودکان»)، جای او خالی (همان)، نیروی هوایی (همان)، سحرگهان همافرها اعدام می‌شوند (همان)، برادرت را صدا کن (همان)، برادر من مجاهد (همان)، نامه فاطمه (همان)، پاسخ نامه فاطمه (همان)، مامان! من چرا بزرگ نمی‌شوم (از مجموعه «قصه‌های ریحانه خانم»)، روزی که فریادم را همسایه‌ها شنیدند (همان)، آدم وقتی حرف می‌زند چه شکلی می‌شود (همان)، درخت قصه - قمری‌های قصه (جایزه کتاب برگزیده از سوی هیئت داوران بزرگسال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جایزه کتاب برگزیده از سوی هیئت داوران خردسال، ترجمه شده به زبان روسی در ترکمنستان)، عبدالرزاق پهلوان، آن که خیال بافت و آن که عمل کرد، حکایت کاسه‌ای آب خنک (از مجموعه «نوسازی حکایت‌های خوب قدیم برای کودکان»)، حکایت دو درخت خرما (همان)، آن شب که تا سحر (همان)، قلب کوچکم را به چه کسی هدیه بدهم؟ (دیپلم افتخار نخستین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک)، مثل پولاد باش پسر، مثل پولاد (از مجموعه «ایران را عزیز بداریم»)، داستان سنگ و فلز و آهن (همان)، با من آشنا شد (همان)، با من دوست شو (همان)، هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم (همان)، راستی اگر نبود (همان)، کمیاب و قدیمی اما ... (همان)، مدرسه بزرگ‌تری هم وجود دارد (همان)، گل آباد دیروز، گل آباد امروز (همان)، گل آباد فردا (همان)، فرهنگ فرآورده‌های فلزی ایران (همان)، هفت آموزگار مهربان (همان)، ما مسلمانان این آب و خاکیم، قصه سار و سیب، قصه موش خودنما و شتر باصفا، با من بخوان تا یاد بگیری، حالا دیگر می‌خواهم فکر کنم، قصه قالیچه‌های شیری، همه گربه‌های من (۱ و ۲)، دیدار با آرزو، از پنجره نگاه کن (ترجمه با همکاری احمد منصوری)، دوست کسی است که آدم را دوست دارد (ترجمه)، آدم آهنی (ترجمه).

تالیفات دیگر نادر ابراهیمی

خانه‌ای برای شب، آرش در قلمرو تردید (یا: پاسخ ناپذیر)، مصاب و رویاهای گاجرات، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم، هزارپای سیاه و قصه‌های صحرا، افسانه باران در سرزمین کوچک من، تضادهای درونی، رونوشت بدون اصل، در حد توانستن (شعرگونه)، غزل داستان‌های سال بد، ابن مشغله (زندگی نامه جلد اول)، ابوالمشاغل (زندگی نامه، جلد دوم)، فردا مشکل امروز نیست، لوازم نویسندگی (از مجموعه «ساختار و مبانی ادبیات داستانی»)، مقدمه‌ای بر آرایش و پیرایش کتاب‌های کودکان، دور ایران در شش ساعت، چهل نامه کوتاه به همسر، آتش بدون دود (داستان بلند هفت جلدی، دریافت جایزه به عنوان برگزیده ۲۰ سال داستان پس از انقلاب)، یک صعود باور نکردنی، تکثیر تأسف انگیز پدر بزرگ، مردی در تبعید ابدی (براساس زندگی ملاصدرا)، حکایت آن اژدها، بر جاده‌های آبی سرخ (داستان بلند ۱۰ جلدی، براساس زندگی میرمهنای دوغایی)، صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها (بخشی از تاریخ تحلیلی پنج هزار سال ادبیات داستانی ایران)، یک عاشقانه آرام، سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد (داستان بلند سه جلدی، براساس زندگی امام خمینی (ره) عارف، فیلسوف، سیاستمدار و رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران)، براعت استهلال (از مجموعه «ساختار و مبانی ادبیات فارسی»)، طراحی حیوانات (طرح‌های کوثر احمدی، با گفتاری تحلیلی، در باب مفاهیم و تعاریف «طرح» در هنرها)، الفبا (تحلیل فلسفی ۵۰ طرح از علی اکبر صادقی - نقاش)، مویه کن سرزمین محبوب (ترجمه با همکاری فریدون سالک) و پیش گفتار «کوچه‌های کوتاه» (مجموعه قصه‌های کوتاه گروهی از دانش‌آموزان نادر ابراهیمی، دانش پژوهان نخستین دوره آموزشی «ساختار و مبانی ادبیات داستانی» با پیش‌گفتاری از نادر ابراهیمی). وی پس از سال‌ها تلاش در پهنه سینما و ادبیات، سرانجام در خردادماه سال ۱۳۸۷ چشم از جهان فروبست.

درس هفتم: علم زندگانی

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با واژه‌های جدید و معانی و کاربرد آنها
- ۲- ایجاد نگرش مثبت نسبت به اهمیت تجربه در زندگی
- ۳- پرورش مهارت خوانش صحیح شعر
- ۴- پرورش ذوق و استعداد و خلاقیت ادبی
- ۵- به‌کارگیری آداب اخلاقی پسندیده در زندگی روزمره
- ۶- آشنایی بیشتر با مضمون
- ۷- تقویت توانایی برگرداندن شعر به نثر

روش‌های پیشنهادی تدریس

تلفیقی (خطابی، کارایی گروه، ایفای نقش)

نکات مهم درس

قالب مثنوی: یکی از قالب‌های شعر فارسی است، شامل بیت‌های پایی در یک وزن که هر بیت آن قافیه‌ای مستقل و جداگانه دارد و از آنجا که هر بیت دارای دو قافیه است، آن را مثنوی (منسوب به کلمه «مثنی») به معنای دو تا دو تا یا دوگانی می‌نامند. تعداد بیت‌های مثنوی محدودیتی ندارد و بنا به دامنه‌ی مطلب می‌تواند افزایش یابد.

مثنوی در زبان فارسی، بهترین قالب برای سرودن منظومه‌های بلند و داستانی در موضوع‌های متفاوت عشقی، تاریخی، حماسی (حماسه) و عرفانی (شعر عرفانی) است.

از نخستین دوره‌ی پیدایش شعر فارسی، یعنی از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شاعران ایرانی شروع به پرداختن منظومه‌هایی در قالب مثنوی در موضوع‌های مختلف کردند.

بیت‌های پراکنده‌ای که از شاهنامه‌ی مسعودی مروزی (اواخر قرن سوم) و کلیله و دمنه‌ی رودکی (متوفی ۳۲۹ق) باقی مانده است، نشانه‌ی قدمت کاربرد این قالب شعری در میان شاعران فارسی‌زبان است. همین قدیمی‌ترین نمونه‌ها نشان می‌دهد که شاعران به سرودن مثنوی با مضمون‌های اخلاقی و به‌صورت داستان و تمثیل و همچنین مثنوی‌هایی با مضمون‌های حماسی توجه داشته‌اند و سرمشق کار آنها

در سرودن این هر دو نوع، کتاب‌ها و منابعی است که از دوران قبل از اسلام در دست بوده است. ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (متوفی ۴۴۶ ه.ق)، روشنائی‌نامه ناصر خسرو قبادیانی (متوفی ۴۸۱ ه.ق)، حدیقه الحقیقه و کارنامه بلخ سنایی (متوفی ۵۲۵ یا ۵۳۵ ه.ق)، منطق الطیر عطار (۶۱۸ - ۵۴۰ ه.ق)، بوستان سعدی (۶۹۱-۶۰۶ ه.ق) منظومه‌های پنجگانه نظامی گنجوی (۶۱۹ - ۵۳۰ ه.ق) و سرانجام مثنوی معروف جلال‌الدین محمد مولوی (۶۷۲-۶۰۴ ه.ق) نمونه‌های برجسته مثنوی سرایی در موضوع‌ها و مضمون‌های مختلف‌اند.

علاوه بر منظومه‌ها، شاعران اغلب قالب مثنوی را برای سرودن ساقی‌نامه، مغنی‌نامه، حکایت‌های کوتاه یا بیان مضمون‌های مختلف عشقی، فلسفی و پند و اندرز به کار برده‌اند و نمونه‌های فراوان از این نوع مثنوی‌های کوتاه را در دیوان بسیاری از شاعران فارسی زبان می‌یابیم. از نکات زبانی به کار رفته در این درس، پسوند (ـک) است: بامک، شاخک و... این پسوند کاربرد معنایی گوناگونی دارد:

- اندکی، تقلیل، کمی، کوتاهی، مانند بهترک، دیرترک
 - تحبیب، ترحم و دلسوزی، دوستی و ... مانند: بابک، طفلک، مامک، ساده دلک
 - تحقیر (بی‌ارزش نشان دادن) و توهین و ... مانند اشترک، شاعرک، روبهک، وزیرک
 - تصغیر، کوچکی، مانند: آدمک، کرمک، مرغک، پستانک
 - چگونگی، حالت، کیفیت و وضع مانند نرمک
 - شباهت (تشبیه، مشابهت) نسبت مانند: پشمک، پولک، سگک.
- پسوند -ک در کلمه‌های بامک و شاخک معنای کوچکی و خردی را بیان می‌کند.
- توضیح:** ترکیب «جوکنار»: ترکیب اضافی مقلوب یا وارونه است که اسم مرکب ساخته و در اصل «کنار جو» بوده است.

آرایه‌های موجود در شعر

مراعات نظیر: آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که با هم تناسب دارند. این تناسب می‌تواند از نظر جنس، نوع مکان، زمان، همراهی و ... باشد.

اشتقاق: هم‌ریشگی دو یا چند کلمه است که سبب می‌شود واج‌های آنها یکسان باشد. تکرار این واج‌های همانند بر موسیقی درونی سخن می‌افزایند. جناس‌های هم‌ریشه دارای اشتقاق نیز خواهند بود.

«پريد از شاخكي بر شاخساري گذشت از بامكي بر جو كناري»

(در بيت بالا بين شاخك و شاخسار هم مراعات نظير است و هم اشتقاق)

كنايه : پوشيده سخن گفتن است، درباره امري با بيان نشانه :

«فتاد از پاي، كرد از عجز فرياد ز شاخي مادرش آواز در داد»

(فتاد از پاي كنايه از ناتواني است)

«هنوزت نيست پاي برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام»

(بين برزن و بام، مراعات نظير است)

جناس ناقص : جناس ناقص سه حالت دارد :

جناس ناقص حركتي : يكسان بودن دو يا چند واژه در صامت‌ها و اختلاف آنها در مصوت‌هاي

كوتاه است : مانند دُرد و دَرَد.

جناس ناقص اختلافي : اختلاف دو كلمه در حرف اول، وسط و يا آخر است.

مانند : كيش، ريش/ بازار، بيزار/ ياد، يار.

جناس ناقص افزايشي : اختلاف در تعداد حروف است؛ مانند دوست، دست/ آرام/ رام.

(تو را توش هنر مي بايد اندوخت حديث زندگي مي بايد آموخت)

(بين «تو» و «توش» جناس ناقص افزايشي است.)

تشبيه : ادعای همانندی بين دو چيز است و چهار ركن (پايه) دارد :

مشبهه : چيزي يا كسي كه قصد مانند كردن آن را داريم.

مشبههٔ به : چيزي يا كسي كه مشبهه، به آن مانند مي شود.

ادات تشبيهه : واژه‌اي است كه نشان دهندهٔ پيوند شباهت است. اين واژه مي تواند حرف فعل

و ... باشد.

وجه شبهه : ويژگي يا ويژگي‌هاي مشترك ميان مشبهه و مشبههٔ به است.

(وجه شبهه معمولاً بايد در مشبههٔ به، بارزتر و مشخص تر باشد.)

«من اينجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگي بايد مرا رنج»

(تشبيه مادر كبتو به نگهبان و بچهٔ كبتو به گنج. بين گنج و رنج جناس ناقص اختلافي است.)

مجاز : به كار رفتن واژه‌اي است در غير معنای حقيقي، به شرط وجود علاقه و قرينه.

علاقه : پيوند و تناسبی است كه ميان حقيقت و مجاز دارد اگر علاقه نباشد، مجازی هم نخواهد بود.

قرينه : نشانه‌اي است كه ذهن را از حقيقت باز مي دارد و بر دو نوع است : لفظي و معنوي.

بیشتر قرینه‌ها لفظی‌اند و منظور از قرینه معنوی شرایط زمان و مکان است که نشان‌دهنده مجازبودن واژه است.

رایج‌ترین مجازها عبارت‌اند از :

- جزئیة : جزئی از یک چیز به جای تمام آن چیز به کار می‌رود.
 - کلیه : تمام یک چیز به جای جزئی از آن به کار می‌رود.
 - محلیه : محل چیزی به جای خود آن چیز می‌آید.
 - سببیه : سبب چیزی جانشین خود آن چیز می‌شود.
 - لازمیة : چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی به جای آن به کار می‌رود.
 - آلیه : ابزاری جانشین کاری می‌شود که با آن ابزار انجام می‌شود.
 - علائق نامحدودند و نباید آنها را در شمار خاصی محدود کنیم.
- «گه از دیوار سنگ آمد، گه از در گهم سربنجه خونین شد، گهی سر»
(در و دیوار مجاز از افراد پشت در و دیوار است.)

استعارهٔ مکنیه (کنایی) : شبیهی است که به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبّه به می‌آید. این ویژگی «مشبّه به» یا یکی از «وجه شبه‌های» بین مشبّه و مشبّه به است. این جزء یا ویژگی می‌تواند به مشبه اضافه گردد و یا به آن اسناد داده شود. در حالت اول، یعنی استعارهٔ مکنیه که از اضافه شدن چیزی به مشبه به دست آید، همان است که در دستور زبان «اضافهٔ استعاری» خوانده می‌شود. استعارهٔ مکنیه ای که «مشبّه به» آن «انسان» باشد، «تشخیص» یا «انسان‌نگاری» نام دارد.

«هجوم فتنه‌های آسمانی
مرا آموخت علم زندگانی»
(هجوم فتنه‌ها استعارهٔ مکنیه است)

ضرب المثل : عباراتی که در بردارندهٔ نکته یا لطیفه یا پندی است و در میان مردم رایج می‌شود.

«نگردد شاخک بی بن برومند
ز تو سعی و عمل باید زمن پند»
(تمام بیت به ویژه مصرع اول ضرب المثل (ارسال مثل) است)

پروین اعتصامی : او به سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را نزد پدر دانشمند خویش یوسف اعتصامی‌آشتیانی (اعتصام الملک) و آموزگاران خصوصی فرا گرفت و به این طریق با فارسی و عربی و ادبیات این دو زبان آشنایی کامل یافت. سپس برای آموختن زبان انگلیسی، وارد کالج آمریکایی تهران شد و از آنجا گواهی‌نامه گرفت. وی از کودکی دلبستگی ویژه‌ای به شعر و ادبیات نشان می‌داد و در این راه بهترین مشوق و مربی او پدر ادیب و فاضلش بود

که برای پرورش ذوق و استعداد وی، قطعات زیبا و لطیفی از نوشته‌های خارجی را به فارسی ترجمه می‌کرد و به پروین می‌داد تا آنها را به نظم فارسی درآورد. پروین از کودکی - در حدود سن هشت سالگی - شعر می‌گفت و نخستین اشعارش را نیز در مجلهٔ بهار که به وسیلهٔ خود اعتصام الملک منتشر می‌شد، چاپ می‌کرد. دیوان پروین شامل ۶۵۰۰ بیت است.

پروین در همهٔ سفرهای پدرش در داخل و خارج ایران، همراه وی بود. در مجالس درس و بحث، و در مجامعی که در خانهٔ پدرش - که میعادگاه ارباب فضل و دانش بود - تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد و حاضران را با قریحهٔ سرشار و استعداد فراوان خود دچار حیرت می‌ساخت.

در تیرماه ۱۳۱۳ هجری شمسی با پسرعموی خویش ازدواج کرد و چهار ماه بعد به خانهٔ شوهر در کرمانشاه رفت؛ اما بعد از دو ماه و نیم نزد پدر بازگشت و در مرداد ۱۳۱۴ رسماً از شوهرش جدا شد. پروین این پیشامد را که فرایند یک ازدواج نامبارک بود، با متانت و خونسردی شگفت‌آوری، تحمل کرد و تا پایان عمر کوتاه خود از آن ماجرا سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد.

حکایت: دعای مادر

«بستان العارفين و تحفة المریدین» رسالهٔ دوم از مجموعهٔ دو رسالهٔ «منتخب روتق المجالس و بستان العارفين و تحفة المریدین» است.

«بستان العارفين» رساله‌ای است بی‌آغاز و انجام و حاوی حکایت‌های مربوط به صوفیان مانند بایزید بسطامی، سفیان ثوری، صالح سمرقندی، رابعه و ...

رسالهٔ «بستان العارفين» مجموعاً ۱۷۴ صفحه است؛ به قطع رقعی (تقریباً ۱۷×۱۱ سانتی متر) و هر صفحه دارای ۱۷ سطر است.

اصل این رساله در کتابخانهٔ دانشگاه دولتی «برلین» آلمان است و نسخهٔ عکس گرفته شده از آن، در کتابخانهٔ «اسعد افندی» ترکیه است.

در این رساله هیچ‌گونه تاریخی دیده نمی‌شود؛ اما تصحیح‌کنندهٔ آن (آقای دکتر احمدعلی رجایی) با توجه به ضمیمه بودن این رساله با رسالهٔ «روتق المجالس» احتمال می‌دهد که در قرن ششم هجری قمری - یا اندکی پیش از آن - تحریر یافته است (سال ۵۴۳ هجری قمری).

دکتر احمدعلی رجایی در مقدمهٔ این مجموعه نوشته است: «چنین به نظر می‌رسد که «منتخب روتق المجالس» را مردی چرب‌دست و شیرین‌قلم و صاحب‌دل نگاشته است؛ اما رسالهٔ ضمیمهٔ آن یعنی «بستان العارفين و تحفة المریدین» احتمالاً به وسیلهٔ کاتبی کم‌سواد و بی‌دقت نوشته شده است؛ زیرا آثار

نوسازی و دستکاری در عبارات آن هویدا است».

مؤلف هیچ کدام از این دو رساله، تاکنون شناخته نشده‌اند؛ اما آنچه مسلم است در زمان سلطنت «عبدالحمید ثانی» (پادشاه عثمانی) در سیزدهم رمضان سال ۱۳۰۵ هجری قمری در چاپخانه مکه معظمه به وسیله سید خلیل بن سید مصطفی (حافظ کتب حرم) به چاپ رسیده است. گفتنی است که در بعضی از کتابخانه‌های معتبر کشور، کتاب دیگری مشابه این کتاب وجود دارد، به نام «بستان العارفین گلستان العابدین» که در قرن یازدهم هجری توسط «زین العابدین احمد شیروانی» تألیف شده است. این کتاب نیز حکایت‌هایی به نظم و نثر در باب اخلاق و عرفان دارد.

درس هشتم: زندگی همین لحظه‌هاست

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با ارزش و اهمیت دوره نوجوانی و جوانی و اغتنام فرصت
 - ۲- نگرش مثبت نسبت به زندگی، آینده و توانایی‌های خویش
 - ۳- آشنایی با شیوه‌ها و مهارت‌های بهره‌گیری از فرصت‌ها
 - ۴- آشنایی با فعل اسنادی در زبان فارسی
 - ۵- توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی متن درس
- این درس در فصل اخلاق و زندگی آمده است. زیبا زیستن و به کار بستن اخلاق نیکو در زندگی مستلزم شناخت درست توانایی‌ها و امکانات است. از جمله مهم‌ترین این امکانات زمان و فرصت‌های انسانی است. در این درس دانش‌آموز می‌آموزد که «زیستن و زندگی زیبا و اخلاق‌پسند» تنها همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد (متن درس).

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را با روش‌هایی چون روش کارایی تیم، روش بحث و گفت‌وگو، روش پرسش و پاسخ و ... می‌توان تدریس کرد.

نکات مهم درس

- ۱- چون درس در فصل اخلاق و زندگی آمده است، باید در جهت تحقق اهداف فصل یعنی بهره‌گیری از فرصت‌ها برای زندگی شاداب، متعالی و رو به رشد و فعال و پرشور تبیین و تحلیل شود.
 - ۲- متن درس، نثری روان، ساده، تأثیرگذار و عمیق دارد که با بهره‌گیری از آیات و روایات و شعر به القای مفاهیم پرداخته است.
 - ۳- جمله نخستین درس از امام حسین (ع) است: «يَا بَنَ آدَمَ إِنَّمَا أَنْتَ آيَا؛ ای فرزند آدم (ای انسان) تو مجموعه‌ای از روزها هستی». ارشادالقلوب دیلمی ص ۴۰ باب هفتم. داستان اسکندر و سنگ مزارها را یاقوت حموی نیز ذکر کرده است.
- رباعی زیبایی‌های گویی همان شعر امیرمؤمنان علی (ع) است که در قالب رباعی گنجانده شده است. ایشان فرموده است:

«ما فات مَضَى و ما سَيَاتِيكَ فَايْن فُم فَاغْتَنِم فُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمِينَ»

آنچه از دست رفت (زمان رفته)، گذشته است و زمانی که نیامده (آینده)، کجاست؟ برخیز و فرصت میان دو عدم (گذشته و آینده) را دریاب (زمان حال را دریاب)؛ چون ممکن است از این رباعی بهره‌گیری‌های لذت‌طلبانه و خوش‌باشی شود، توضیحات روشن‌گرانه آمده است.

۴- در فرهنگ دینی ما به نگاه عبرت‌آموز، تفکر، تأمل و ژرف‌نگری در پدیده‌ها توجه شده

است.

در توصیف پیامبر (ص) گفته‌اند: «نظرة عبرة و سكوته فکرة؛ نگاه پیامبر همراه با عبرت گرفتن

بود و سکوت او همراه با اندیشیدن».

۵- از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد. این جمله ترجمه سخن

علی (ع) است که می‌فرماید «إضاعةُ الفرصة غصة»

و آخرین جمله ترجمه این جمله نهج البلاغه که: «الفرصة تُمرُّ مَرَّ السحاب فانتهزوا فُرْصَ الخیر».

بیتی که در تصویر این درس آمده، برگرفته از سروده «دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی» است که

این‌گونه آغاز می‌شود:

«سال‌ها رفت و نشد فردا پدید آه از این فردای ناپیدای من...»

۶- رباعی یا چهارگانه: سروده‌ای است چهارمصراعی که عنوان «رباعی» از همین ویژگی گرفته

شده است. وزن رباعی را معمولاً با عنوان مشهور «لا حول و لا قوة إلا بالله» یا مفعول مفاعیل مفاعیل

فعل معلوم می‌سازند. رباعی‌های قدیم هر چهار مصرع با یکدیگر هم قافیه بوده‌اند؛ اما در رباعی‌های

جدید مصرع سوم هم قافیه نیستند و تنها سه مصرع اول، دوم و چهارم با یکدیگر هم قافیه‌اند.

از قالب رباعی برای بیان اندیشه‌های فلسفی، عارفانه، عاشقانه، اجتماعی و... استفاده شده

است. مشهورترین رباعی‌گوی ادبیات فارسی، خیام است. سنایی، عطار، مولانا و حافظ نیز رباعیات

فراوان دارند.

۷- عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۲۷۵ شمسی در آشتیان دیده به جهان گشود و تا چهارده‌سالگی را

به نجاری گذراند، سپس تحصیل را آغاز کرد. وی در دارالفنون با چهره‌های بزرگی چون ملک‌الشعرا بهار،

غلامرضا رشید یاسمی و سعید نفیسی آشنا شد. مدت‌ها نیز در دانشگاه سوربن پاریس تدریس کرد و با علامه

محمد قزوینی و متفکران اروپایی آشنا شد. پس از بازگشت از اروپا عضو فرهنگستان و استاد دانشگاه شد

و مجله یادگار را منتشر کرد. اقبال آشتیانی بعدها به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه مشغول کار شد و

در سال ۱۳۲۸ یعنی در ۵۳ سالگی در همان‌جا درگذشت.

بیکر وی به ایران منتقل و در آستان مبارک حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از وی حدود شصت اثر همچون تاریخ مغول، جزایر و بنادر خلیج فارس، خاندان نوبختی و... باقی است. دویست مقاله از وی به جای مانده است. نثر وی دقیق، عمیق و استوار است. با بهره‌گیری از منابع کمکی چون کتاب‌های مرتبط به موضوع، نوارهای CD، تصاویری از رباعیات خیام، نهج البلاغه و... می‌توان تدریس را ژرفا و گسترش بخشید.

منابع کمکی

- ۱- نهج البلاغه، علی بن ابیطالب، ترجمه‌های فیض الاسلام، دکتر سید جعفر شهیدی
- ۲- رباعیات خیام (چاپ‌های معتبر)
- ۳- سیر تحول رباعی (دکتر سیروس شمیسا)
- ۴- خانه ام ابری است (دکتر تقی پور نامداریان)

روان خوانی : سفرنامه اصفهان

نکات مهم

- ۱- آشنایی با سفرنامه و خاطره‌نویسی
- ۲- آشنایی با طنز
- ۳- آشنایی با زبان محاوره
- ۴- تقویت علاقه و نگرش مثبت به سفرنامه‌نویسی، خاطره‌نویسی و طنز و مطالعه در این روان‌خوانی، سفرنامه‌ای طنزآلود به رشته تحریر درآمده است و زبان آن، عامیانه و ساده است که احساسات درونی یک نوجوان را به تصویر می‌کشد.

این نوشته، داستان چهاردهم از کتاب «قصه‌های مجید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی، با کمی تلخیص است. هوشنگ مرادی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرج کرمان به دنیا آمد و تحصیلات خود را همان‌جا آغاز کرد و در کرمان و تهران ادامه داد. او در رشته زبان انگلیسی تحصیل کرده است. وی نویسندگی را از سال ۱۳۳۹ در رادیو کرمان آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ اولین داستان‌های او در مطبوعات منتشر شد. اولین کتاب او در سال ۱۳۴۹ منتشر شده است؛ اما تا سال ۱۳۵۸ کتاب دیگری منتشر نکرد. از این نویسنده تاکنون آثار فراوانی منتشر شده که معروف‌ترین آنها، مجموعه پنج جلدی «قصه‌های مجید» است.

کتاب‌های مرادی کرمانی برای او هجده جایزه داخلی و هشت جایزه خارجی به ارمغان آورده است. داستان‌های شیرین او به زبان آلمانی، اسپانیایی، عربی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی ترجمه شده است. همچنین براساس کتاب‌های او چندین فیلم تلویزیونی و سینمایی ساخته شده است. او در نوشتن فیلم‌نامه و نمایش‌نامه نیز دست دارد. بی‌تردید او یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان ایران زمین است. طنز، صمیمیت و مردمی بودن عامل اصلی توفیق قصه‌های اوست.

آثار معروف او عبارت‌اند از:

۱- بچه‌های قالی باف خانه

۲- نخل

۳- چکمه

۴- قصه‌های مجید

۵- داستان آن خمره

۶- مشت بر پوست

۷- تنور

۸- کوره

۹- مهمان مامان

۱۰- مریای شیرین

۱۱- لبخند انار

مواد و منابع آموزشی

برای آموزش این درس می‌توان از فیلم‌ها و نمایش‌نامه‌های هوشنگ مرادی کرمانی به‌ویژه قصه‌های مجید استفاده کرد. همچنین دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از رایانه به جست‌وجوی آثار مرادی کرمانی بپردازند.

منابع اطلاعاتی و خواندنی مناسب

۱- کتاب‌های هوشنگ مرادی کرمانی همچون قصه‌های مجید، چکمه، مهمان مامان و ...

۲- سفرنامه‌های متنوع همچون خسی در میقات جلال آل احمد

۳- نوشته‌های طنز از نویسندگان دیگر مانند کیومرث صابر (گل آقا) و ...

فصل چهارم

نام‌ها و یادها

درس نهم: نصیحت امام (ره)

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر و گسترده‌تر با مشاهیر بزرگ دینی و مذهبی
- ۲- آشنایی با مفاهیم اخلاقی «تواضع» و نصیحت‌پذیری
- ۳- تقویت و تثبیت رفتارهای پسندیده
- ۴- آشنایی با جایگاه عاطفی رهبر
- ۵- تقویت توانایی اظهار نظر درباره پیام‌های درس
- ۶- آشنایی بیشتر با مسند در زبان فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- این درس را با روش‌های گوناگون مثل کارایی گروه و تدریس اعضای گروه می‌توان آموزش داد. اگر این درس به روش تدریس اعضای گروه آموزش داده شود، مراحل زیر اعمال خواهد شد:
- ۱- ابتدا دانش‌آموزان به گروه‌های سه نفری تقسیم و به شماره‌های ۱، ۲ و ۳ نام‌گذاری می‌شوند.
 - ۲- درس را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم:
- الف) نصیحت امام (ره)
 - ب) شوق خواندن
 - پ) دانش‌های زبانی و ادبی
- ۳- هردانش‌آموز در گروه اولیه خود، قسمت تعیین شده را مطالعه می‌کند.

۴- سپس شماره‌های ۱، ۲ و ۳ هر یک گروه‌های جدیدی را تشکیل می‌دهند و راجع به مطالبی که خوانده‌اند، بحث و گفت‌وگو می‌کنند، یعنی شماره‌های یک در یک گروه، شماره‌های دو در یک گروه و شماره‌های سه در گروه دیگر قرار می‌گیرند.

۵- در مرحله بعد معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد به گروه‌های اول خود برگردند.

۶- به ترتیب هر فرد مطلبی را که خوانده است، برای دیگران توضیح می‌دهد.

۷- پس از توضیح هر دانش‌آموز، دانش‌آموزان گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

۸- در آخرین مرحله معلم از هر گروه یک نفر را انتخاب می‌کند تا مفهوم کلی درس را بیان کند.

۹- سپس به مرحله ارزشیابی می‌رسد. سؤالات یا به صورت کتبی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد یا معلم آن را به صورت شفاهی برای کل کلاس مطرح می‌کند. اگر سؤالات به صورت شفاهی مطرح شود، به شیوه‌های زیر می‌توان عمل کرد:

الف) افراد هر گروه ابتدا به صورت فردی به سؤال فکر می‌کنند و پاسخ می‌دهند.

ب) افراد در گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، سپس یک نفر پاسخ را بیان می‌کند.

سؤالات مطرح شده می‌تواند همان «خودارزیابی» باشد. پاسخ‌ها ممکن است یکسان باشد.

نکات مهم متن نصیحت امام (ره)

از متن نامه امام به مفاهیم ارزشمندی دست می‌یابیم که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- عمل کردن به وظایف اسلامی

۲- اخلاق نیکو داشتن

۳- شاد و بانشاط بودن «هنگام درس خواندن»

۴- اطاعت از پدر و مادر

۵- غنیمت شمردن فرصت در جلب رضایت پدر و مادر

۶- احترام فراوان به معلم

۷- مفید بودن برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشور

نکته‌های مهم متن «شوق خواندن»

در این متن به ویژگی‌های خاص علامه محمدتقی جعفری در دوران کودکی و نوجوانی اشاره شده است.

- ۱- کنجکاو و دقیق بودن
 - ۲- نگرستن و اندیشیدن به جلوه‌های طبیعت
 - ۳- لذت بردن از دریافت زیبایی‌های جهان هستی
 - ۴- علاقه وافر به مدرسه، کلاس و درس خواندن
 - ۵- به آرامش رسیدن با زیارت حرم حضرت معصومه (س)
- در اشاره به نکته‌های درس می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد و از آنها خواست که به این موارد اشاره کنند.

اطلاعات کمکی

امام خمینی (ره): امام خمینی در سال ۱۲۸۱ (ه. ش) در شهرستان خمین به دنیا آمد. در طول زندگی ۸۷ ساله خود انقلابی بر پا کرد که نه تنها سرنوشت ایران را به کلی تغییر داد، بلکه در همه کشورهای اسلامی و همه جهان تأثیر نهاد. پنج ماهه بود که پدرش حاج آقا مصطفی به دست یکی از خان‌های زورگوی خمین به شهادت رسید و از آن پس مادر مهربان و عمه گرامی‌اش سرپرستی او را به عهده گرفتند. در شش سالگی به مکتب رفت و در هفت سالگی توانست قرآن را ختم کند. روزها و ماه‌ها و سال‌ها گذشت. روح‌الله از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی رسید. او که مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخته بود، برای تحصیل به اراک رفت تا علوم اسلامی را در محیطی بزرگ‌تر از استادانی دانشمند فرا گیرد. در اراک روح‌الله جوان به خدمت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رسید و تقریباً همزمان با تأسیس این حوزه علمیه در فاصله کمی از قم، در تهران، دولت استعمارگر انگلیس توانسته بود سلسله پادشاهی جدیدی به نام سلسله پهلوی تأسیس کند و فرد بی‌سواد و زورگویی به نام رضاخان را به سلطنت برساند.

از سال ۱۲۹۹ هجری شمسی که رضاخان در ایران با یک کودتا به قدرت رسید تا سال ۱۳۵۷ که تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی است، نفوذ و دخالت دشمنان بیگانه در کشور ما روز به روز بیشتر شد. در این سال‌ها، آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی پس از تحصیل طولانی در حوزه علمیه قم، مجتهدی دانشمند شده بود که با گفتار و رفتار خود به دیگران درس دینداری و اخلاق می‌داد. پس از آنکه آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ درگذشت، بسیاری از علما و روحانیون، آیت‌الله خمینی را به مرجعیت انتخاب کردند. امام (ره) در سال ۱۳۴۲ مبارزه آشکار و سخت خود را در مقابل شاه و بیگانگان آغاز کرد و مردم ایران که فریاد ایشان را حرف دل خود می‌دانستند، با طرفداری و اطاعت

از ایشان، مخالفت خود را با حکومت سلطنتی نشان دادند. شاه در پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ آیت‌الله خمینی، رهبر نهضت اسلامی ایران را دستگیر و زندانی کرد. مردم در تهران، قم، شیراز و مشهد تظاهرات کردند؛ اما مأموران شاه آنها را به گلوله بستند و بسیاری در این حادثه شهید شدند. آیت‌الله خمینی مدتی بعد از زندان آزاد شد؛ اما دست از مبارزه برنداشت. حکومت شاه در روز سیزدهم آبان ۱۳۴۲ ایشان را از ایران به ترکیه و بعداً به شهر نجف در کشور عراق تبعید کرد. آیت‌الله خمینی تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر آنکه در حوزه علمی نجف به تدریس و تألیف کتاب پرداخت، پرچم مبارزه با شاه و کشورهای استعمارگر و مخصوصاً آمریکا را که از شاه حمایت می‌کردند، برافراشته نگاه داشت.

در سال ۱۳۵۶، فرزند برومند ایشان حاج آقا مصطفی خمینی، در نجف به دست مأموران شاه به شهادت رسید. حکومت عراق به درخواست شاه، اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد و ایشان ناچار به پاریس رفت و از آنجا نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ مبدل شده بود، رهبری کرد.

مردم در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ فداکاری بسیار کردند و سرانجام پس از آنکه هزاران زن و مرد مسلمان و انقلابی به دست مزدوران شاه به شهادت رسیدند، انقلاب اسلامی به پیروزی نزدیک شد. شاه در دی ماه ۱۳۵۷ از ایران فرار کرد و امام خمینی (ره) روز دوازدهم بهمن پس از پانزده سال دوری از وطن با استقبال باشکوه و عظیم مردم به میهن بازگشت. ده روز بعد، یعنی در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷، مردم ایران، انقلاب اسلامی خود را به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رساندند. نظام سلطنتی واژگون و جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد.

امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب، بیش از ده سال رهبری کشور را برعهده داشت. ایشان افزون بر رهبری امت و مشغله‌های فراوان سیاسی، از فرهنگ و ادبیات و عرفان اسلامی نیز بهره‌ها داشت. آثاری که از امام خمینی (ره) بر جای مانده است، گویای مراتب عالی فضل و کمال ایشان در این پهنه است. دیوان شعر امام نیز پس از رحلت ایشان منتشر شده است. امام خمینی سرانجام در شب چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ دار فانی را وداع گفت. او به اصلاح اخلاق و معنویت و زندگی اجتماعی و امور دنیای مردم اهمیت بسیار می‌داد.

درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف، زندگی حسابی و فرزند انقلاب

اهداف آموزشی

کلاس ادبیات

- ۱- آشنایی با نیما به عنوان پدر شعر نو
- ۲- آشنایی با نظام وفا استاد و مشوق نیما
- ۳- آشنایی مختصر با ویکتور هوگو «یکی از چهره‌های درخشان ادبیات جهان»
- ۴- شناخت مختصر نظامی، شاعر مشهور قرن ششم

مرواریدی در صدف

- ۱- آشنایی بیشتر با دوران کودکی و نوجوانی پروین اعتصامی
- ۲- آشنایی ضمنی با شاعران برجسته ایران «فردوسی، مولوی، ناصر خسرو و محمدحسین

شهریار»

- ۳- آشنایی با نمونه‌ای از شعر ۱۲ سالگی پروین
- ۴- آشنایی با قالب شعری قطعه

زندگی حسابی

- ۱- آشنایی با زندگی دانشمند بزرگ ایران «پروفسور حسابی»
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی ارزشمند دکتر حسابی
- ۳- تقویت حس وطن‌دوستی و فرهنگ و ادب فارسی
- ۴- تشویق به تلاش و کوشش در راه استقلال کشور
- ۵- تشویق به انجام واجبات دینی و انس با قرآن

فرزند انقلاب

- ۱- آشنایی با یکی از چهره‌های برجسته و موفق علمی انقلابی معاصر «دکتر سعید کاظمی آشتیانی»
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی دکتر سعید کاظمی آشتیانی
- ۳- تقویت علاقه نسبت به فراگیری علوم جدید

تدریس اعضای گروه

مراحل اجرا

- ۱- تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های ۴ نفری و نام‌گذاری هر گروه به نیما، پروین اعتصامی، دکتر حسابی و دکتر کاظمی آشتیانی
- ۲- مطالعه فردی
- ۳- اعضای گروه به همتایان خود در گروه‌های ۴ نفری می‌پیوندند و در مورد قسمتی که باید تدریس شود، تبادل نظر می‌کنند.
- ۴- اعضا به گروه اولیه خود برمی‌گردند و هر عضو به نوبت بخش مربوط به خود را تدریس می‌کند.
- ۵- آزمونی از کل درس گرفته شود (این آزمون از قبل آماده می‌شود) و دانش‌آموزان جواب فردی خود را می‌نویسند.
- ۶- برای رسیدن به پاسخ‌های مشترک تیمی به بحث و بررسی سؤالات می‌پردازند و پاسخ‌ها در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد (معلم پاسخ‌ها را یا به صورت شفاهی یا کتبی ارائه می‌دهد). آنان آزمونشان را نمره می‌دهند و معدل فردی و معدل گروهی را محاسبه می‌کنند.
- ۷- در پایان از فراگیران جهت جمع بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزشیابی نهایی، پرسش‌هایی می‌شود.

روش پیشنهادی درس دهم - کلاس ادبیات

روش اجرای نمایش می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش مناسب باشد، به کار رود. در این روش، فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند.

در اینجا اجرای نمایش به مهارت‌های خاص هنری مانند تئاتر و سینما نیازی ندارد؛ بلکه معلم بنا به موقعیت، هدف و موضوع مورد نظر به عنوان یک روش آموزشی از آن استفاده می‌کند.

از ویژگی‌های ممتاز روش نمایشی این است که دانش‌آموزان با ایفاگران نقش، ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند؛ با هیجان دوستان خود را در نقش‌های جدید می‌بینند و خود را در صحنه احساس می‌کنند و چون تمام حواس دانش‌آموزان برای مشاهده نمایش به کار گرفته می‌شود، عمل یادگیری نیز انجام می‌گیرد.

در این روش تدریس، معلم، برنامه ریزی و مدیریت اجرایی برنامه نمایشی را به عهده می‌گیرد و در حقیقت کارگردان نمایش است و سایر دانش‌آموزان جزء مشاهده‌کنندگان به حساب می‌آیند.

مراحل تدریس اجرای نمایش

مرحله اول (انتخاب بازیگران) : معلم ابتدا تعداد شخصیت‌هایی را که در متن کتاب به آنها اشاره شده است، مشخص می‌کند. سپس به انتخاب بازیگران می‌پردازد. در این روش نیاز نیست که بازیگران حتماً متن را حفظ کنند بلکه با مشخص کردن متن مربوط به هر نقش، بازیگر باید بتواند از عهده خوانش مناسب متن برآید. انتخاب خوانشگران از چند اصل پیروی می‌کند. خوانشگر خوب باید بتواند عاری از استرس باشد و به نقشی که به وی داده می‌شود، علاقه داشته باشد. به عبارتی دیگر باید دانش‌آموزانی را برگزید که انگیزه خاصی برای اجرای نقش خود داشته باشند. به‌عنوان مثال خوانشگر نقش معلم (نظام وفا) لازم است با لحنی فخیم و مهربان جمله‌های مربوط به وی را قرائت کند و خوانشگر نقش نیما باید دارای لحنی ساده، صمیمی و خجول و در عین حال پرنگیزه باشد. راوی نیز متن مربوط به خود را با لحنی نرم و ملایم و با متانت قرائت می‌کند تا دانش‌آموزان در فضای کامل متن قرار گیرند.

مرحله دوم (آماده سازی) : در این مرحله تلاش می‌کنیم دانش‌آموزانی را که برای خوانش نقش‌ها برگزیده‌ایم، آماده کنیم. برای آماده‌سازی دانش‌آموزان باید ماهیت نقش‌ها را به آنها نشان دهیم. افزون بر این، فضای نمایشی را برای آنها به تصویر می‌کشیم و به اجرای آزمایشی نمایش اقدام می‌کنیم.

مرحله سوم (بیان اهداف به دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان) : در این مرحله به بیان اهداف و آماده‌سازی مشاهده‌گران (دانش‌آموزان کلاس) می‌پردازیم. هدف از این مرحله توجه مشاهده‌گران به فعالیت‌های در شرف انجام و وظایف آنها در حین انجام نمایش است.

مرحله چهارم (اجرای نمایش) : در مرحله حاضر بازیگران مطابق دستورالعمل‌های داده شده و با استفاده از متن کتاب به خواندن متن می‌پردازند. برای اجرای مطلوب، چنانچه مقدور باشد، بازیگران را در محل مناسبی از کلاس قرار می‌دهیم. بازیگر نقش نیما می‌باید در محلی بنشیند که تماشاگران او را به خوبی ببینند. بازیگر نقش نظام وفا به جای معلم، در کلاس قدم می‌زند و به ایفای نقش می‌پردازد. راوی نیز در محلی قرار می‌گیرد که علاوه بر اشراف داشتن بر کل صحنه، در صحنه اصلی نمایش دیده نشود. چنانچه این امر امکان‌پذیر نبود، بازیگران می‌توانند روی صندلی خود به خوانش بپردازند و دانش‌آموزان کلاس با نگاه کردن به متن کتاب، درس «کلاس ادبیات» را دنبال کنند (مانند نمایش رادیویی).

مرحله پنجم (پرسش و پاسخ) : در این مرحله تلاش می‌کنیم با توجه به رخدادهای نمایش

پرسش‌هایی از دانش‌آموزان به عمل آوریم. به عنوان مثال می‌توانیم این پرسش‌ها را مطرح کنیم: مفهوم شعر نیما را که در متن درس آمده است، بیان کنید. زبان متن نمایش با زبانی که هم‌اکنون گفت‌وگو می‌کنیم، دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟ پیام نمایش چه بود؟ و...

مرحله ششم: در این مرحله برای بسط تجربه و دانش فراگیر درباره نمایش و درس، توضیحاتی ارائه می‌دهیم. در ارائه توضیحات باید دقت کنیم تا آنچه می‌گوییم، بر مبنای تجربه دانش‌آموزان از زندگی و از نمایش درس کلاس ادبیات باشد. تکالیفی که برای آنان در نظر می‌گیریم، به اندازه‌ای باشد که بتوانند به انجام دادن آنها رغبت نشان دهند.

اطلاعات کمکی

نیما یوشیج: علی اسفندیاری (نیما یوشیج) در سال ۱۲۷۴ هـ. ش در یوش مازندران به دنیا آمد. نیما تا دوازده سالگی در آغوش طبیعت زیبا بود. تحصیلات اولیه‌اش تحت همان شیوه قدیمی و در مکتب خانه بود. خواندن و نوشتن را نزد روحانی ده آموخت. او در این سن و سال به شهر آمد و دوره دبستان را در مدرسه حاج حسن رشدیه به نام حیات جاوید آغاز کرد، سپس به مدرسه سن لویی رفت و زبان فرانسه را آموخت و این باعث آشنایی او با ادبیات اروپا شد. این آشنایی تأثیری ژرف در شعر نیما و به طور کلی در شعر معاصر گذاشت. در این موقع وجود معلمی به نام نظام وفا (که شاعر بود) تأثیر زیادی بر نیما گذاشت و او را تشویق به خواندن و سرودن شعر کرد.

افسانه، نقطه آغاز شعر اوست و مشحون از احساسات است. نیما در سال ۱۳۰۵ با عالیه جهانگیر که از بستگان میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل بود، ازدواج کرد. در سال ۱۳۰۹ به آستارا عزیمت کرد و در آنجا مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۱۱ به تهران مراجعت کرد و در سال ۱۳۱۸ به عضویت هیئت تحریریه «مجله موسیقی» انتخاب شد و در سال ۱۳۳۸ در تهران بدرود حیات گفت.

اولین شعرهای نیما، پراکنده، گمنام و کاملاً شخصی بود. این اشعار بعدها به تشویق نظام وفا جدی تر تلقی می‌شد؛ اشعاری که بیشتر به سبک خراسانی سروده شده بود. فرصت بعدی و مهم‌تر، ظهور نیما در روزنامه قرن بیستم میرزاده عشقی بود. روزنامه نوبهار جولانگاه بعدی نیماست.

برای نیما وزن تابع زبان شعر است و وزن را در شعر تأکید می‌کند و می‌پذیرد. قافیه را زنگ مطلب می‌داند و شعر بی قافیه را به منزله انسانی بی استخوان می‌داند.

«فقنوس» را می‌توان نخستین شعری نامید که نیما آن را در شکل و بیانی کاملاً نو و بدیع ارائه می‌کند و با ارائه آن، شعر نو فارسی متولد می‌شود.

ققنوس مرغ خوشخوان، آوازه جهان
آواره ماند از وزش بادهای سرد
بر شاخ خیزران، بنشسته است فرد
برگرد او، به هر سرشاخی پرندگان
او ناله های گمشده ترکیب می کند
از رشته های پاره صدها صدای دور

ققنوس در واقع کنایه و اشارتی است به زندگی خود شاعر و شعر او. وی نمی خواهد زندگی اش چون دیگران صرفاً در خور و خواب سپری شود. نیما کار خویش را تا سال ۱۳۳۸ هـ. ش که دیده از جهان فرو بست، به نوعی مداوم و پویا ادامه داد.

نظام وفا: استاد نظام وفا یکی از مشاهیر و ادبای عصر حاضر ایران بود.

در اشعار نظام وفا دریایی از عاطفه و احساس و پاکدلی و نیک اندیشی موج می زند و بوی صفا و محبت در آن استشمام می شود.

از آثار نظام وفا کتاب های «یادگار سفر اروپا، شامل مشاهدات و نامه های دوستانه» و مثنوی «حبیب و رباب» و مجموعه نظم و نثر «پیوندهای دل» و نمایشنامه های ستاره و فروغ و... به چاپ رسیده و کلیات دیوان اشعارش بالغ بر پانزده هزار بیت است.

نظام وفا فرزند مرحوم میرزا محمود امام جمعه کاشان است. وی در سال ۱۲۶۶ هـ. ش در بیدگل کاشان متولد شد و از شش سالگی از پدر و گاه مادر درس آموخت. وی تحصیلات خود را در کاشان به پایان برد. نظام وفا از آغاز جوانی در کوشش های آزادی خواهی آن زمان، همگامی داشته است. در علوم ادبی تا سر حد استادی تحصیل کرده و مدتی نیز به تحصیل طب و فلسفه پرداخته و مدتی پس از اقامت در تهران سال ها در مدارس دولتی ادبیات فارسی را تدریس کرده است. استاد نظام وفا به خاندان عصمت و طهارت علاقه مند بود و به همین لحاظ اشعاری در مدح و رثای آل محمد (ص) سروده است. از جمله در مثنوی «افلاک عشق» واقعه شهادت علی اکبر (ع) فرزند امام حسین را این گونه به نظم کشیده است:

با جمالی برتر از خورشید و ماه
گفت من سیر آمدم از زندگی
آمد و بوسید خاک پای شاه
نیستم در دل دگر تابندگی...

وی اصولاً شاعری غزل سراسر است. حتی اشعار دیگر او هم از قصاید و مثنوی ها و وطنیه ها در حقیقت نوعی غزل زنده و زیباست. بزرگ ترین امتیاز شعر او شاید همان زبان ساده و زیبا و بی تکلف اوست که هیچ گونه آب و رنگی اضافی ندارد. استاد نظام وفا روز پنجشنبه اول بهمن ۱۳۴۳ هـ. ش در اثر سکنه مغزی درگذشت.

دکتر محمود حسابی

به جان زنده دلان سعدیا که ملک وجود نیرزد آنکه دلی را ز خود بیازاری

این شعر زیبای سعدی که بر کاشی کاری سردر خانه‌ای در یکی از کوچه‌های نزدیک به میدان تجریش تهران نوشته شده است، همه‌روزه نظر رهگذران را به خود جلب می‌کند و آنان را با ذوق و سلیقه و اندیشه دکتر سید محمود حسابی، فیزیکدان دانشمند ایرانی که روزگاری در آن خانه سکونت داشت، آشنا می‌سازد. به سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای که خود اهل تفرش بودند، فرزندی به دنیا آمد که او را محمود نام نهادند. پدربزرگ محمود سفیر ایران در بغداد بود. او در چهار سالگی همراه با خانواده خود به بغداد و از آنجا به بیروت رفت و در همان شهر تحصیلات دبستانی و دبیرستانی خود را به پایان رسانید. در آن هنگام اروپا در آتش جنگ جهانی اول می‌سوخت و شعله جنگ به کشورهای خاور میانه، از جمله لبنان نیز کشیده شده بود. به همین سبب زندگی و تحصیل در بیروت برای محمود بسیار دشوار بود؛ اما او به کمک مادر فداکارش سختی‌ها را تحمل کرد و با پشتکار عجیب و هوش سرشار خود وارد دانشگاه شد. محمود نوزده ساله بود که در رشته مهندسی راه و ساختمان فارغ‌التحصیل شد؛ اما وی در حقیقت هیچگاه از تحصیل فراغت پیدا نکرد و تا هفتاد سال بعد از آن تاریخ یعنی تا آخرین روزهای زندگی خود همچنان به تحصیل علم مشغول بود. در بیروت، تحصیلات خود را در رشته ستاره‌شناسی و زیست‌شناسی ادامه داد و از آنجا به فرانسه رفت. در فرانسه ابتدا در رشته مهندسی برق و سپس در رشته مهندسی معدن به تحصیل پرداخت و سرانجام دوره دکتری فیزیک را در دانشگاه معروف سوربن پاریس به پایان رسانید. در آن هنگام در ایران رشته فیزیک در سطح دانشگاهی وجود نداشت؛ اما دکتر محمود حسابی که دلش از عشق به میهن خود لبریز بود به ایران بازگشت تا آنچه را آموخته بود، به جوانان کشور خود بیاموزد. اولین قدمی که لازم بود برداشته شود، تأسیس دانشگاه بود.

وضع او شبیه کسی بود که می‌خواهد در یک کویر، باغ و بوستان خرم و باصفایی ایجاد کند. هرچند مشکلات بسیار بود؛ اما حسابی جوان که آرزوی جز پیشرفت و آبادانی کشور خود نداشت، مردانه قدم در راه نهاد و در سال ۱۳۰۷ (هجری شمسی) با همکاری چند استاد دیگر، دارالمعلمین عالی را تأسیس کرد که بعدها دانشسرای عالی نام گرفت و امروز دانشگاه تربیت معلم نامیده می‌شود. در آنجا استاد ایرانی دیگری برای تدریس فیزیک نبود و او ناچار بود همه درس‌ها را خود تدریس کند و این آغاز آموزش فیزیک در تحصیلات دانشگاهی ایران بود. چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۲ دکتر حسابی در تأسیس دانشگاه تهران شرکت کرد و ریاست دانشکده فنی را برای تربیت مهندسان ایرانی به عهده گرفت. مدتی بعد، در دانشگاه تهران دانشکده علوم را تأسیس کرد و دوازده سال رئیس آن دانشکده بود.

در همین سال توانست چند مؤسسه برای تحقیقات علمی در ایران تأسیس کند که از میان آنها می‌توان مرکز اتمی دانشگاه تهران، مؤسسه ژئوفیزیک و نیز رصدخانه دانشگاه تهران را نام برد.

در کنار تلاش و تکاپو برای ایجاد مؤسسات آموزش عالی و تأسیس آموزشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تدریس فیزیک به دانشجویان، دکتر حسابی از مطالعه و تحقیق علمی و افزایش دانش خود غافل نبود، او شیفته علم بود و با دانشمندان درجه اول فیزیک در دنیا مکاتبه و تماس داشت. او معتقد بود که علم باید با عمل توأم باشد؛ بنابراین در تدریس فیزیک به تجربه عملی و کار در آزمایشگاه بسیار اهمیت می‌داد و خود دستگاه‌هایی می‌ساخت و با آنها آزمایش می‌کرد. دکتر حسابی نزدیک به شصت سال در ایران فیزیک تدریس کرد؛ به همین جهت او را که بی واسطه یا با واسطه استاد همه فیزیکدانان ایرانی است، پدر آموزش فیزیک نوین در ایران لقب داده‌اند.

دکتر حسابی به زبان‌های عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی مسلط بود. وی به زبان فارسی عشق می‌ورزید و معتقد بود که ما باید علم را در دانشگاه به زبان فارسی تدریس کنیم و سعی می‌کرد به جای لغات علمی خارجی، لغات فارسی به کار ببرد. او دوستدار ادبیات فارسی بود و به حافظ و سعدی و مولوی و نظامی علاقه بسیار داشت. دکتر حسابی مردی دیندار بود. در آیات قرآنی تأمل و تفکر می‌کرد و با دانشمندان علوم اسلامی به بحث و گفت‌وگو می‌نشست. او مردی مؤدب و متواضع بود؛ کم سخن می‌گفت و بسیار فکر می‌کرد.

پیکر او را بنا به وصیت خود او، در تفرش شهر آبا و اجدادی وی به خاک سپردند. با مرگ دکتر حسابی، ایران یکی از فرزندان دانشمند و خدمتگزار خود را از دست داد؛ اما مردم ایران او را فراموش نخواهند کرد و جوانان دانش‌آموز و دانشجو راهش را ادامه خواهند داد.

سعید کاظمی آشتیانی

دکتر سعید کاظمی آشتیانی اول فروردین ۱۳۴۰ در تهران چشم به جهان گشود. وی پس از دوران متوسطه در رشته فیزوتراپی وارد دانشگاه علوم پزشکی ایران شد و در همین دانشگاه موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد شد.

دکتر کاظمی در ادامه تحصیل خود در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۴ موفق به کسب مدرک دکتری در رشته علوم تشریحی از دانشگاه تربیت مدرس شد.

وی در ۱۳۶۳/۸/۱ همزمان با گذراندن دوران دانشجویی وارد جهاد دانشگاهی شد و در ۱۳۷۱/۸/۳۰ با حکم رئیس جهاد دانشگاهی به عنوان رئیس جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران

و در سال ۱۳۷۶ به عنوان مشاور رئیس جهاد دانشگاهی منصوب شد. دکتر کاظمی پس از پیگیری و تلاش فراوان نهایتاً موفق به راه‌اندازی مؤسسهٔ رویان شد و در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۳ با حکم دکتر منتظری رئیس جهاد دانشگاهی و با حفظ سمت به عنوان رئیس پژوهشکدهٔ رویان جهاد دانشگاهی منصوب شد. وی علاوه بر مسئولیت‌های فوق، مهم‌ترین فعالیتش در زمینهٔ تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی بوده است. از جمله تلاش‌های دکتر کاظمی می‌توان به راه‌اندازی و برگزاری شش دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی رویان، توسعهٔ تحقیقات در زمینهٔ باروری و ناباروری، شبیه‌سازی، برگزاری دو دورهٔ جشنوارهٔ آسیایی بهداشت خانواده و ده‌ها فعالیت ارزندهٔ علمی دیگر اشاره کرد. وی در سال ۱۳۸۴ به دلیل تلاش‌های فراوان در زمینهٔ تحقیقات سلول‌های بنیادی جنینی به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار کشور معرفی شد و در سال ۱۳۸۴ نیز در یازدهمین جشنوارهٔ تحقیقات علوم پزشکی رازی از رئیس جمهوری تندیس رازی را دریافت کرد.

شعرخوانی: گل و گل

هرگاه شاعری در میان اشعار خود، شعری از شاعری دیگر بگنجانند، آن را «تضمین» می‌گویند. تضمین در این مورد یعنی گنجانیدن و شعری را در میان شعری دیگر قرار دادن. در این شعر ملک الشعرای بهار، قطعهٔ معروف سعدی را تضمین کرده است. قالب شعری (گل و گل) «مسمط تضمینی» است. مسمط یکی از قالب‌های شعری است که بنا بر اختیار شاعر، از چند بخش تشکیل می‌شود، بدین شکل که در هر بخش، همهٔ مصراع‌های آن بخش غیر از مصراع (بیت) پایانی آن بخش با هم، هم‌قافیه‌اند.

ملک الشعرای بهار: محمد تقی بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۶ ه. ش.) از شاعران بزرگ معاصر و در عین حال محقق، نویسنده، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود.

بهار در شعر شیوهٔ فصیح قدما را به نیکوترین صورت ادامه داده است، در ضمن از زبان متداول، لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود به عاریت گرفته است. وی شعر را وسیلهٔ بیان مقاصد گوناگون قرار داده و با اطلاعی که از زبان پهلوی (زبان دورهٔ ساسانیان) داشت، به ایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از لغات متروک توفیق یافت.

دیوان بهار در دو جلد به طبع رسیده است. از آثار تحقیقی او تصحیح و تحشیهٔ «تاریخ سیستان»، «مجمل التواریخ و القصص» و تألیف کتاب ارزشمند «سبک‌شناسی» در سه جلد است.

درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم، رفتار بهشتی و گرمای محبت

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با چهره‌های مشهور سیاسی و مذهبی ایران، مانند: شهید محمد علی رجایی و شهید مصطفی چمران
- ۲- آشنایی و شناخت بیشتر خصوصیات اخلاقی شهیدان بزرگوار چون: دکتر بهشتی و دکتر چمران و ...
- ۳- آشنایی با نمونه‌هایی از تثر معاصر
- ۴- تقویت علاقه و تشویق به منظور مطالعه زندگی شخصیت‌های بزرگ مذهبی و علمی
- ۵- شناخت شخص و شمار در فعل‌های فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- تدریس اعضای تیم
- ۲- کارایی تیم
- ۳- ایفای نقش
- ۴- روشن‌سازی طرز تلقی

اطلاعات کمکی

شهید رجایی: محمد علی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. چهار سال بیشتر نداشت که پدر خود را از دست داد و مادر و برادر سیزده ساله‌اش مسئولیت اداره زندگی را به عهده گرفتند. با تمام مشکلات، دوره ابتدایی را به پایان رساند و در بازار قزوین در مغازه دایی خود به دانش‌آموزی مشغول شد. در ۱۴ سالگی قزوین را ترک کرد و به تهران نزد برادر خود آمد. در قزوین به عنوان نوجوانی مذهبی شناخته شده بود و در ایام سوگواری، رهبری نوجوانان محله را به عهده داشت. در طول همین مدت و با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد؛ سپس به کار معلمی پرداخت. شهید رجایی همراه تلاش برای اداره زندگی، به مبارزه سیاسی هم می‌پرداخت و از روحانیون مبارزی مثل آیت‌الله طالقانی درس‌ها آموخت. در این مبارزه طعم تلخ زندان را چشید و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد. با همه گرفتاری‌ها موفق

به گرفتن درجه لیسانس در رشته ریاضی و فوق لیسانس در رشته آمار شد و در دبیرستان‌ها به تدریس ریاضی پرداخت. او سال‌ها بعد صدایش را به عنوان صدای اعتراض ملت ایران نسبت به ظلم و ستم در تاریخ ۵۹/۷/۲۶ از جایگاه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به گوش جهانیان رساند.

«خداوند بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به وی ستم شده باشد».

محمدعلی رجایی پیش از رسیدن به نخست وزیری در مقام وزارت آموزش و پرورش و سپس در جایگاه نمایندگی ملت ایران در مجلس شورای اسلامی خدمت کرد. او در دینداری و نظم و انضباط نمونه بود. تقوا و ایمان او به خدا و شکیبایی‌اش باعث موفقیت و افتخارش شد.

رجایی معلم ساده و بی‌آلایش با یاری خداوند و پشتیبانی مردم و سرشت پاک و خداجوی خویش در راه ایمان و عقیده مبارزه کرد و سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در کنار دوست و همسنگر دیرینه‌اش، دکتر محمد جواد باهنر به شهادت رسید.

دکتر مصطفی چمران : در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد. مصطفی تحصیلات خود را در مدرسه انتصابیه، نزدیک پامنار آغاز کرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. در دانشکده فنی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی دانشجویان ممتاز به آمریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید.

مصطفی از پانزده سالگی در درس تفسیر قرآن آیت الله طالقانی در مسجد هدایت و در درس فلسفه و منطق استاد مرتضی مطهری و بعضی استادان دیگر شرکت می‌کرد. وی از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران دکتر محمد مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت. او بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا زمان مهاجرت از ایران به مبارزه پرداخت و در آمریکا با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد. چمران از مؤسسان انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و فعالان انجمن ایرانی در آمریکا به‌شمار می‌رفت که به دلیل فعالیت‌های سیاسی بورس تحصیلی‌اش از سوی دولت قطع شد.

پس از قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ رهسپار مصر شد و مدت دو سال در زمان عبدالناصر، در مصر دوره‌های چریکی - پارتیزانی را آموخت و سپس مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده‌اش واگذار شد. بعد از فوت جمال عبدالناصر به ایجاد پایگاهی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی در لبنان

پرداخت. او به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان، سازمان «امل» را پی‌ریزی نمود. دکتر چمران با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بعد از ۲۳ سال به ایران بازگشت.

تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب در سعد آباد از جمله نخستین فعالیت‌های چمران بود. او سپس در شغل معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب به فعالیت ادامه داد و از طرف امام خمینی (ره) به وزارت دفاع منصوب گردید. دکتر چمران در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. او با کمک گروهی از رزمندگان، ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. ایجاد واحد مهندسی برای این استان یکی از برنامه‌های چمران بود که به کمک آن، جاده‌های نظامی نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یکصد متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه ساخت به همین دلیل نیروهای دشمن مجبور شدند چند کیلومتر عقب‌نشینی کنند و سدی عظیم مقابل خود ببینند و با این عمل، فکر تسخیر اهواز را برای همیشه از سر بیرون کنند. یکی از کارهای مهم چمران از همان روزهای اول، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای داوطلب بود. دکتر چمران برنامه عملیاتی مشترک از جانب جاده اهواز - سوسنگرد برای یورش به سوسنگرد را سازمان‌دهی نمود.

در جریان این حمله از دو قسمت پای چپ زخمی شد، ولی پس از آزادسازی شهر سوسنگرد در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در دهلاویه به شهادت رسید. از دکتر مصطفی چمران دست‌نوشته‌هایی بر جای مانده است.

کیومرث صابری: طنزپرداز معاصر در هفتم شهریور ۱۳۲۰ زمان حضور ارتش متفقین جنگ جهانی دوم در ایران، در فومن - در یکی از شهرهای استان گیلان - به دنیا آمد.

صابری تحصیلات دبستانی خود را در شهر فومن گذراند. بعد از اتمام دوره دبیرستان در شانزده سالگی در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ساری که از شهرستان فومن فقط یک نفر را می‌پذیرفت، قبول شد و دو سال در آنجا که شبانه‌روزی هم بود، تحصیل کرد. او پس از قبولی در امتحانات در سن ۱۸ سالگی (۱۳۳۸) به عنوان معلم یک دبستان روستایی از توابع صومعه‌سرا مشغول به کار شد.

صابری در ۲۰ سالگی (۱۳۴۰) در رشته ادبی به‌طور متفرقه امتحان داد و دیپلم گرفت. همان سال در کنکور رشته سیاسی حقوق تهران پذیرفته شد و همزمان با تدریس در دبستان و دبیرستان به تحصیل پرداخت. با این حال پس از ۴ سال توانست لیسانس حقوق سیاسی خود را از دانشکده مذکور دریافت کند.

صابری اولین شعرش را در ۱۴ سالگی برای درج در روزنامه دیواری مدرسه شان سرود که یک غزل ۸ بیتی با عنوان یتیم بود.

در سال ۱۳۴۰ در تظاهرات دانشجویی شرکت کرد و مضروب و دستگیر شد. او شعری سیاسی به طنز سرود و با امضای گردن شکسته فومنی برای مجله طنز توفیق ارسال کرد.

پس از چاپ این شعر در چند شماره بعد مجله توفیق، پای صابری به طنز نویسی کشیده شد. در سال ۱۳۴۵ با کمک حسین توفیق به تهران منتقل شد و در یکی از دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت.

او همکار ثابت توفیق بود و پس از مدتی کوتاه به معاونت حسین توفیق رسید. صابری بعدها در هنرستان صنعتی کارآموز تهران با محمد علی رجایی آشنا شد. این آشنایی به

دوستی صمیمانه این دو انجامید و تا زمان شهادت محمد علی رجایی (۱۳۶۰/۶/۸) ادامه یافت. «برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر» عنوان پایان‌نامه مقطع لیسانس صابری بود

و به پیشنهاد شهید رجایی به صورت کتابی درآمد.

صابری در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ فوق لیسانس ادبیات تطبیقی از دانشگاه تهران شد. او پس از انقلاب در زمان نخست وزیری شهید رجایی به مقام مشاور فرهنگی و مطبوعاتی نخست‌وزیر منصوب شد و تا زمان شهادت رجایی در این سمت باقی ماند و هنگام ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای در همان سمت ابقا شد.

صابری به تدریج از مشاغل سیاسی کناره گرفت و بعد فرهنگی کار خود را وسعت بخشید. او مسئولیت مجله رشد ادب فارسی را نیز برعهده داشت و گهگاه مطالبی برای روزنامه اطلاعات می‌نوشت. او مدت‌ها طرح ایجاد یک ستون طنز سیاسی را در خاطر داشت.

وی مدتی روی طرح ستون طنز خود کار کرد و از میان چند عنوان نام «دو کلمه حرف حساب» را برگزید و اسم مستعار گل آقا را برای خود انتخاب کرد. با گذشت مدت کوتاهی از آغاز انتشار دو کلمه حرف حساب، به عنوان مهم‌ترین منتقد حکومت در داخل کشور مطرح شد. او در آبان سال ۱۳۶۹ با گرفتن امتیاز هفته‌نامه گل آقا، اولین شماره هفته‌نامه گل آقا را منتشر کرد. استقبال مردم از این مجله غیرقابل تصور بود. گل آقا در اولین نمایشگاه مطبوعات در اردیبهشت ۱۳۷۱ حائز مقام اول شد و به دریافت جایزه اول نمایشگاه مطبوعات (لوح بلورین و تقدیرنامه) مفتخر گردید.

کیومرث صابری توانست با سرمایه‌گذاری روی جوانان نسل آینده طنز کشور را بیوراند، طنز گل آقایی، آمیزه‌ای است از انتقاد، تجاهل، شفقت، انصاف، ادب، تدین، ایجاز، رندی حافظانه، امیدبخشی و شادی‌آفرینی.

صابری در آبان ۱۳۸۱ همزمان با آغاز سیزدهمین سال انتشار مجله گل آقا، انتشار آن را متوقف ساخت.

گل آقای ملت ایران سرانجام در صبح جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ پس از طی یک دوره بیماری زندگی را بدرود گفت.

آثاری که تا به حال از صابری منتشر شده، عبارت‌اند از:

۱- برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر

۲- تحلیل داستان ضحاک و کاوه آهنگر

۳- مکاتبات شهید رجایی و بنی صدر

۴- گزیده دو کلمه حرف حساب جلد ۱، ۲، ۳ و ۴

نوشتن

- حل جدول

۱- ماضی

۲- ضمیر

۳- یواش

۴- مو

۵- یا

۶- جدی

۷- آرش

۸- دم

۹- بعید

۱۰- بدر

۱۱- دور

فصل پنجم

اسلام و انقلاب اسلامی

درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نقش ایرانیان در باروری فرهنگ و تمدن اسلام
- ۲- آشنایی با اهمیت تعالیم اسلامی در رشد و پیشرفت فرهنگ و ادب فارسی
- ۳- ایجاد انگیزه نسبت به مطالعه آثار گران بها و شاهکارهای فرهنگ و ادب اسلامی
- ۴- آشنایی با چهره‌های بزرگ و عالمان فرهنگ و علوم اسلامی
- ۵- پرورش و تقویت صمیمیت و اخلاص و ذوق نسبت به آثار تمدن اسلام و ایران
- ۶- آشنایی بیشتر با ضمیر (ضمیر گسسته، ضمیر پیوسته)

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- کارایی تیم
- ۲- سخنرانی
- ۳- بحث گروهی
- ۴- واحد کار (پروژه)
- ۵- روشن‌سازی طرز تلقی

اجرای عملی تدریس

در روش ۴ دانش‌آموزان به صورت گروهی یا فردی به جمع‌آوری اطلاعات راجع به خدمات متقابل اسلام و ایران از کتابی به همین نام از استاد مطهری می‌پردازند.

روش کارایی تیم: دانش‌آموزان را به گروه‌های سه نفری تقسیم کرده، هر یک از اعضای گروه متن درس را به صورت انفرادی می‌خواند، سپس به سؤال‌های آزمون (تهیه شده توسط معلم) که در اختیار او قرار می‌گیرد، پاسخ می‌دهد. در گروه نیز درباره پاسخ‌های خود گفت‌وگو می‌کند و دلایل انتخاب یا رد آن را ارزیابی می‌کند. در مرحله بعد پاسخ سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد. بعد از اعضای گروه پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره‌گذاری و نمره مؤثر یادگیری را محاسبه می‌کنند.

نکات مهم درس

در این درس، استاد شهید مرتضی مطهری، به نقش برجسته خدمات دانشمندان و حکیمان و استعدادهای درخشان ایران در رشد و شکوفایی و بالندگی تمدن اسلام پرداخته است و از سویی دیگر به ظهور اسلام و شکل‌گیری حکومت اسلامی و آثار سازنده آن بر افکار و اندیشه‌های صاحبان قلم، اشارتی نموده است. تأکید استاد شهید مطهری بر این است که از یک‌سویه‌نگری و تعصب و خام‌اندیشی باید پرهیز کرد. آنچه در قلمرو فکر و فرهنگ و تمدن، ارجمند و مهم است، داد و ستد سالم و سازنده و تعامل میان ملت‌ها و آیین‌ها و فرهنگ‌هاست.

اطلاعات کمکی

استاد شهید مطهری: مرتضی مطهری در قریه فریمان - ده فرسنگی مشهد مقدس - در یک خانواده اصیل روحانی متولد شد. دوران تحصیل خود را ابتدا در شهر مشهد و حوزه قدیمی و پرمایه آن گذراند. سپس به قم آمد و از محضر درسی علمایی بزرگ چون امام خمینی (ره)، آیت‌الله العظمی بروجردی و علامه سید محمد حسین طباطبایی بهره‌های فراوان برد و مدتی در همین حوزه مشغول تدریس شد. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد به تهران آمد و در دانشگاه به تدریس پرداخت.

استاد مطهری با وسعت اندیشه، احاطه و تسلط علمی، آشنایی با علوم مختلف دینی و ادبی و بیان رسا و قلم توانا، ده‌ها کتاب و مقاله علمی و نظریه تحقیقی درباره موضوعات اسلامی و فلسفی ارائه داد که جامع‌نگری، هماهنگی با نیازهای فرهنگی و اجتماعی، اسلوب مناسب و ابتکار در طرح مسائل از ویژگی‌های بارز آنهاست.

استاد مطهری را به سبب نوشتن «داستان راستان» باید از پیشگامان ادبیات مذهبی برای کودکان و نوجوانان دانست. از دیگر آثار استاد می‌توان به مقدمه و حواشی بر چهار جلد کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، عدل الهی، خدمات متقابل اسلام و ایران، نظام حقوق زن در اسلام، سیری در نهج البلاغه، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، علوم اسلامی و مسئله حجاب اشاره کرد. استاد در دوازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

آشنایی بیشتر با کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»

این کتاب دربارهٔ موضوع‌های مشترک میان اسلام و ایران است. شهید مطهری در مقدمهٔ این اثر می‌نویسد:

«ما مسلمانان ایرانی به اسلام به حکم اینکه مذهب ماست، ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم اینکه میهن ماست، مهر می‌ورزیم. از این رو سخت علاقه‌مندیم که مسائلی را که از یک طرف با آنچه به آن ایمان و اعتقاد داریم و از طرف دیگر با آنچه به آن مهر می‌ورزیم، پیوند دارد، روشن درک کنیم و تکلیف خود را در آن مسائل بدانیم. عمدهٔ این مسائل در سه پرسش ذیل خلاصه می‌شود:

۱- ما هم احساسات مذهبی - اسلامی داریم و هم احساسات میهنی - ایرانی؛ آیا دارای دو نوع احساس متضاد می‌باشیم یا هیچ‌گونه تضاد و تناقضی میان احساسات مذهبی ما و احساسات ملی ما وجود ندارد؟

۲- دین اسلام وقتی در چهارده قرن پیش به میهن ما ایران وارد شد، چه تحولات و دگرگونی‌ها در میهن ما به وجود آورد؟ آن دگرگونی‌ها در چه جهت بود؟ از ایران چه گرفت و به ایران چه داد؟ آیا ورود اسلام به ایران برای ایران موهبت بود یا فاجعه؟

۳- ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت به این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند. سهم ما ایرانیان در این خدمات چه بوده است؟ ایران چه مقامی از این جهت دارد؟ آیا مقام اول را به دست آورده است یا خیر؟ به‌علاوه انگیزهٔ ایرانی در این خدمات چه بوده است؟ از نظر ما سه پرسش بالا عمده‌ترین پرسش‌ها در باب مسائل مشترک اسلام و ایران است.» (خدمات متقابل...، مقدمهٔ ص ۱۲).

دانش‌های زبانی و ادبی

با توجه به محتوای نکتهٔ اول، می‌توان با روش‌های مختلفی دانش‌آموزان را با این مطالب آشنا کرد. از جمله می‌توان از کارت‌هایی که بر روی آنها جمله‌های متعدد با ضمیرهای متفاوت نوشته شده، استفاده کرد.

ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم یا گروه اسمی می‌نشیند و از تکرار آن در جمله جلوگیری می‌کند. گروه اسمی که ضمیر به جای آن می‌نشیند، «مرجع» نام دارد.

محمد برادر پروین است. پروین پاسخ مسئله را از برادرش (= محمد) پرسید.

ضمیر در نقش هستهٔ گروه اسمی نیز ظاهر می‌شود. پس، گروه اسمی می‌تواند از یک اسم یا ضمیر به‌عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل شود.

حقیقت همان اندازه رایج خواهد شد که ما آن را رواج می‌دهیم.

برای سوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای (او،-ش)، از ضمیرهای (ایشان،-شان) استفاده می‌شود.

استاد یک جلد کتابشان را به من هدیه کردند. ایشان در این کتاب نظریه‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند.

انواع ضمیر

۱- ضمیر شخصی

۲- ضمیر مشترک

۳- ضمیر اشاره

۴- ضمیر پرسشی

۱- **ضمیر شخصی**: ضمیر شخصی به جای اسم یا گروه اسمی می‌نشیند و شش شخص دارد: ایشان آمدند. من نشستم. ضمیر شخصی، دو گونه است: جدا و پیوسته.

ضمیرهای جدا یا منفصل به واژه‌های دیگر نمی‌پیوندند: او را صدا زدیم.

ضمیرهای پیوسته یا متصل به تنهایی به کار نمی‌روند، بلکه به واژه‌های دیگر می‌پیوندند: کتابش

را آوردم.

۲- **ضمیر مشترک**: ضمیر مشترک چون برای هر شش شخص، کلمه مشترکی دارد، مشترک

نامیده می‌شود: خود، خویش، خویشان

فردوسی خود برای سرودن شاهنامه سال‌ها رنج کشید.

ضمیر مشترک خود معمولاً همراه با ضمیرهای شخصی پیوسته به کار می‌رود:

خوادم/ خودت/ خودش/ خودمان/ خودتان/ خودشان

۳- **ضمیر اشاره**: واژه‌های این و آن که به ترتیب برای اشاره به نزدیک و دور به کار می‌روند و

مانند اسم‌ها جمع بسته می‌شوند، ضمیر اشاره هستند.

۴- **ضمیر پرسشی**: واژه‌هایی که جانشین اسم می‌شوند و برای پرسش به کار می‌روند، ضمیر

پرسشی هستند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

که، چه، کدام، کجا، چند، کی

تفاوت ضمیر پرسشی و صفت پرسشی:

صفت پرسشی وابسته اسم است و همراه اسم به کار می‌رود: کدام گلدان را شکست؟

ضمیر پرسشی جانشین اسم است و به جای اسم و تنها می‌آید: کدام را شکست؟

شعرخوانی: رستگاری

نکات کلیدی شعر: فردوسی در این شعر تنها راه رستگاری انسان را در دانش اندوزی و دینداری

می‌داند و می‌گوید: «برای نجات از تیرگی‌ها باید به خاندان عصمت و طهارت پناه برد».

درس سیزدهم: اُسوهٔ نیکو

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با شخصیت والای پیامبر (ص)
- ۲- آشنایی با نثر ساده به زبان معاصر
- ۳- تقویت توانایی دریافت و درک مفاهیم درس
- ۴- تقویت توانایی برای فعالیت‌های لازم جهت درک مفاهیم درس
- ۵- شناخت بیشتر فعل مضارع

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- واحد کار (پروژه)
- ۲- سخنرانی
- ۳- کارایی گروه

نکات مهم درس

۱- اصل رهبری و اعتقاد به آن، انسان‌ها را به سوی رستگاری سوق می‌دهد و سیرت و اخلاق پیامبر، روشن‌گر راه زندگی انسان‌هاست. لطف خداوند برای تأمین سعادت انسان‌ها باعث می‌شود که خدا پیامبرانی برگزیند و مسئولیت هدایت خلق را به آنها واگذارد. حضرت محمد (ص) خاتم این برگزیدگان است که با اخلاق نیک خود در تاریخ خود در دورهٔ عرب جاهلی به ارشاد، مأمور می‌شود. در فرهنگ اسلامی، ذکر اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی پیامبر به «سیره» موسوم شده و نمونهٔ عملی رفتارهای اسلامی را مشخص می‌کند.

۲- دربارهٔ متن اصلی درس ۱۲ می‌توان به آیات و احادیثی اشاره کرد؛ مانند نمونه‌های زیر: سورهٔ آل عمران آیه ۱۵۹: فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّالْقَلْبِ لَا انْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ. رحمت خدا تو را با مردم، مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند.

۳- سروده‌ای که در ادامه درس آمده از بخش مواعظ غزلیات سعدی است که در آن به ستایش مقام و منزلت حضرت پیامبر اکرم (ص) پرداخته است و می‌گوید:

ماه با همه زیبایی خود در برابر جمال و شکوه حضرت محمد (ص) درمانده و متحیر می‌شود و درخت سرو با تمام استواری و راست قامتی خود هرگز به تناسب اندام و زیبایی قامت پیامبر نمی‌رسد. همه انبیای الهی زیر سایه جلال و عظمت حضرت محمد (ص) قرار دارند و مقام او برتر از همه است.

ای سعدی، اگر می‌خواهی عشق ورزی و محبت و نشاط جوانی پیشه کنی، فقط عشق و محبت نسبت به حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش برای تو کافی است.

دانش‌های زبانی و ادبی

هر فعل دو بن دارد: بن ماضی و بن مضارع

بن مضارع فعل‌های ساده = فعل امر مفرد بدون «ب»: رو، بین، نشین

بن مضارع فعل‌های پیشوندی = فعل امر مفرد: برگرد، بازگرد، برآ

بن مضارع فعل‌های مرکب = فعل امر مفرد بدون «ب»: یاد ده، گوش کن

برای شناخت ساختمان هر فعل، بن مضارع آن فعل را در نظر می‌گیریم.

بن ماضی نیز چنین به دست می‌آید:

مصدر بدون «ن» پایانی = دید «ن»، باورکرد «ن»، دوید «ن»، برداشت «ن»، دوست داشت «ن»

حکایت: چراغ

عبدالرحمن جامی، شاعر و عارف نامی قرن نهم هجری است. وی کتاب بهارستان را در هشت روضه و به سبک سعدی برای فرزندش نوشت. حکایت «چراغ» از ششمین روضه کتاب بهارستان نقل شده است.

جامی در این حکایت به انسان‌هایی اشاره دارد که با وجود برخورداری مناسب از نعمت‌های الهی، به خوبی از این نعمت‌ها بهره نمی‌برند و در مقابل، شایستگی و کارآمدی گروهی دیگر از آدمیان را می‌نمایند که از توانمندی‌های کامل برخوردار نیستند اما از تمامی آنچه که دارند به خوبی سود می‌برند.

درس چهاردهم: امام خمینی (ره)

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با شخصیت والای حضرت امام خمینی (ره)
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی امام خمینی (ره)
- ۳- ایجاد شوق و رغبت نسبت به شخصیت امام خمینی (ره)
- ۴- ایجاد نگرش مثبت نسبت به امام خمینی به‌عنوان یک الگوی انقلابی و رهبری در جهان معاصر
- ۵- ایجاد علاقه نسبت به مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی و ابعاد آن
- ۶- آشنایی با نثر ساده و زندگی‌نامه‌ای
- ۷- آشنایی با فعل ماضی (گذشته) در زبان فارسی
- ۸- تقویت و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری و حس همدلی
- ۹- تقویت وحدت ملی و مذهبی در دستیابی به اهداف متعالی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- کارایی گروه
 - ۲- بحث گروهی
 - ۳- روشن‌سازی طرز تلقی
- از متن درس به مفاهیم ارزشمندی دست می‌یابیم که در قسمت اهداف آموزشی آورده شده است. این درس به نثر ساده و داستانی نوشته شده و می‌تواند سرمشق مناسبی برای دانش‌آموزان باشد.

روش تدریس پیشنهادی درس چهاردهم - امام خمینی (ره)

روش روشن‌سازی طرز تلقی افراد عمیقاً بر رضایت شخصی آنها اثر می‌گذارد و از این رو طرز تلقی‌ها، جنبه‌های مهمی از یادگیری اجتماعی به حساب می‌آیند. چنانچه افراد بتوانند آزادانه طرز تلقی‌هایشان را مورد بررسی قرار دهند، بینشی کسب می‌کنند که می‌تواند رفتار خویش را کنترل نمایند و دریابند که طرز تلقی‌شان تا چه حد ممکن است در کیفیت کارشان تأثیر گذارد.

در این روش پس از قرائت متن درس امام خمینی (ره) از دانش‌آموزان می‌خواهیم که رفتارهای مورد انتظار ما و مراحل آن را به خوبی انجام دهند. این رفتارها و مراحل بدین قرار است:

- ۱- عبارت ناتمامی را که برای آنها در نظر گرفته‌ایم، با یک یا دو جمله کامل کنند.
- ۲- دربارهٔ جمله‌ای که کامل کرده‌اند، با یکدیگر در گروه بحث و گفت‌وگو کنند.
- ۳- بر روی بهترین جمله و طرز تلقی به توافق برسند و به‌عنوان محصول نهایی گروه، آن را به کلاس عرضه کنند.

۴- نظرات نهایی گروه‌ها روی تختهٔ کلاس نوشته می‌شود و بهترین نظرات مورد تأیید قرار می‌گیرند. ناگفته مشخص است که معلم در همهٔ مراحل به‌عنوان یک هدایتگر بر کلیهٔ این فعالیت‌ها نظارت دارد و فرایند آموزش را سامان دهی می‌کند. مطالبی که در ادامه می‌خوانید روش تدریس روشن‌سازی طرز تلقی است که در یکی از مدارس منطقهٔ دو شهر تهران به انجام رسیده است.

مرحلهٔ اول: تکمیل یک جمله (یا پاسخ به یک سؤال): در ابتدا از دانش‌آموزان خواستیم که هریک از آنها در گروه خود عبارت زیر را از دیدگاه خود کامل کنند.

اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند.....

مرحلهٔ دوم: دانش‌آموزان پاسخ‌های گوناگونی را در گروه خود تولید کردند.

مرحلهٔ سوم: پس از پنج دقیقه بحث و گفت‌وگو در گروه، نهایتاً یک جمله به‌عنوان محصول نهایی گروه‌ها آماده شد که شما نمونه‌هایی از آن را در ادامه ملاحظه می‌کنید:

گروه اول: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند باعث شکوفایی و پیشرفت شود.

گروه دوم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند آیندهٔ بهتری را همراه داشته باشد.

گروه سوم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند مردم ایران را به یکدیگر نزدیک کند و آنها را به سعادت برساند.

گروه چهارم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند مردم را به قلّهٔ پیروزی برساند و از اعماق دشمنی و کینه‌ورزی دور نگاه دارد.

گروه پنجم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند ما را به خوشبختی برساند.

مرحلهٔ چهارم: جملهٔ هر گروه را بر روی تخته نوشتیم و یک یک آن جمله‌ها برای دانش‌آموزان خوانده شد و دانش‌آموزان دربارهٔ هر جمله نظر خود را بیان کردند. آنچه در این روش تدریس به دست آمد، دیدگاه‌های مثبت دانش‌آموزان نسبت به موضوع «اتحاد و همدلی مردم ایران» بود. همچنین آنها دربارهٔ ضعف‌های ویرایشی، زبانی و ادبی بودن جمله‌ها و عدم موافقت با مفهوم برخی از جمله‌ها با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو پرداختند. به‌عنوان مثال تعدادی از دانش‌آموزان با مفهوم جملهٔ پایانی: «اتحاد و همدلی می‌تواند مردم را به خوشبختی برساند.» خوشبختی را در زمینه‌ها و چیزهای دیگری

جست‌وجو کردند و با گروهی که این جمله را بیان کرده بودند به بحث و گفت‌وگو پرداختند؛ به گونه‌ای که بحث آنها باعث تعدیل نظر هر دو گروه شد.

روان‌خوانی: مرخصی

«مرخصی» داستان کوتاهی است که با چاشنی طنز به شیوه‌ی روایت اول شخص مفرد نوشته شده است.

موضوع این داستان نمایش بی‌تابی‌ها و شور و بی‌قراری‌های شوق‌انگیز نوجوان بسیجی است برای بازگشت به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که در نگاه او دروازه‌ی بهشت است. این مشتاقی و مهجوری آن‌چنان در نهاد ناآرام بسیجی نوجوان غلبه یافته است که از همان روزهای اول مرخصی به چگونه بازگشتن خود می‌اندیشد که پدر و مادر نیز مانع رفتن او نشوند.

این رغبت رفتن و عشق آگاهانه به حال و هوای جبهه را در بخش زیر، به خوبی می‌توان دریافت. آنگاه که مادرش در خانه را قفل می‌کند و مانع رفتن وی می‌شود، این نوجوان بسیجی با نهایت پاکدلی و صفای برخاسته از آبخور مذهبی می‌گوید:

«نه در را قفل نکن. خوب است خدا سر پل صراط یقه ات را بگیرد و در بهشت را به رویت ببندد و بگوید: نمی‌گذارم بروی؟»

نویسنده در کنار نشان دادن عشق پاک نوجوان بسیجی به دین و میهن و بیان حدیث بی‌قراری‌های جوانان رشید، عواطف نرم و احساسات لطیف مادر را نیز به زیبایی به تصویر کشیده است. مثلاً می‌بینیم چندین بار از روی احساس پاک و عاطفه‌ی بی‌آلایش مادرانه مانع بازگشت فرزندش می‌شود، اما شوق و شور دل سپردگی به فرمان رهبر و حلاوت دفاع از شرف و غیرت دینی میهنی، آن‌گونه در او کارگر افتاده است که پیوسته او را چونان آهوئی رمنده و گریز پا در رفتن به جبهه مشتاق و بی‌آرام ساخته است.

شخصیت‌های داستان

- ۱- راوی اول شخص که یک نوجوان ۱۴، ۱۵ ساله بسیجی است.
- ۲- پدر این نوجوان بسیجی که دکاندار است و از سر عقل و بی‌غلبه‌ی احساس سخن می‌گوید.
- ۳- مادر این نوجوان بسیجی که از او به‌عنوان «نه» یاد می‌شود. او که سرشار از مهر و عاطفه و احساس لطیف مادرانه است.

ویژگی‌های زبانی: از نظر زبان، این داستان به سادگی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. به سبب بهره‌گیری از زبانی ساده و به دور از پیچش‌های واژگانی و معنایی و به‌کارگیری عنصر طنز و کنایه‌های آشنا

و برآمده از زبان و فرهنگ عامه، نثر داستان‌گرای و جاذبه‌خاصی دارد؛ مثلاً به این ترکیب‌ها و عبارات‌های محاوره‌ای و زبان‌گفتار توجه کنید:

- برای مدت کوتاهی می‌خواهم بروم این بغل مغل‌ها.
 - نه‌ام که از دست من کلک‌های زیاد و جورواجوری خورده بود... .
 - کمی من من کردم، دیدم هوا پس است و جای ماندن نیست.
 - یک مرتبه مثل فنر از جا پریدم.
 - دیدم گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست.
 - دیگر خرم از روی پل گذشته بود.
 - این قدر آغوره‌نگیر.
 - آخر، کله‌خراب! بی‌خداحافظی سرت را می‌اندازی و می‌روی؟
- همین نمونه‌ها و کنایه‌های مناسب دیگر، بر شیرینی و جذابیت اثر می‌افزاید؛ به گونه‌ای که خواننده را بی‌احساس خستگی تا پایان به دنبال خود می‌کشاند و گهگاهی خنده‌ای ملیح بر لبان خواننده و شنونده می‌نشانند. اکنون چند نمونه از کنایه‌هایی را که در متن به کار رفته است، می‌خوانیم:
- نه‌ام که گوشش از این حرف‌ها پر بود.
 - همین‌طور با صحبت‌هایم سرش را گرم می‌کردم.
 - دهانت بوی شیر می‌دهد.
 - خون کردی جگرم را.
 - آقايم که گویا بو برده بود.
- عنصر دیگری که در این داستان از نقاط قوت به‌شمار می‌آید و در تسخیر ذهن مخاطب نقش برجسته‌ای دارد، به‌کارگیری تصاویر حسی و ملموس و زنده و پویا است. تصاویری که گاهی بار طنز را به همراه دارد و زمانی هم حس عاطفی عمیقی را نشان می‌دهد و سبب برانگیختن عواطف و حس و حال خواننده یا شنونده نیز می‌شود. مثلاً عبارات‌های زیر را یک بار از این دید بخوانید:
- وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم که چطور به نه‌ام بگویم که باید به جبهه برگردم.
 - داشتم تند تند لباس‌ها و کتاب‌هایم را توی ساک می‌گذاشتم که نه‌ام پاورچین پاورچین بالای سرم حاضر شد.
 - دستۀ ساک را سفت توی مشتم گرفتم که یک مرتبه مثل فنر از جا پریدم اما نه‌ام دستم را خواند و زود دوید طرف در مثل شیر ژبان ایستاد.

- ساکم را از سر دیوار پرت کردم توی کوچه و مثل گربه، درخت خانه‌مان را گرفتم و رفتم بالا.
- یک وقت دیدی که تیر آمد و جایی برای نشستن غیر از سرو کله من پیدا نکرد.
- آقایم کلاهش را کمی عقب داد. جلوی سرش را خاراند و گفت...
- قطار سوتی کشید و آرام آرام به راه افتاد رفت و رفت. دیگر آقایم و ننه ام به اندازه یک نقطه شده بودند؛ نقطه‌ای که تمام قلبم را گرفته بود.
- باد گرم، دست خود را بر صورت و چشم‌هایم می‌کشید. انگار می‌خواست اشک‌هایم را پاک کند.

محمدرضا کاتب در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در تهران به دنیا آمد.
کاتب از سنین نوجوانی به داستان‌نویسی روی آورد و کار خود را با طنز آغاز نمود و با حضور در «کیهان بچه‌ها» برخی از داستان‌های اولیه خود را منتشر کرد.
محمدرضا کاتب از نویسندگان خوش استعداد دهه هفتاد به شمار می‌آید. تمایل کاتب به ادبیات جدید و دارای فرم را باید در آثاری چون «پری در آبگینه» و «دوشنبه‌های آبی ماه» جست‌وجو کرد؛ دو اثری که سکویی برای نوشتن رمان «هیس» و انتشار آن در سال ۱۳۷۸ می‌شوند. وی با رمان «هیس» به شهرت رسید. این رمان جایزه برترین رمان سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات را به خود اختصاص داد. کاتب در سال ۱۳۸۱ رمان «بستی» و در سال ۱۳۸۳ «وقت تقصیر» را به چاپ رساند و چهره حقیقی خود را در قلمرو ادبیات داستانی تثبیت کرد. برخی دیگر از داستان‌های این نویسنده عبارت‌اند از:

- جای شما خالی
- چشم‌های فیروزه‌ای
- عبور از پیراهن
- می‌خواهم سر نداشته باشم.

فصل آزاد

ادبیات بومی (۲)

درس پانزدهم: درس آزاد

برای آگاهی از ویژگی‌های درس آزاد و چگونگی تولید آن به درس پنجم همین کتاب مراجعه کنید.

روش‌های پیشنهادی تدریس روان‌خوانی

روان‌خوانی را با روش‌های گوناگون می‌توان تدریس کرد. یکی از روش‌های پیشنهادی، الگوی بحث گروهی است.

دانش‌آموزان در گروه‌های خود در زمینه زبان فارسی، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و پیشینه آن گفت‌وگو می‌کنند.

می‌توان با استفاده از منابعی که در اختیار گروه‌ها قرار می‌گیرد، این مطالعات را جهت و عمق بخشید.

پس از گفت‌وگو نماینده هر گروه، نتایج بحث آنها را به کلاس عرضه می‌کند. حاصل گفت‌وگوها و نقد و نظرها، تصویری روشن‌تر از زبان فارسی را به دانش‌آموزان خواهد داد.

درس پس از گفت‌وگوها در کلاس خوانده می‌شود.

روان‌خوانی: چرا زبان فارسی را دوست داریم؟

نکات مهم روان‌خوانی: زبان بخشی از فرهنگ و مهم‌ترین و بنیادی‌ترین بخش فرهنگ است؛ چرا که فرهنگ در ظرف زبان، عرضه می‌شود و زبان فارسی با همه توان و استعدادش قرن‌هاست که حاصل فرهنگ و اندیشه و ذوق ایرانی بوده است.

زبان فارسی با ادبیات فارسی پیوند تنگاتنگ دارد. ادبیات زبان برتر است و زبان پل ارتباط گویسوران زبان. زبان فارسی تکیه‌گاه ذوق و جوشش درونی و اندیشه‌های زیبا و بی‌پایان ایرانی بوده است. ادبیات از زبان سیراب می‌شود و استعداد و ظرفیت‌های زبان محمل آفرینش‌های هنری و ادبی است.

می‌توان به شیوه روشن سازی طرز تلقی به تدریس پرداخت. الگوی پیشنهادی دیگر مانند الگوی پرسش و پاسخ و استفاده از تفکر استقرایی نیز ظرف‌های مناسب برای تدریس اند.

۱- نویسنده دلایل عشق‌ورزی خود به زبان فارسی را ابتدا در پیوند و ارتباط با فارسی‌زبانان جهان و ایرانیان و هموطنان، و دوم پیوند با نیاکان و شنیدن صدای آنان از آن سوی قرون و اعصار به مدد خواندن آثار مکتوب می‌داند.

از این نظرگاه دو کارکرد ارتباطی زبان با گذشته و اکنون مطرح می‌شود. زبان فارسی ما را به ذخایر عظیم فرهنگی و منابع درخشان و گران‌سنگ شعر و نثر گذشته متصل می‌کند و امکان بهره‌گیری از آن را فراهم می‌سازد.

کارکرد مهم دیگر زبان فارسی، پیوندی است که با فارسی زبانان دیگر کشورها مانند افغانستان و تاجیکستان و شیفتگان به این زبان در هر جای دنیا می‌یابیم.

۲- زبان فارسی از خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی است که شامل زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، سوئدی، نروژی، دانمارکی، هلندی، لیتوانی، لتونی و بسیاری زبان‌های دیگر می‌شود.

زبان‌های ایرانی شامل سه دورهٔ اصلی می‌شوند؛ دوره باستان، دوره میانه و دوره جدید. دوره باستان شامل آثار و نوشته‌هایی است که تا انقراض حکومت هخامنشی ادامه داشته است. دوران زبان‌های ایرانی میانه از آغاز پادشاهی اشکانیان تا دوران اسلام است و دوران جدید از آغاز دورهٔ اسلامی است که در ایران متداول می‌شود و به عنوان زبان فارسی دری شهرت می‌یابد. این زبان، زبان رسمی، اداری و وسیلهٔ ارتباط ذهنی و معنوی همهٔ ایرانیان در طول این قرن‌ها و سال‌ها بوده است. فارسی دری زبان دولتی دستگاه ساسانی بوده و به همین سبب در نخستین دولت‌های مستقل یا نیمه مستقل ایرانی بعد از اسلام در مشرق ایران رسمیت و رواج داشته است.

۳- نویسندگان در تشبیهاتی زیبا، لالایی‌ها و ترانه‌های مادران در کنار گهواره را به نسیم مهربان و پری لطیف که برگونه کشیده می‌شود، تشبیه کرده است.

لالایی‌ها، سروده‌های ساده و صمیمی هستند که عمدتاً سرایندهٔ آنها معلوم نیست. این سروده‌ها در شبانگاه و صبحگاه و همه‌گاه، نرم و آرام و خوش‌آهنگ زمزمه می‌شده است تا آرامش و خواب را مهمان کودکان سازد. در لالایی‌ها که معمولاً وزن دو بیتی داشته‌اند، مفاهیم لطیف اخلاقی، اجتماعی و گاه سیاسی دیده می‌شود.

نویسندگان جز لالایی‌ها و ترانه‌ها، به زمزمه‌های زنان شالی‌کار شمال و خواندن اشعار حماسی شاهنامه در زورخانه‌ها اشاره کرده است که هم اکنون نیز روح پهلوانی و جوانمردی و عشق به ایران و زبان فارسی را در جان‌ها گرم و زنده نگه می‌دارد.

پایان متن نگرانی و دغدغهٔ نویسندگان را از تحقیر زبان فارسی یا آفت‌پذیری و خدشهٔ آن نشان می‌دهد. برخی از عناصر تهدیدکنندهٔ زبان عبارت‌اند از:

- ۱- ورود واژگان و ساختار نحوی زبان‌های دیگر به زبان فارسی
- ۲- ترجمه‌های شتاب‌زده، سطحی و بدون شناخت زبان مبدأ و مقصد که باعث درهم ریختن ساختار زبان و مخدوش شدن آن می‌شود.
- ۳- فقدان معادل‌ها (برابر نهاده‌های فارسی برای واژگان بیگانه) و به کار نرفتن واژه‌های برخاسته

از فرهنگ شفاهی و مکتوب

۴- بی‌رغبتی و بی‌توجهی به فرهنگ، زبان و ادبیات گذشته

۵- حذف و فراموشی زبان فارسی در کشورهایی که زمانی با این زبان سخن می‌گفته‌اند یا هنوز در آن کشورها گویشورانی به این زبان وجود دارد.

۶- غفلت از طرح و انتقال فرهنگ و زبان فارسی به دیگر کشورها

۷- فراموشی خط فارسی به‌عنوان ظرف بلورین و جامه‌فاخر زبان فارسی.

نویسندهٔ متن، در پایانی زیبا، چند بیت از حافظ را که بیت پایانی آن از کمال‌الدین اصفهانی است، به کار گرفته که در متن درس تنها بیت «کمال» آمده است.

من جرعه نوش بزم تو بودم هزار سال	کی ترک آبخورد کند طبع خوگرم
ور باورت نمی‌شود از بنده این حدیث	از گفتهٔ کمال دلیلی بیاورم
گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر	آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم

متن روان‌خوانی برگرفته از سرمقاله نامهٔ فرهنگستان (شمارهٔ اول، دورهٔ هفتم، خردادماه ۱۳۸۴) است. نامهٔ فرهنگستان، فصل نامهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که تا زمان انتشار این شماره (خرداد ۱۳۸۴) مدیر مسئول آن دکتر غلامعلی حدّاد عادل و سردبیر آن احمد سمیعی گیلانی بوده است. در نامهٔ فرهنگستان مقالات ارزنده و وزین در باب زبان و ادبیات فارسی به چاپ می‌رسد. سرمقالهٔ مذکور، چهار صفحهٔ نخستین نامهٔ فرهنگستان را به خود اختصاص داده است. نویسندهٔ سرمقاله، دکتر غلامعلی حدّاد عادل در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شده است. وی در سال ۱۳۴۲ از دبیرستان علوی در رشتهٔ ریاضی دیپلم گرفت. در سال ۱۳۴۵ لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۴۷ فوق‌لیسانس در همین رشته را از دانشگاه شیراز اخذ کرد و به تدریس در همان دانشگاه پرداخت.

حدّاد عادل در سال‌های اختناق و مبارزه، به دلیل فعالیت‌های سیاسی و ارتباط با چهره‌های بزرگ دینی از دانشگاه اخراج شد و به تهران آمد. علاقه‌مندی به حوزهٔ علوم انسانی، حدّاد عادل را به تحصیل در رشتهٔ علوم اجتماعی و سپس فلسفه سوق داد. در سال ۱۳۵۱ دورهٔ دکتری فلسفه را در همان دانشگاه ادامه داد و موفق به اخذ درجهٔ دکترا گردید.

دکتر حدّاد عادل جز تدریس در دانشگاه، مسئولیت‌هایی چون ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مدیرعامل بنیاد دایرةالمعارف اسلامی،

نماینده‌گی مجلس شورای اسلامی و ریاست مجلس شورای اسلامی را به عهده داشته است. وی علاوه بر تألیف ۱۵ جلد کتاب درسی آثار دیگری چون ترجمه «تمهیدات» ایمانوئل کانت، «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» را در کارنامه علمی خویش دارد. قلم و نثر دکتر حدّاد عادل، روان و سلیس، محکم و استوار، ساده و دلنشین، و زیبا و هنرمندانه است. دکتر حدّاد عادل شعر نیز می‌گوید و سروده‌های وی در قالب‌هایی چون غزل، قصیده، مثنوی و... طراوت و لطف خاصی دارد.

فصل ششم

ادبیات جهان

درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با یک نمونه از ادبیات جهان
- ۲- تقویت حس عاطفی و تخیل دانش آموزان
- ۳- آشنایی با داستان نمادی «رمزی»
- ۴- شناخت بیشتر فعل آینده (مستقبل)
- ۵- شناخت رمز (سمبل) در ادبیات فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را با روش‌های گوناگون می‌توان آموزش داد :

- ۱- بحث گروهی
- ۲- کارایی گروه
- ۳- ایفای نقش

بهترین روش برای آموزش این درس روش نمایشی (ایفای نقش) است. اگر بخواهیم این درس

را مبتنی بر روش بحث گروهی آموزش دهیم، مراحل زیر اعمال خواهد شد :

۱- ابتدا از همه دانش آموزان می‌خواهیم به‌طور فردی درس را بخوانند.

۲- با طرح دو پرسش دانش آموزان را به تفکر وامی‌داریم؛ مثلاً:

الف - چرا آدم آهنی به همه سؤال‌ها پاسخ یکسان می‌داد؟

ب - چه عاملی باعث تحول زندگی آدم آهنی شد؟

پس از سه، چهار دقیقه فرصت، پاسخ پرسش‌ها را از چند دانش‌آموز می‌خواهیم و درباره پاسخ‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کنیم.

سپس درس به‌طور کامل خوانده می‌شود (توسط معلم یا چند دانش‌آموز).
مدیر یادگیری باید پس از تمام شدن درس از دانش‌آموزان بخواهد پیام اصلی داستان را بیان کنند، سپس در پایان خود به جمع‌بندی نظرات بپردازد و پیام اصلی درس را بگوید.

نکات مهم درس

پیام اصلی داستان: آدم‌آهنی مظهر آدم بی‌عاطفه و ماشین‌زده است و نشان‌دهنده تمدن خشک غرب است که عاطفه را نمی‌فهمد.
در این داستان موجود بی‌احساس، یعنی آدم‌آهنی در اثر محبت یک شاپرک تغییر رفتار می‌دهد. این تغییر در آدم‌آهنی شعر مشهور مولوی را به یاد می‌آورد: «از محبت خارها گل می‌شود».

اطلاعات کمکی

آشنایی با نویسنده داستان و تحلیلی بر داستان آدم‌آهنی و شاپرک
آدم‌آهنی و شاپرک نوشته خانم ویتانو ژیلینسکای متولد ۱۹۳۳ است. این داستان از کتاب «ملخ شجاع» (مجموعه ۴ داستان به نام‌های: دانه برفی که آب نشد، ملخ شجاع، کرم کنجکاو و آدم‌آهنی و شاپرک) گرفته شده است. کتاب توسط مؤسسه کتاب همراه به چاپ رسیده و خانم ناهید آزادمنش مترجم آن است.

خانم ژیلینسکای در ویلینوس، پایتخت لیتوانی زندگی کرده است. لیتوانی کشوری باستانی است و آوازه‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های قدیمی بسیاری دارد. محققان لیتوانیایی بیش از سیصد ترانه بومی سرزمین خود را ثبت کرده‌اند. امروزه بچه‌های لیتوانی نه تنها قصه‌های باستانی بلکه قصه‌هایی را که خانم ژیلینسکای برایشان نوشته است، می‌خوانند و با پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شوند که هرگز در قصه‌های قدیمی نیامده است؛ پدیده‌هایی مثل تلویزیون، آدم‌آهنی و شاپرک.

خانم ژیلینسکای شعر هم سروده است و داستان‌های فکاهی، رمان و نمایش‌نامه نیز دارد. وی کتاب‌های زیادی منتشر کرده است که نه تنها در میان مردم لیتوانی، بلکه در روسیه و کشورهای دیگر هم علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده‌اند. حشرات کوچک، کرم‌ها و پروانه‌ها قهرمانان بسیاری از قصه‌های وی هستند؛ اما این قهرمانان در بستر گل‌های سرخ زندگی نمی‌کنند و اندوه مرگ را می‌شناسند. خانم ژیلینسکای عقیده دارد:

«پنهان کردن مسائلی مثل غصه، درد و مرگ از کودکان درست نیست؛ زیرا کودکان نیز باید با جنبه‌های گوناگون زندگی آشنا شوند و به موجودات اطرافشان که حق زندگی کردن و شاد بودن دارند، توجه کنند».

داستان آدم‌آهنی و شاپرک حاوی پیامی لطیف است. موجودی بی‌احساس (آدم‌آهنی) در اثر محبت یک شاپرک تغییر رفتار می‌دهد. نویسنده از جان‌بخشی استفاده کرده و از آرزو، غم، شادی و ترس، سخن به میان آورده است.

در ادامه، نقد و تحلیل مختصر و مفید این داستان را به قلم آقای «علی پورامن» از دبیران شهرستان تالش که در مجله «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» دوره دوازدهم، شماره پی در پی ۵۴ دی ماه ۱۳۸۵ به چاپ رسید، با هم می‌خوانیم.

کالبدشکافی داستان آدم‌آهنی و شاپرک

قهرمان اصلی داستان یعنی تروم، در یک نمایشگاه الکترونیکی به نمایش گذاشته شده است. این آدم‌آهنی فقط قادر است به سؤال‌هایی که در حافظه‌اش طراحی شده، پاسخ گوید. پاسخ‌های تروم، برای بازدیدکنندگانی که از او سؤال می‌کنند، بسیار جالب و شادی‌آور است. کار هر روز او این است که با پاسخ گفتن به سؤال‌های از پیش طراحی شده، مایه سرگرمی و خنده دیگران را فراهم آورد.

اما شبی از شب‌ها، شاپرکی بر شانه او می‌نشیند و با لطافت روح خویش، تروم را از تکرار و ماشینی بودن، به سوی تغییر و تحول سوق می‌دهد. با ادامه این ملاقات‌ها، روح آگاهی و تحول در کالبد تروم دمیده می‌شود و سرانجام با مرگ شاپرک به دست خفاش و در حالی که تروم نظاره‌گر ماجراست و عاجز از کمک به شاپرک، داستان به اوج خود می‌رسد.

شاپرک از ترس خفاش به تروم پناه آورده و تروم که همیشه می‌خواسته است، علاقه‌اش به شاپرک را روزی به زبان بیاورد، اکنون شاهد مرگ اوست.

تروم تلاش می‌کند به او کمک کند ولی نمی‌تواند از قالب خشک و بی‌روح خود در بیاید. سرانجام شاپرک زخم خورده از خفاش در پای تروم جان می‌دهد؛ اما گویی با مرگ خود، روح لطیفش را در تن آهنی تروم می‌دمد و او را روحی انسانی می‌بخشد. تروم عشق یافته، دیگر از خود نمی‌گوید، بلکه مدام از «بال بالی» همان شاپرک معصوم می‌گوید که روح نازک و لطیفش را به او هدیه کرده است. این امر باعث می‌شود که او را خراب شده بدانند و پستونشین کنند. تروم دیگر حاضر نیست لذتی را که یافته با چیز دیگری عوض کند.

نویسنده، شخصیت‌های داستانی‌اش را بسیار ماهرانه انتخاب کرده است. آدم‌آهنی نماد انسان ماشینی

و مسخ شده است و از خود اراده و اختیاری ندارد؛ بی روح است و خالی از عشق و عاطفه. شاپرکی با نام «بال بالی» که فرشتهٔ عشق و عاطفه است و معصومیتی ساده و کودکانه دارد؛ و سرانجام خفاش که نماد روزگوری است، حقیقت را نمی بیند و قاتل عشق و عاطفه است.

نویسنده با استفاده از شیوهٔ تشخیص (Personification) خیلی زیبا و ماهرانه توانسته است شخصیت های داستانش را پرورد و از زبان آنها حرف بزند.

شخصیت اصلی داستان، تروم همان گونه که گفته شد نماد شخصیتی مسخ شده و محکوم به انجام اندیشه است. تروم تنها کارش این است که به سؤال های پیش پا افتاده و معمولی جواب بدهد و اساساً نباید فراتر از آنچه برایش تعریف کرده اند، بیندیشد و بگوید.

اما اتفاق جالبی می افتد و این اتفاق جالب، تروم را از آن گونه بودن خارج و به آن گونه که می تواند باشد، رهنمون می شود.

فرشتهٔ عشق (شاپرک)، بر شانه اش می نشیند و حدیث دوستی آغاز می شود و این عشق و محبت با هر بار دیدار مجدد و بوسهٔ شاپرک بر گونه های آدم آهنی روحی انسانی می بخشد. تا جایی که از خود خارج می شود و همهٔ وجودش «بال بالی» می شود. «بال بالی گفت... که روی درخت... بلوط... متولد... شده».

نفحه های آسمانی همواره می وزد تا روح ما را که گرفتار روزمرگی و عادت شده است، به جهانی فراتر از آنچه هستیم، سوق دهد. گروهی خود را در معرض آن قرار می دهند و پرواز می کنند و گروهی پای بست زنجیر عادت می شوند و همچنان فرصت های طلایی برای رهایی از این انجماد را از دست می دهند. مولانا در تفسیر حدیث «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٌ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا، همانا برای پروردگارتان در طول روزهای روزگارتان، بوهای خوشی است، هان، خود را در معرض آن قرار دهید تا از آن برخوردار گردید» می گوید:

گفت پیغمبر که نَفَحَاتِ هَی حَق	اندرین ایام می آرد سَبَق
گوش و هس دارید این اوقات را	در ربایید این چنین نَفَحَاتِ را
نَفْحَه آمد مر شما را دید و رفت	هر که را می خواست جان بخشید و رفت
نَفْحَه دِ بگر رسید آگاه باش	تا ازین هم وانمانی، خواجه تاش

داستان دو قسمت دارد: قسمت نخست تفسیر همین مضمون «نَفَحَاتِ رحمانی» است که آدم آهنی قصهٔ ما در معرض آن قرار می گیرد و قسمت دوم تفسیر تأثیر نَفْحَه های رحمانی و اینکه:

از محبت خارها گل می شود وز محبت سرکه ها مُل می شود

بوسه در عرفان یعنی چشمش و برخورداری از دم لطف و نفس روحانی. نویسنده به زیبایی و در جای مناسب، آن را به کار برده است. شاپرک، هر بوسه‌ای که بر گونه آدم آهنی می‌نشانند، او را از لذتی روحانی برخوردار می‌سازد و عشق در وجودش جاری می‌شود و به تدریج مس وجودش در اثر همین کیمیای عشق، زرین می‌شود و به درجه آگاهی می‌رسد.

نکته اصلی و البته غمناک داستان هم در این قسمت نهفته است که دیگران آگاهی او را بر نمی‌تابند؛ دوست ندارند که برخلاف عادت‌های آنها رفتار کند یا چیزی باشد غیر از آنچه آنها می‌خواهند. اینکه چرا اندیشه‌های مترقی و احیاناً معترض – در بیشتر جوامع – واکنش بازدارنده دیگران را برمی‌انگیزد، خود سؤال است. منصور حلاج از دار به دار گشت، چون به درجه‌ای از آگاهی رسیده بود که اوضاع زمانه آن را بر نمی‌تافت و چه بسیارند انسان‌هایی که زورق اندیشه آنها گرفتار گردباد حوادث شده است. به هر حال، آدم آهنی داستان ما نیز وقتی که آگاه می‌شود، در چاه می‌شود: «ملافه بزرگ و سفیدی آوردند و آدم آهنی را با آن پوشاندند. روی ملافه، اعلان بزرگی زده شد که روی آن نوشته بود: خراب است».

تروم به لذت انسان بودن دست می‌یابد و ظاهرینان آن را انتهای کار می‌بینند. حال آنکه تروم در زیر آن ملافه بزرگ کفن مانند، غرق در لذتی عاشقانه است: «وقتی باد از بیرون به داخل سالن نمایشگاه می‌وزید و با خود رایحه گل‌های درخت بلوط و صدای خش خش برگ‌هایش را می‌آورد، صدای شکسته و آهسته‌ای از زیر ملافه سفید می‌آمد. به نظر می‌رسید که کسی چیزی یاد می‌گیرد و دائم می‌گوید: بال بالی... بلوط... به او آسیب رسید.»

در نهایت باید گفت: داستان بیانی ساده و کودکانه دارد و همین امر باعث شده از همان آغاز، خواننده در داستان ادغام شود و خود را یکی از شخصیت‌های داستان پندارد و لحظه لحظه و سطر به سطر بر جذبه و شور و حالش افزوده گردد و بیشتر محو داستان شود.

خود شاپرک (بال بالی) نیز معصومیتی کودکانه دارد و با گفتار و کرداری بی‌آلایش و متفاوت با سایرین که کارشان خندیدن به گفتار و کردار آدم آهنی است، در دل آهنی او نفوذ پیدا می‌کند و با ایشار تمام به او فرصت زندگی و پرواز می‌دهد.

نکته دیگر اینکه، این داستان شبیه داستان «پینوکیو» است که دانش‌آموزان با آن آشنایی دارند. نمادهای هر دو داستان هم تقریباً یکی است. در این داستان شاپرک، فرشته عشق است و در آن داستان «پری مهربان». در اینجا خفایش داریم و در آنجا «گره نره و روباه مکار» و محتوای هر دو نیز تقریباً یکی است. پینوکیو عروسکی چوبی است که «پدر ژپتو» آن را ساخته است و چون از

روح پدراثة خویش بر آن دمیده، خلق و خویی انسانی پیدا کرده است. گربه نره و روباه مکار، نیروی شر وجود او هستند و دائم تلاش می کنند او را از درجه انسانی ساقط کنند و به درجه حیوانی تنزل دهند. چنان که می بینیم پینوکیو تبدیل به درازگوش می شود یا هر وقت دروغ می گوید، دماغش دراز می گردد؛ اما پری مهربان که نماد نفعه های رحمانی است، با نیروی عشق هر بار به کمک او می شتابد و او را متوجه روح انسانی اش می سازد و بدین ترتیب پس از ماجراهای فراوان، پینوکیو قالبی انسانی می گیرد و متعالی می شود.

کوتاه سخن اینکه چنین داستان هایی روح لطیف و بکر دانش آموزان را که هر لحظه در معرض تهدید و تخریب قرار دارند، لطافتی دوباره می بخشد و از آسیب پذیری آن می کاهد. چیزی که امروز بیش از هر زمان دیگر بدان نیازمندیم.

درس هفدهم: ما می‌توانیم

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نمونه‌ای از ادبیات جهان
- ۲- درک مشترکات و تفاوت‌های ادبیات ایران و جهان
- ۳- آشنایی با ترجمه و مترجم
- ۴- تقویت روحیه خودباوری و مثبت‌اندیشی در کارها
- ۵- شناخت بیشتر واژگان ساده و غیرساده

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را می‌توان با روش روشن‌سازی طرز تلقی تدریس کرد. استفاده از روش نمایش و ایفای نقش و روش بحث گروهی نیز مطلوب و مناسب است.

نکات مهم درس

درس «ما می‌توانیم» نمونه‌ای روان، ساده و زیبا از متون جهانی است که گذشته از همخوانی فرهنگی با جامعه ایران، با دنیای ویژه دانش‌آموزان و شرایط و ویژگی‌های سنی آنان سازگار است. درس دارای ساختاری داستانی است. داستان از زبان اول شخص (بازرس) بیان می‌شود. معلم مدرسه (دونا)، با شگردی زیرکانه و نمایشی بدیع، خود کم‌بینی، خودناپاوری و القاعات منفی را از ذهن دانش‌آموزان دور می‌کند و می‌کوشد امید به آینده و تلاش و کوشش را با اتکا به توانایی‌های دانش‌آموزان در آنها زنده کند. مراسم تشییع جنازه «نمی‌توانم» و سخنرانی «دونا» در این مراسم این پیام مهم و کلیدی را با خویش دارد که هرگز به خویش القا نکنید که نمی‌توانم. بازرس می‌گوید: فهمیدم که این دانش‌آموزان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد. دلیل سخن او این است که آموزش همراه با هیجان، فعالیت و به صورت عملی بوده است و چون همه دانش‌آموزان در پیشبرد هدف نهایی معلم مشارکت داشته‌اند، هیچ‌گاه آن روز را فراموش نمی‌کنند. نویسنده داستان «ما می‌توانیم» (عنوان اصلی درس «مراسم تدفین نمی‌توانم» بوده است.) کلیک مورمان است.

توضیحات ضروری

- ۱- متن داستان خاطره یا خاطره داستان است؛ با بافت و ساختی که وجه داستانی آن را پررنگ تر می‌سازد. این گونه داستان‌ها را داستان کوتاه (Short Story) می‌گویند.
 - ۲- اوج داستان، دفن کردن «نمی‌توانم‌ها» است که بعد از آن گره‌گشایی (عقدگشایی) می‌شود.
 - ۳- نکته جالب توجه برگزاری مجلس ترحیم «نمی‌توانم» در کلاس و نصب اعلامیه ترحیم (نمی‌توانم، تاریخ فوت و...) بالای تخته سیاه کلاس است.
 - ۴- این درس را با استفاده از نمایش و ایفای نقش، بحث گروهی (کارایی گروه) و آزادخوانی می‌توان اجرا کرد.
- استفاده از فیلم یا کتاب داستان که محتوایی مشابه متن درس داشته باشد؛ مثلاً نشان دادن جانبازانی که علی‌رغم نداشتن برخی اعضا موفقیت چشمگیر علمی یا ورزشی و هنری کسب کرده‌اند، مناسب است. از فیلم‌ها، لوح فشرده‌ها (CD) و کتاب‌های مناسب در این زمینه می‌توان بهره گرفت.
- ۵- ترجمه و برگردان جمله‌های عربی و انگلیسی نکته درس :
 - الف) حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند: «از کف دادن فرصت» سبب اندوه می‌شود. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۱۸).
 - ب) این داستان، آخرین درس است. نظر شما درباره آن چیست؟

روان‌خوانی: پیر دانا

اکنون که به فرجام کتاب و کار آموزش رسیدید. انتظار این است که دانش‌آموزان عزیز به کمک و راهنمایی و هدایت و نظارت شما دبیران گرامی با توجه به نمونه‌های پیشین بتوانند افزون بر محقق ساختن اهداف اصلی «روان‌خوانی» در این متن پس از خوانش آن، عناصر زیر را از راه گفت‌وگو و تحلیل اثر توضیح دهند.

– زاویه دید

– شخصیت‌های داستان و ویژگی‌های هر یک

– درون‌مایه یا محتوای داستان

یکی از شگردهای خوبی که نویسنده در این داستان از آن سود برده است، به‌کارگیری «الگوی حل مسئله» و مسئله‌آفرینی در فرایند حوادث است. این ویژگی سبب‌گیری و کشش اثر شده است. خوب است همکاران ارجمند از این ویژگی برای پویایی و ایجاد فرصت تفکر بیشتر در دانش‌آموزان استفاده کنند.

خواجوی کرمانی : کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به «خواجو» در سال ۶۷۹ هـ. ق در کرمان زاده شد. ابتدا فضایل روزگار را در زادگاه خود آموخت و سپس به سیر و سیاحت پرداخت. در ضمن این سفرها به ملاقات علاءالدین سمنانی که از بزرگان صوفیه بود، نائل آمد و حلقه ارادت او را در گوش کرد. وی در مدت اقامت در شیراز با بزرگان و فضلالی شیراز چون حافظ معاشرت داشت. خواجو قصاید عرفانی بسیار دارد و از حیث سلیقه مقلد شیخ سعدی است و در غزل سرایی مورد پسند حافظ؛ چنان که حافظ می‌گوید :

استاد غزل، سعدی است پیش همه کس اما دارد سخن حافظ، طرز سخن خواجو
خواجو گذشته از دیوان اشعار، مثنوی‌هایی به سبک نظامی دارد و خمسه‌ای به وجود آورده
که اسامی آنها بدین قرار است :

۱- همای و همایون

۲- گل و نوروز

۳- کمال نامه

۴- روضه الانوار

۵- گوهرنامه

وفات خواجو به سال ۷۵۳ هـ. ق اتفاق افتاد.

نقل به اختصار از لغت‌نامه دهخدا

کتاب‌های متناسب با برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فارسی دوره اول متوسطه

سال انتشار	ناشر	نویسنده / مترجم	نام کتاب
۱۳۸۳	مهاجر	محمد رضا محمدی نیکو	آرش کمانگیر
۱۳۷۹	پیک بهار	محمد رضا یوسفی	آینه‌ها
۱۳۸۳	مهاجر	محمود مشرف آزاد تهرانی	افسانه شاهان و پهلوانان (ضحاک و کاوه آهنگر)
۱۳۸۰	مدرسه	جعفر ربانی	از انشا تا نویسندگی
۱۳۷۹	پیک بهار	محمد رضا یوسفی	پروانه‌ها (داستان‌های کوتاه)
۱۳۷۹	عابد	علی فرخ مهر	پرورش فکر و آشنایی با انشانویسی
۱۳۸۷	لوح زرین	محمود حکیمی	گشت و گذاری در لطیفه‌های ادبی
۱۳۷۹	پیرایش	شکوه قاسم نیا	تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان (قصه‌های هزار و یک شب)
۱۳۷۹	پیرایش	مرجان کشاورزی آزاد	تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان (قصه‌های سیاست‌نامه)
۱۳۸۷	سوره مهر	محمد رضا سرشار (رهگذر)	جایزه
۱۳۸۰	مؤسسه توسعه روستایی ایران	فرزین خجسته	تمثیل‌های دریایی
۱۳۷۹	کانون پرورش فکری	افشین علا	خاطرات مه گرفته
۱۳۷۹	کانون پرورش فکری	محمد علی شاکری یکتا	خداوندگار کوچک
۱۳۹۲	نشر تیرگان	فریدون اکبری شلدره - منوچهر علی پور	زبان آموزی و شعر
۱۳۸۵	نشر واج	سعید وزیری	خاتون معارف ایران
۱۳۸۶	راه‌اندیشه	محمد رضا سنگری و دیگران	با گهرهای فراوان

۱۳۷۹	پیرایش	مسلم ناصری	سروها ایستاده می‌میرند
۱۳۸۶	مدرسه	امیرمهدی مراد حاصل	شکوفه بر شمشیر
۱۳۹۱	معین	هوشنگ مرادی کرمانی	آب انبار
۱۳۷۹	ندای اندیشه	ام‌الله ذوالفقاری	ضرب المثل‌ها و سخنان حکمت آمیز
۱۳۷۹	قدیانی	جعفر ابراهیمی	قصه‌های دلنشین ادبی فارسی
۱۳۷۹	اسپید	مهدی کاموس	کودکی و نوجوانی معصومان(ع)
۱۳۷۹	پارس	شهرام رجب‌زاده	گلچین سخن فارسی
۱۳۸۴	پیام نور	امیرمهدی مراد حاصل	گل مریم
۱۳۸۶	سوره مهر	محمدرضا سرشار (رهگذر)	هستم اگر می‌روم
۱۳۷۹	مدرسه	محمدکاظم مزینانی	ماه در گهواره
۱۳۷۹	دفتر انتشارات کمک آموزشی	نویسندگان مختلف	مجموعه چهره‌های درخشان
۱۳۸۱	افق	آتوسا صالحی	مجموعه قصه‌های شاهنامه
۱۳۷۹	وثوق	محمود جویباری	نامه‌هایی به خدا
۱۳۸۳	محراب قلم	افسانه شعبان نژاد	یک آسمان سلام

فهرست منابع

- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، چاپ ۲ شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۱.
- آراین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، زوار، ج ۳، ۱۳۷۶.
- ابراهیمی، نادر، سه دیدار، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- اعتصامی، پروین، دیوان شعر، با مقدمه ملک الشعراء بهار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
- اکبری شلدره، حصاری و خاتمی، مبانی خواندن در زبان فارسی، انتشارات لوح زرین، تهران، چاپ اول و دوم، ۱۳۹۱.
- اکبری شلدره، قاسم پور، یارویسی، ادبیات کودکان و نوجوانان، انتشارات آیندگان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- امین پور، قیصر، آینه‌های ناگهان، افق، تهران، ۱۳۷۵.
- امین پور، مثل چشمه مثل رود، سروش، تهران، ۱۳۷۲.
- ابید، طاهره، التماس مرغابی‌ها، آستان قدس رضوی (مجموعه سه داستان درباره حضرت علی (ع) برای نوجوانان).
- باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر، انتشارات آگاه، ۱۳۴۹.
- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۸.
- باقری، مهری، مقدمات زبان شناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴.
- بهار، محمد تقی، سبک شناسی، کتاب‌های پرستو، تهران، ۱۳۴۹.
- بیات، میترا، داستان‌های کوتاه امروز، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- جیمز فلاوپیتر، اج سالوس، زبان و مهارت‌های زبان، ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، آستان قدس، ۱۳۶۹.
- حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، انتشارات روشنگران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- حقوقی، محمد، شعر نو از آغاز تا امروز، پوشیج، ۱۳۶۹.
- حکیمی، محمود، سخنی درباره ادبیات کودک و نوجوان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- خیام، رباعیات، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران، ۱۳۲۱.
- دیوبی چمبرز، قصه گویی و نمایش خلاق، ترجمه ثریا قزل ایاغ، چاپ چهارم، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
- رهگذر، رضا، و اما بعد، انتشارات حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، جاویدان، تهران، ۱۳۵۷.
- سرشار، محمدرضا، الفبای قصه نویسی، چاپ دوم، پیام آزادی، ۱۳۷۷.

- سپهری، سهراب، هشت کتاب، کتاب خانه طهوری، ۱۳۵۸.
- سمیعی، احمد، نگارش و ویرایش، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر، ادبیات کودک و نوجوان، چاپ نوزدهم، اطلاعات ۱۳۷۹.
- شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، فردوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، فردوس، تهران، ۱۳۶۸.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، امیرکبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
- صفوی، کورش، نگاهی به پیشینه زبان فارسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۷.
- فتحی، مهدی، یک آسمان ستاره، اسبید، ۱۳۷۹.
- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۰.
- کاشفی خوانساری، سید علی، چهره‌های ادبیات کودکان و نوجوانان، روزگار، ۱۳۷۸.
- گلدان ساز، سید محسن، پروفیسور حسابی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
- محمّدی، حسنعلی، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریاری، نشر ارغنون، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- مرادی کرمانی، هوشنگ، قصه‌های مجید، انتشارات معین، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۸.
- مستوفی، عبدالله، سرگذشت زندگانی من (۳ جلد)، انتشارات زوّار، تهران.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، قم، چاپ نهم، ۱۳۵۷.
- ملامحمّدی، مجید، مهربان‌ترین پدر، خاطراتی از زندگی امام خمینی (ره)، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.
- میرصادقی، جمال، جهان داستان، نشر نارون، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، انتشارات شفا، ۱۳۶۶.
- میرصادقی، جمال، داستان و ادبیات، نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- نائل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ۳ جلد، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- وزین پور، نادر، فن نویسندگی، مؤسسه عالی علوم ارتباطات، ۱۳۴۹.
- ونیز اسکاریت، ادبیات کودک و نوجوان در اروپا، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، چاپ اول، کانون مشهد، ۱۳۷۶.
- همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، ۱۳۶۷.
- یوسفی، غلامحسین، چشمه روشن، علمی، تهران، ۱۳۶۹.
- یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۸.

